



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

جلد اول

بایدها و نبایدها در

قرآن کریم

مختصر فقهی
استاد فقهی

مؤلف: آیت الله العظمی
مجلسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بایدها و نبایدها در قرآن کریم

نویسنده:

ناصر رفیعی

ناشر چاپی:

دارالمبلغین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
بایدها و نبایدها در قرآن کریم	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
اشاره	۱۴
فهرست مطالب	۱۸
مقدمه	۳۷
روزه (۱)	۳۹
اشاره	۳۹
مقدمه	۳۹
آثار و برکات روزه	۴۱
مأیوس نشدن از رحمت خداوند	۴۳
اثرات و برکات روزه	۴۴
۱. مساوی شدن ثروتمند و فقیر	۴۴
۲. یاد تشنگی و گرسنگی قیامت	۴۵
۳. همدردی با دیگران	۴۵
تذکر چند نکته	۴۶
فرق تدبیر با تفسیر	۴۸
تدبیر ابو ایوب انصاری	۴۸
تدبیر شیخ عباس قمی	۴۸
سه چیز غریب واقعی	۴۹
مقدمات فهم قرآن	۴۹
روزه (۲)	۵۱
اشاره	۵۱
مقدمه	۵۱

۵۲	ذکر دو نکته
۵۴	اثرات روزه
۵۴	۱. تقویت عزم و اراده
۵۴	۲. تقویت نظم
۵۴	۳. تقویت بردباری و صبر
۵۴	۴. تقویت آشتی با خدا
۵۵	کسب فیض از ماه رمضان برای همه
۵۶	تذکر ۲ نکته
۵۹	گوشت برادر مرده خوردن
۶۱	ویژگی های قرآن کریم از منظر علی علیه السلام
۶۱	اشاره
۶۱	مقدمه
۶۲	۱. نورش جاویدان
۶۲	اسلام آوردن شخص نصرانی
۶۳	۲. پرتوافشانی کردن
۶۳	۳. درک نکردن عمق آن
۶۳	۴. گمراهی نداشتن
۶۴	۵. کهنه نشدن استدلال هایش
۶۵	تأثیر قرآن کریم
۶۵	۶. شفای بیماری های روحی
۶۷	۷. حق بودن
۶۸	دو سخن از غیر مسلمانان درباره قرآن
۷۱	عبادت و بندگی خداوند
۷۱	اشاره
۷۱	مقدمه
۷۲	عبادت

فوائد عبادت	۷۳
اشاره	۷۳
۱. پرهیزکاری	۷۳
۲. احیا در زنده شدن	۷۴
۳. آرامش و شجاعت	۷۵
حقیقت بندگی در سه چیز	۷۵
ویژگی بندگان خدا	۷۷
۱. تواضع داشتن	۷۷
۲. سجده کردن	۷۸
۳. به یاد قیامت و جهنم	۷۸
۴. اهل انفاق کردن	۷۹
۵. به فکر خانواده بودن	۷۹
داستان بشر حافی	۸۰
لقمه حلال	۸۳
اشاره	۸۳
مقدمه	۸۳
دلایل پیروی نکردن از شیطان	۸۳
کسب های حرام در کلام شهید مطهری	۸۴
لقمه حرام مانع قبول شدن واجبات و مستحبات	۸۵
ریشه های حرام خواری	۸۵
۱. جهل	۸۵
۲. حرص	۸۷
۳. جاذبه حرام	۹۰
۴. سوء ظن به خداوند	۹۰
۵. توجیه کردن حرام	۹۰
فقر مجوز حرام خواری نیست	۹۲

۹۲		قوام دین به چهار امر
۹۲		عوامل روزی فراوان داشتن
۹۳		گام های شیطان
۹۳		اشاره
۹۳		۱. کفر و شرک
۹۳		۲. بدعت
۹۴		۳. گناهان کبیره
۹۴		۴. صغایر
۹۴		۵. مشغول شدن به مستحبات
۹۴		۶. سبک شمردن عبادات
۹۵		انفاق
۹۵		اشاره
۹۵		مقدمه
۹۵		موارد برتری دنیا بر آخرت
۹۷		مبانی انفاق
۹۷		اشاره
۹۷		۱. ایمان به خدا و غیب
۹۸		۲. عقل
۹۸		۳. عبادت
۹۹		۴. ایمان به معاد
۱۰۰		۵. دریافت پاداش از خداوند
۱۰۰		خدمت رسانی ملا عباس تربتی
۱۰۱		خدمت رسانی، سیره معصومین علیهم السلام
۱۰۲		مصادیق انفاق و خدمت رسانی
۱۰۲		اشاره
۱۰۲		۱. انفاق فکری و فرهنگی

۱۰۳	۲. انفاق اجتماعی
۱۰۳	۳. انفاق مالی
۱۰۵	۴. انفاق آبرویی
۱۰۵	کار راه اندازی امام کاظم علیه السلام
۱۰۶	سفارش به خدمت رسانی
۱۰۶	تذکر دو نکته
۱۰۸	تشکر کردن انفاق گیرنده
۱۰۸	تشکر کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از خدیجه کبری علیها السلام
۱۰۹	فرجام نیک
۱۰۹	اشاره
۱۰۹	مقدمه
۱۱۰	ذکر چند مثال
۱۱۱	راه های عاقبت به خیری
۱۱۱	اشاره
۱۱۱	۱. نعمت های خدا را در معصیت خرج نکردن
۱۱۲	۲. مغرور به حلم خدا نشدن
۱۱۳	۳. دوست داشتن مادحین اهل بیت علیهم السلام
۱۱۳	۴. خدمت کردن به امام
۱۱۳	اشاره
۱۱۴	امام کاظم علیه السلام و خدمت رسانی
۱۱۵	۵. محبت امیرمؤمنان علیه السلام
۱۱۵	اشاره
۱۱۷	حارث همدانی و محبت امیرمؤمنان علیه السلام
۱۱۹	۶. مواظبت بر اوقات نماز
۱۱۹	۷. با ادب بودن
۱۱۹	اشاره

۱۲۰	ادب حر عامل عاقبت به خیری
۱۲۱	۸.خواندن سوره زلزال در نماز و دعای عدیله
۱۲۳	صبر و بردباری
۱۲۳	اشاره
۱۲۳	مقدمه
۱۲۳	توصیه به صبر
۱۲۴	توصیه به تقوا
۱۲۶	عوامل محشور شدن با چهار گروه
۱۲۶	اشاره
۱۲۶	۱.کمک کردن به مردم با اموال
۱۲۷	۲.کمک کردن به مردم با آبرو
۱۲۸	۳.کمک کردن با سخن زیبا
۱۲۸	علائم جوان مردی
۱۲۹	مذمت کردن شوخی های نابه جا
۱۳۰	دوری از منت و آزار در انفاق کردن
۱۳۳	حرام خواری
۱۳۳	اشاره
۱۳۳	مقدمه
۱۳۴	ورودی های قلب
۱۳۵	داستان
۱۳۵	اثرات لقمه حلال
۱۳۶	مصادیق اکل مال به باطل
۱۳۷	توجه به حق الناس حتی در روز عاشورا
۱۳۷	لباس غضبی عامل عذاب
۱۳۸	بها دادن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به حق الناس
۱۳۸	تذکر یک نکته

در نظر گرفتن رضایت در تجارت	۱۳۹
سفارش به رعایت انصاف	۱۳۹
مذمت کردن بی انصافی	۱۴۰
منع خودکشی در قرآن	۱۴۱
داستان	۱۴۲
صله رحم	۱۴۵
اشاره	۱۴۵
مقدمه	۱۴۵
اثرات صله رحم	۱۴۶
مذمت کردن قطع صله رحم	۱۴۶
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم	۱۴۹
اشاره	۱۴۹
مقدمه	۱۴۹
معرفی شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم	۱۵۰
احترام گذاشتن امام صادق به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم	۱۵۲
احترام گذاشتن به حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم	۱۵۲
پیامبر را به اسم صدا نکردن	۱۵۳
دروغ بستن به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم	۱۵۴
تذکر یک نکته	۱۵۴
مذمت کردن نسبت های دروغ	۱۵۵
ویژگی های ده گانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم	۱۵۶
اشاره	۱۵۶
۱. رسول	۱۵۶
۲. نبی	۱۵۷
۳. امی	۱۵۷
۴. ذکر شدن ویژگی پیامبر در تورات و انجیل	۱۵۷

۱۵۸	۵. دعوت به معروف
۱۵۸	۶. نهی از منکر
۱۵۸	۷. حلال کردن طیبات
۱۵۸	۸. حرام کردن خبائث
۱۵۹	۹. برداشتن سختی ها
۱۵۹	۱۰. برداشتن غل و زنجیر
۱۶۰	وظایف مردم نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
۱۶۱	تفسیر اولی الامر
۱۶۳	شب قدر
۱۶۳	اشاره
۱۶۳	مقدمه
۱۶۴	خواص مخفی بودن شب قدر
۱۶۵	عزم و اراده
۱۶۵	عزم ملوکانه عامل ترک عمل زشت
۱۶۶	داستان های تقویت عزم و اراده
۱۶۸	راه های تقویت عزم و اراده
۱۶۸	۱. دوراندیشی
۱۶۹	۲. صبر و تقوا
۱۶۹	۳. کنترل عوامل گناه
۱۶۹	اشاره
۱۷۰	دوری از گناه عامل سعادت مند شدن
۱۷۱	۴. نشست و برخاست با افراد صاحب عزم
۱۷۲	۵. تلاش و کوشش
۱۷۵	عید فطر
۱۷۵	اشاره
۱۷۵	مقدمه

عوامل محرومیت	۱۷۶
مراقبت از دستاوردهای ماه مبارک رمضان	۱۷۶
برکات عید سعید فطر	۱۷۷
توصیه به احیای شب قدر	۱۷۸
زیارت امام حسین علیه السلام در شب عید	۱۷۸
جایزه دادن توسط خداوند در روز عید فطر	۱۷۹
عفو کردن گناهان دیگران در شب عید	۱۷۹
درباره مرکز	۱۸۳

بایدها و نبایدها در قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: بایدها و نبایدها در قرآن کریم [کتاب] تدوین و تحقیق سیدعلی اکبر حسینی نیشابوری. ناصر رفیعی محمدی.

مشخصات نشر: قم: دارالمبلغین، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: قرآن -- اخلاق اسلامی

موضوع: اخلاق اسلامی -- مقاله ها و خطاب ها

موضوع: رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۴۴ -- وعظ

موضوع: روضه خوانی

رده بندی کنگره: BP۷۴/ن ۵ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۱

ص: ۱

اشاره

مقدمه..... ۱۵

روزه (۱)

مقدمه..... ۱۷

آثار و برکات روزه..... ۱۹

مأیوس نشدن از رحمت خداوند..... ۲۱

اثرات و برکات روزه..... ۲۲

۱. مساوی شدن ثروتمند و فقیر..... ۲۲

۲. یاد تشنگی و گرسنگی قیامت..... ۲۳

۳. همدردی با دیگران..... ۲۳

تذکر چند نکته..... ۲۴

فرق تدبیر با تفسیر..... ۲۶

تدبیر ابو ایوب انصاری..... ۲۶

تدبیر شیخ عباس قمی..... ۲۶

سه چیز غریب واقعی..... ۲۷

مقدمات فهم قرآن..... ۲۷

روزه (۲)

مقدمه..... ۲۹

ذکر دو نکته..... ۳۰

اثرات روزه..... ۳۲

۱. تقویت عزم و اراده ۳۲

۲. تقویت نظم ۳۲

۳. تقویت بردباری و صبر ۳۲

۴. تقویت آشتی با خدا ۳۲

کسب فیض از ماه رمضان برای همه ۳۳

تذکر ۲ نکته ۳۴

گوشت برادر مرده خوردن ۳۷

از ویژگی های قرآن کریم از منظر علی علیه السلام

مقدمه ۳۹

۱. نورش جاویدان ۴۰

اسلام آوردن شخص نصرانی ۴۰

۲. پرتو افشانی کردن ۴۱

۳. درك نکردن عمق آن ۴۱

۴. گمراهی نداشتن ۴۱

۵. کهنه نشدن استدلال هایش ۴۲

تأثیر قرآن کریم ۴۳

۶. شفای بیماری های روحی ۴۳

۷. حق بودن ۴۵

دو سخن از غیر مسلمانان درباره قرآن ۴۶

عبادت و بندگی خداوند

عبادت	۵۰
فوائد عبادت	۵۱
۱. پرهیز کاری	۵۲
۲. احیا در زنده شدن	۵۲
۳. آرامش و شجاعت	۵۳
حقیقت بندگی در سه چیز	۵۳
ویژگی بندگان خدا	۵۵
۱. تواضع داشتن	۵۵
۲. سجده کردن	۵۶
۳. به یاد قیامت و جهنم	۵۶
۴. اهل انفاق کردن	۵۷
۵. به فکر خانواده بودن	۵۷
داستان بشر حافی	۵۸

لقمه حلال

مقدمه	۶۱
دلایل پیروی نکردن از شیطان	۶۱
کسب های حرام در کلام شهید مطهری	۶۲
لقمه حرام مانع قبول شدن واجبات و مستحبات	۶۳
ریشه های حرام خواری	۶۳
۱. جهل	۶۴

۲. حرص ۶۵

داستان ثعلبه ۶۵

۳. جاذبه حرام ۶۸

۴. سوء ظن به خداوند ۶۸

۵. توجیه کردن حرام ۶۸

فقر مجوز حرام خواری نیست! ۷۰

قوام دین به چهار امر ۷۰

عوامل روزی فراوان داشتن ۷۰

گام های شیطان ۷۱

۱. کفر و شرک ۷۱

۲. بدعت ۷۱

۳. گناهان کبیره ۷۲

۴. صغائر ۷۲

۵. مشغول شدن به مستحبات ۷۲

۶. سبک شمردن عبادات ۷۲

انفاق

موارد برتری دنیا بر آخرت ۷۳

مبانی انفاق ۷۵

۱. ایمان به خدا و غیب ۷۵

۲. عقل ۷۶

۴.ایمان به معاد	۷۷
۵.دریافت پاداش از خداوند.....	۷۸
خدمت رسانی ملا عباس تربتی	۷۸
خدمت رسانی، سیره معصومین علیهم السلام.....	۷۹
مصادیق انفاق و خدمت رسانی.....	۸۰
۱.انفاق فکری و فرهنگی	۸۰
داستان	۸۰
۲.انفاق اجتماعی	۸۱
۳.انفاق مالی	۸۱
۴.انفاق آبرویی.....	۸۳
کار راه اندازی امام کاظم علیه السلام	۸۳
سفارش به خدمت رسانی.....	۸۴
تذکر دو نکته	۸۴
تشکر کردن اتفاق گیرنده	۸۶
تشکر کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از خدیجه کبری سلام الله علیها	۸۶
فرجام نیک	
مقدمه	۸۷
ذکر چند مثال	۸۸
راه های عاقبت به خیری	۸۹
۱.نعمت های خدا را در معصیت خرج نکردن	۸۹

۲. مغرور به حلم خدا نشدن ۹۰

ص: ۹

۳. دوست داشتن مادحین اهل بیت علیهم السلام ۹۱
۴. خدمت کردن به امام ۹۱
- امام کاظم علیه السلام و خدمت رسانی ۹۲
۵. محبت امیر مؤمنان علیه السلام ۹۳
- حارث همدانی و محبت امیر مؤمنان علیه السلام ۹۵
۶. مواظبت بر اوقات نماز ۹۷
۷. با ادب بودن ۹۷
- ادب حر عامل عاقبت به خیری ۹۸
۸. خواندن سوره زلزال در نماز و دعای عدیله ۹۹

صبر و بردباری

- مقدمه ۱۰۱
- توصیه به صبر ۱۰۱
- توصیه به تقوا ۱۰۲
- عوامل محشور شدن با چهار گروه ۱۰۴
۱. کمک کردن به مردم با اموال ۱۰۴
۲. کمک کردن به مردم با آبرو ۱۰۵
۳. کمک کردن با سخن زیبا ۱۰۶
- علائم جوان مردی ۱۰۶
- مذمت کردن شوخی های نابه جا ۱۰۷
- دوری از منت و آزار در انفاق کردن ۱۰۸

حرام خواری

- مقدمه ۱۱۱
- ورودی های قلب ۱۱۲
- داستان ۱۱۳
- اثرات لقمه حلال ۱۱۳
- مصادیق اکل مال به باطل ۱۱۴
- توجه به حق الناس حتی در روز عاشورا ۱۱۵
- لباس غضبی عامل عذاب ۱۱۵
- بها دادن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به حق الناس ۱۱۶
- تذکر یک نکته ۱۱۶
- در نظر گرفتن رضایت در تجارت ۱۱۷
- سفارش به رعایت انصاف ۱۱۷
- مذمت کردن بی انصافی ۱۱۸
- منع خودکشی در قرآن ۱۱۹
- داستان ۱۲۰

صله رحم

- مقدمه ۱۲۳
- اثرات صله رحم ۱۲۴
- مذمت کردن قطع صله رحم ۱۲۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

- معرفی شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم..... ۱۲۸
- احترام گذاشتن امام صادق به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم..... ۱۳۰
- احترام گذاشتن به حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم..... ۱۳۰
- پیامبر را به اسم صدا نکردن ۱۳۱
- دروغ بستن به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم..... ۱۳۲
- تذکر یک نکته ۱۳۲
- مذمت کردن نسبت های دروغ ۱۳۳
- ویژگی های ده گانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم..... ۱۳۴
۱. رسول..... ۱۳۴
۲. نبی..... ۱۳۵
۳. امی..... ۱۳۵
۴. ذکر شدن ویژگی پیامبر در تورات و انجیل ۱۳۵
۵. دعوت به معروف ۱۳۶
۶. نهی از منکر ۱۳۶
۷. حلال کردن طیبات ۱۳۶
۸. حرام کردن خبائث..... ۱۳۶
۹. برداشتن سختی ها ۱۳۷
۱۰. برداشتن غل و زنجیر ۱۳۷
- وظایف مردم نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم..... ۱۳۸
- تفسیر اولی الامر ۱۳۹

- مقدمه ۱۴۱
- خواص مخفی بودن شب قدر ۱۴۲
- عزم و اراده ۱۴۳
- عزم ملوكانه عامل ترك عمل زشت ۱۴۳
- داستان های تقويت عزم و اراده ۱۴۴
- راه های تقويت عزم و اراده ۱۴۶
۱. دور اندیشی ۱۴۶
۲. صبر و تقوا ۱۴۷
۳. كنترل عوامل گناه ۱۴۷
۴. دوری از گناه عامل سعادت مند شدن ۱۴۸
- نشست و برخاست با افراد صاحب عزم ۱۴۹
۵. تلاش و كوشش ۱۵۰

عيد فطر

- مقدمه ۱۵۳
- عوامل محرومیت ۱۵۴
- مراقبت از دستاوردهای ماه مبارك رمضان ۱۵۴
- بركات عيد سعيد فطر ۱۵۵
- توصیه به احیای شب قدر ۱۵۶
- زیارت امام حسین علیه السلام در شب عيد ۱۵۶

جایزه دادن توسط خداوند در روز عید فطر..... ۱۵۷

عفو کردن گناهان دیگران در شب عید..... ۱۵۷

ص: ۱۳

با حمد و ستایش خداوند تبارک و تعالی و سلام و صلوات خاصه پروردگار بر پیامبر رحمت و خاندان مطهرش علی به ویژه قطب عالم امکان، حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء (عج) که چراغ هدایت کشتی نجات، محبت شان شرط قبولی طاعات و اطاعت شان وسیله قرب الهی است.

آرامش گمشده بشر است که هر انسانی به دنبال آن است اما متأسفانه بعضی ها به خطا جایی دیگر دنبال آرامش می گردند.

رمز زندگی سالم توأم با آرامش توجه به دستورات خداوند تبارک و تعالی است. قرآن کتاب روز است نمی شود از قرآن یاد کرد و درس روز را از آن نگرفت؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم خطاب هایی دارد که باید به آنها توجه شود و مورد عمل قرار بگیرد. در حقیقت سبک زندگی اسلامی فهمیدن درست بایدها و نبایدهای قرآنی است و زندگی را طبق آنها تنظیم کردن.

کتابی که پیش روی شماست بایدها و نبایدهای قرآنی است که توسط استاد ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی مطرح شده است.

توفیقی شامل حال شد که آنها را مکتوب کرده و به صورت کتابی که پیش روی شماست تقدیم مبلغان، اهل منبر و علاقه مندان به معارف اهل بیت علیهم السلام کنم. امید است خداوند در نشر معارف اسلامی و بیان حقایق همه ما را به لطف و کرمش یاری بفرماید.

از سروران ارجمند و عزیزانی که این اثر را مطالعه می نمایند تقاضا دارم چنانچه پیشنهاد و انتقاد سازنده ای دارند این جانب را قرین منت خویش قرار دهند.

در پایان از جناب استاد ارجمند دکتر رفیعی (زید عزه) که با راهنمایی های ارزشمندشان باعث شدند این کار به نحو شایسته ای انجام پذیرد. کمال تقدیر و تشکر را می نمایم و برای ایشان از درگاه خداوند متعال آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون را مسئلت دارم.

ربنا تقبل منا إنک أنت السميع العليم

قم المقدسه»

جمادی الأول ۱۴۳۵

سید علی اکبر حسینی نیشابوری

ص: ۱۶

قال الله تبارك و تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱).

مقدمه

یکی از بالا-ترین مصادیق عبادت روزه است، همان طور که یکی از مصادیق آن امر به معروف و نهی از منکر و نماز است. در اهمیت روزه رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم عرض می کند که خداوند می فرماید: «الصوم لی وأنا أجزی به» (۲) روزه برای من است و من جزای روزه را می دهم. بحث در این است که مگر نماز و حج برای خدا نیست؟ تمام مساجد و زمین ها برای خداست ولی ما مسجد الحرام را خانه خدا می گوئیم. همه حیوانات را خدا

ص: ۱۷

۱- بقره. ۱۸۳.

۲- «و قال (صلی الله علیه و آله) قال الله تبارك و تعالى الصوم لی و أنا أجزی به و للصائم فرحان حسن یفطر و حسن یلقى ربه عز و جل و الذی نفس محمد بیده لخلوف فم الصائم عند الله أطیب من ربح المسك (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰ ص ۴۰۰).

آفریده است؛ ولی شتر سالم را ناقه الله می گوییم؛ به این دلیل است که این انتصاب ممکن است نشان از اهمیت بیشتر و نشانه بودن و برجستگی آن علامت باشد. شاید روزه هم در میان عبادات چنین جایگاهی دارد. بعضی ها گفته اند که خدا می گوید: سایر عبادات را فرشتگان جزا می دهند ولی روزه را خودم جزا می دهم.

روزه چند جور معنا شده است که به نظر من این معنا یک مقدار لطیف تر است، گفته اند: روزه تشبه به خالق است؛ خدا نمی خورد و نمی آشامد، خدا سلام محض است. روزه دار هم نمی خورد و نمی آشامد و یک قدرت حفظی برای خودش دارد. در اهمیت روزه همین بس که ما در روایات داریم: بهشت درهای محدودی دارد و قرآن این هشت درب را بیان کرده است. یکی از درهای بهشت، باب الصائمون است؛ یعنی دربی که مخصوص ورود روزه داران است. (۱) ما گاهی در مناسبت ها اهمیتی به یک عملی می دهیم که ممکن است آن عمل در حالت عادی آن اهمیت را نداشته باشد، مثلاً: اگر شب های عادی بیدار باشید یک ثوابی دارد اما شب قدر، «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (۲) می شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: در ماه رمضان نوم الصائم عباده و نفسه

ص: ۱۸

۱- «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إن للجنة بابا يدعى الريان لا يدخل منه إلا الصائمون» (وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۴۰۴؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۲؛ معانی الأخبار، ص ۴۰۹).

۲- قدر. ۳.

تسبیح»؛ (۱) خواب انسان روزه دار عبادت است و نفس انسان تسبیح محسوب می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: چهار گروه دعایشان مستجاب است: ۱- دعای کسی که حج عمره رفته است، ۲- دعای پدر در حق فرزندش، ۳- دعا و نفرینی که مظلوم علیه ظالم می کند، ۴- دعای روزه دار هنگام افطار. (۲)

روزه دار یک فرح و شادی به هنگام افطار دارد. خود روزه به عنوان یک عبادت است و لذا می بینیم نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه ما علیهم السلام گاهی سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) را روزه می گرفتند و تأکید فراوان روی این داشتند که این روزه به عنوان یک عبادت مهم و تشبه به خالق حفظ شود و مردم به آن اهمیت بدهند.

آثار و برکات روزه

علی علیه السلام فرمودند: «کم من صائم لیس له من صیامه إلا- الجوع و الظماء» (۳) چه بسیار روزه دارانی که از روزه جز تشنگی و گرسنگی اثری نمی پذیرند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به جابر عبد الله انصاری فرمودند: «یا جابر هذا شهر رمضان من صام نهاره وقام وردا من ليله وعف بطنه وفرجه وكف

ص: ۱۹

۱- الکافی، ج ۴، ص ۶۴: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۹۰.

۲- وقال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم أربعة لا- ترد لهم دغوه حتى تفتح لهم أبواب السماء و تصیر إلى العرش الوالد لولده و المظلوم علی من ظلمه و المعتمر حتى يرجع و الصائم حتى یفطر» (الکافی، ج ۲، ص ۵۱۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۴۸).

۳- «و قال علیه السلام کم من صائم لیس له من صیامه إلا الجوع و الظماً و کم من قام لیس له من قیامه إلا السهر و العناء حبذا نوم الأكياس و افطارهم» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۵).

لسانه خرج من ذنوبه كخروجه من الشهر فقال جابر يا رسول الله ما أحسن هذا الحديث فقال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم يا جابر وما أشد هذه الشروط» (۱) ای جابر! این ماه، ماه مهمی است، هر کس روزه بگیرد و شب ها برای عبادت بیدار باشد و شکم و زبانش را کنترل کند و قوای جنسی اش را از حرام کنترل کند همین طور که از ماه رمضان خارج می شود از گناه هم خارج می شود.

جابر از این حدیث بسیار خوشش آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: ای رسول خدا! چه حدیث زیبایی! پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: حدیث زیبا است ولی شرط هایش مشکل است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إذا صمت فليصم سمعك و بصرك و جلدك و شعرك فلا يكون يوم صومك مثل يوم فطرك»؛ (۲) وقتی روزه می گیرید گوشت و چشم، مو و پوست شما باید روزه باشد. ایامی که روزه هستید نباید مانند سایر ایام باشد.

عزیزان من! یک بحثی تحت عنوان روزه داریم؛ یعنی، روزه دار آدابی را باید رعایت کند که این آداب در احکام نیست. علی علیه السلام فرمودند:

الصيام اجتناب المحارم»؛ (۳) روزه واقعی پرهیز از محرمات است. علمای ما بحث می کنند که روزه یک وقت عام، یک وقت خاص و یک وقت اخص است؛ آن کسی که نمی خورد و نمی آشامد روزه عام است اما روزه خاص روزه ای است که دیگر زبان و چشم و گوشش هم روزه است و روزه

ص: ۲۰

۱- الکافی، ج ۴، ص ۸۷ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۹۶: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۶۲.

۲- الکافی، ج ۴، ص ۸۷ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۸: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۹۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۶۷. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴؛ الغارات، ج ۲، ص ۳۴۳.

اخص فکرش هم روزه است؛ بنابراین در حال روزه نباید فکر شما در معصیت وارد شود.

امام سجاده علیه السلام دعایی دارد، وقتی وارد ماه رمضان می شد می خواندند: «و أعنا علی صیامه بکف الجوارح عن معاصیک، و استعمالها یرضیک»^(۱)؛ خدایا کمک کن تا با نگه داشتن اعضای مان از گناه، روزه بگیریم و این ها را جایی استفاده کنیم که تو راضی هستی.

عزیزان من! توجه داشته باشید که روزه دار باید مدیریت داشته باشد؟ این طور نباشد که اگر خانم است بددهانی کند و اگر آقا است تندی کند. در مجموع بتواند یک نوع خود کنترلی داشته باشد که این شرط اصلی روزه است.

مأیوس نشدن از رحمت خداوند

عزیزان من! این یک اصل است که «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»^(۲) از رحمت خدا نباید مأیوس شد. خدا می فرماید: همه گناهان را می آمرزم جز شرک؛ منظور این است که کسی مشرک بماند، توقع آمرزش هم داشته باشد والا اگر کسی مشرک باشد و بعد مسلمان شود، پاک می شود. بعضی از مفسرین تعبیری دارند که می گویند: هفده نکته ادبی و عاطفی در این آیه است: «قل یا عباد الذین أسرفوا علی أنفسهم لا تقنطوا من رحمہ اللہ» ای بندگان که به خودتان بد کردید از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ لذا

ص: ۲۱

۱- صحیفه سجاده، دعای ۴۴.

۲- زمر. ۵۳.

توبه ذکر خاصی ندارد؛ چند مرتبه «استغفر الله ربی و أتوب إليه»؛ گفته شود کفایت می کند اما مهم ترین کار در توبه چند چیز است: ۱- ترک گناه ۲- پشیمانی، ۳- جبران؛ انسان نسبت به گذشته پشیمان باشد و واقعا از این که کارهای بد کرده ناراحت باشد و در آینده هم گناه را ترک کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر گناهی در خفا کردی ثواب در خفا بکن و اگر گناهی را آشکار کردی ثواب را هم آشکار کن. (۱) تکرار گناه و شکستن توبه، نباید باعث یأس شود البته باید تمسخر نشود؛ کسی که می گوید: خدایا! من توبه می کنم و باز گناه را تکرار می کند یک نوع تمسخر است ولی حتی با این فرض هم خداوند گفته است صد بار اگر توبه شکستی باز آی. انسان بداند که خداوند تبارک و تعالی توبه را قرار داده است برای این که به هر صورتی بنده را به طرف خود بکشاند تا رها نشود.

اثرات و برکات روزه

۱. مساوی شدن ثروتمند و فقیر

یکی از اثرات و برکات روزه، مساوی شدن ثروتمندان با فقر است. از امام صادق علیه السلام پرسیدند علت روزه چیست؟ امام فرمودند: «لیستوی به»

ص: ۲۲

۱- قال أبو عبد الله عليه السلام اعلم أن الصلاة حجة الله في الأرض فمن أحب أن يعلم ما يدرک من نفع صلاته فليُنظر فإن كانت صلاته حجة عن الفواحش و أَلْمَنَکَرِ فإنما أدرک من نفعها بقدر ما احتجز و من أحب أن يعلم ما له عند الله فليعلم ما لله عنده و من خلا يعمل فليُنظر فيه فإن كان حسنا جميلا فليَمضِ عليه و إن كان سيئا قبيحا فليجتنبه فإن الله عز و جل أولى بالوفاء و الزيادة من عمل سيئه في السر فليعمل حسنه في السر و من عمل سيئه في العلانية فليعمل حسنه في العلانية، (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۹۹: معانی الأخبار، ص ۲۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۳).

الغنى والفقير»؛^(۱) یکی از فلسفه های روزه این است که غنی و فقیر یکی شوند. در حالت غیر از ماه رمضان ممکن است یک آدم فقیر یک غذای ساده بخورد و یک کسی هم ممکن است یک غذای گران بخورد، اما ماه رمضان این طور نیست بلکه هر دو مساوی می شوند. پس غنی احساس می کند با همه ثروت و امکاناتی که دارد مانند فقیر نباید چیزی بخورد و به خودش می آید و همین روزه باعث می شود، حالت انفاق و احسان به او دست بدهد. در واقع روزه یک حالت مانع شدن از بخل است. این که قرآن می فرماید: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^(۲) آنهایی که بخل نفس شان را کنترل می کنند رستگار هستند. روزه بخل را از انسان می گیرد.

۲. یاد تشنگی و گرسنگی قیامت

یکی دیگر از اثرات و برکات روزه این است که انسان یاد تشنگی و گرسنگی قیامت می افتد. روزه باعث می شود انسان تشنگی و گرسنگی قیامت یادش بیفتد و موجب می شود قدری یاد معاد و مرگ در انسان تقویت شود. غرائزی در انسان وجود دارد که در ماه رمضان خیلی ها آنها را سرکوب می کنند، پس در بقیه ایام هم می توانند چنین کاری کنند.

۳. همدردی با دیگران

یکی دیگر از اثرات و برکات روزه این است که انسان با دیگران

ص: ۲۳

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۷؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۷۱.

۲- حشر، ۹.

همدردی کند.^(۱) روزه موجب می شود انسان حالت همدردی با دیگران داشته باشد. لذا افطاری و آزاد کردن زندانی ها در ماه رمضان زیاد می شود.

تذکر چند نکته

نکته اول: حسن خلق در حال روزه است. این طور نباشد که چون روزه هستید بداخلاق باشید؛ هنر این است که شما روزه داشته باشید و لبخند بزنید. لذا می گویند: حضرت عیسی علیه السلام وقتی روزه می گرفت عطر می زد و لباس خوب می پوشید.

نکته دوم: روزه تنها عبادتی است که در آن ریا نیست؛ یعنی اگر در مسجدی چندین نفر در ماه رمضان نشستند، معلوم نیست چه کسی روزه است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد که خداوند فرمودند: به خاطر همین است که «الصوم لی وأنا أجزی به»^(۲)؛ روزه قابل ریا نیست. عبادتی که قابل ریا نیست امساک محض است.

نکته سوم: بحث صله رحم است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «صلوا

ص: ۲۴

۱- «سال هشام بن الحکم أبا عبد الله علیه السلام عن عله الصيام فقال إنما فرض الله عز وجل الصيام لیستوی به الغنی و الفقیر و ذلك أن الغنی لم یکن لیجد مس الجوع فیرحم الفقیر لأن الغنی كلما أراد شیئا قدر علیه فأراد الله عز وجل أن یشوی بن خلقه و أن یشیق الغنی مس الجوع والألم لیرق علی الضعیف فیرحم الجائع، (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۷: بحار الانوار ج ۹۳، ص ۳۷۱)

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۵: مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۰.

أرحامكم و لو بسلام»^(۱) صله رحم به جا آورید ولو با سلام کردن. در شب های ماه رمضان منزل هم بروید، مشکلات یکدیگر را بررسی کنید، زمینه خیررسانی و احسان را به یکدیگر فراهم کنید. اینها چیزهایی است که می تواند از بطن این عبادت بیرون بیاورد.

به نظر می رسد برای این که روزه، تأثیر اجتماعی را داشته باشد با این فرض که همه مردم روزه نمی گیرند ولی چون به امساک تأکید شده است؛ یعنی حتی آن هایی هم که روزه نیستند همین که در خیابان نخورند و نیشامند، از این ماه بهره می برند. اگر یک همت جمعی با هم و کنار هم بیاورد که در واقع همه احساس کنند که این ماهی که حتی خوابش هم عبادت است یک لباسی به نام لباس صائم نشان است طبیعتاً به این درجه و جایگاه می رسند.

نکته چهارم: ماه رمضان بهار قرآن است، مطالبی را در مورد قرآن بیان می کنم: در قرآن یک جا سخن از قرائت است و می گوید: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^(۲) به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هم می فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»^(۳)، اما چهار بار

ص: ۲۵

۱- «وقال النبي صلى الله عليه و آله وسلم من سره أن يمد له في عمره و يبسط في رزقه فليصل أبويه فإن صلتهم طاعة الله و ليصل ذا رحمه. و قال بر الوالدین و صله الرحم تهونان الحساب ثم تلا هذه الآية الذين يصلون ما أمر الله به أن يوصل و يخشون ربهم و يخافون سوء الحساب صلوا أرحامكم و لو بسلام» (الدعوات للرواندي، ص ۱۲۶؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۵).

۲- مزمل، ۲۰.

۳- علق، ۱.

در قرآن سخن از تدبر است. دو جای آن با کلمه «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ»^(۱) آمده؛ یعنی چرا تدبر نمیکنید؟ و دو جا هم، با تدبر کنید آورده شده است.

فرق تدبر با تفسیر

تدبر با تفسیر فرق می کند. تدبر، کار دل است و تفسیر کار فکر است. تفسیر، کار تخصصی است و باید لغت، علوم قرآن و فقه و اصول بدانید ولی تدبر، برای همه است. در تدبر، مخاطب من هستم ولی در تفسیر مخاطب همه مردم هستند.

تدبر ابو ایوب انصاری

ابو طلحه انصاری در حال خواندن قرآن بود که به این آیه از قرآن رسید که می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^(۲) شما به نیکی نمی رسید مگر از آن چیزی که دوست دارید انفاق کنید. ابو ایوب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: من باغم را خیلی دوست دارم و می خواهم این باغ را انفاق کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: چرا؟ گفت: برای این که به آیه مذکور عمل کنم.^(۳) این کار تدبر می شود.

تدبر شیخ عباس قمی

مرحوم حاج شیخ عباس قمی سوره «یس» را می خواند وقتی به این

ص: ۲۶

۱- نساء. ۸۲ محمد، ۲۴.

۲- آل عمران. ۹۲.

۳- مجمع البیان و صحیح بخاری و مسلم، ذیل آیه.

آیه رسید: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (۱) این همان جهنمی است که به شما وعده داده شد، آن قدر گریه کرد که دیگر نتوانست ادامه آیه را بخواند. (۲)

سه چیز غریب واقعی

عزیزان من! امام صادق علیه السلام فرمود: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ سَهْ شَيْءٍ غَرِيبٍ وَاقِعٍ اسْتَوْدَعَهُ رُوحُ قِيَامَتِ نَزْدَ خَدَاوَنْدِ شَكَايَتِ مِي كَنْنَد:

۱- «مسجد خراب لا یصلی فیہ اهلہ»؛ مسجدی در محله ای باشد که مردم در آن نماز نخوانند.

۲- «و عالم بین جهال»: آدم عالمی که میان آدم های جاهل باشد.

۳- «و مصحف معلق قد وقع علیه الغبار لا یقرأ فیہ»؛ (۳) قرآنی که گرد و غبار بر روی آن بنشیند و خوانده نشود.

قرآن کلام خداست. خدا در قرآن خودش می گوید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (۴) ما قرآن را آسان کردیم برای این که همه بفهمند.

مقدمات فهم قرآن

۱. معرفت قرآن؛ اول باید قرآن را بشناسیم. قرآن کلام خداست.

ص: ۲۷

۱- یس، ۶۳.

۲- سیمای فرزندگان، ص ۱۴۴.

۳- الکافی، ج ۲ ص ۶۱۳: وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۱.

۴- قمر. ۲۲.

۲. تکریم: کسی که می خواهد در قرآن تدبر کند باید تکریم هم بکند و بداند تدبر در قرآن یک نوع تعظیم در قرآن است.

۳. تأنی و تأمل؛ تدبر در قرآن با تأمل حاصل می شود؛ یعنی وقتی ما به این آیه می رسیم: «غیر المغضوب علیهم؛ یعنی ما را از کسانی که به آنها غضب کردی و گمراه هستند قرار نده! باید فکر کنیم خدا به چه کسانی غضب کرده است؟ به کسانی که مردم را آزار می دهند، کسانی که حرام می خورند و کسانی که اتخاذ روش دینی می کنند غضب کرده است؛ باید برویم اینها را پیدا کنیم.

۴. خدا در قرآن می فرماید: این کتاب را جز پاکیزگان مس نمی کنند. برای تدبر در قرآن، دو طهارت لازم است: یکی طهارت ظاهری که وضو است و دیگری طهارت باطنی؛ دلی که از حسد و کینه خالی شود، قرآن را بهتر می فهمد.

ص: ۲۸

قال الله تبارك و تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱)

مقدمه

«کتب» به منزله امر و فرمان است. زمانی شما به کسی می گوئید: برو و یک وقت هم مکتوب می نویسد که این کار انجام شود. لذا وجوب از داخل این محکم تر بیرون می آید و منظور این آیه این است که روزه واجب است. گرچه امر هم داریم، قرآن در آیه ۱۸۵ سوره بقره می فرماید: «فليصمه»؛ یعنی باید روزه بدارند، امر می کند ولی در این جا خداوند متعال با نگاه رسمی تری وارد شده است، می فرماید: ای مومنان! روزه برای شما نوشته شده است و قابل توجیه و فرار نیست. برای این که برای شما تسهیل شود و بدانید که این ویژه شما نیست: «كما كتب على الذين من قبلكم»: بر امت های قبل هم واجب کردیم.

بنابر این دم ابوالبشر علیه السلام وقتی در بهشت دچار خطا شد برای توبه

ص: ۲۹

روزه گرفت و هم چنین حضرت نوح علیه السلام در کشتی وقتی که اضطراب بر او وارد شد روزه گرفت و با روزه از خدا خواست که او را از این حالت بیرون کند. وقتی که حضرت مریم علیهما السلام تولد فرزندش اتفاق افتاد و قرار بود حجه ها بر علیه او شروع شود، روزه گرفت و با حالت روزه بر مردم وارد شد. حدیثی در این باره داریم که: «إنما فرض الله صيام شهر رمضان على الأنبياء دون الأمم»؛ (۱) خداوند روزه را اول بر انبیا واجب کرد نه بر مردم و بعد از آن بر امت ها هم واجب شد و اختصاص داده شد.

ذکر دو نکته

۱. امام سجاد علیه السلام در طلعه ماه رمضان دعایی دارد که بخشی از آن این است: «اللهم ألهمنا معرقة فضله»؛ (۲) خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و به ما توفیق شناخت ماه رمضان را عطا بفرما.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: «لو يعلم العباد ما فی رمضان لتمنت أن يكون رمضان سنه»؛ (۳) اگر مردم می دانستند در ماه رمضان چه خبر است، آرزو

ص: ۳۰

۱- «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول إن شهر رمضان لم يفرض الله صيامه على أحد من الأمم قبلنا فقلت له فقول الله عز وجل يا أيها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم قال إنما فرض الله صيام شهر رمضان على الأنبياء دون الأمم ففضل به هذه الأمة وجعل صيامه فرضاً على رسول الله صلى الله عليه و اله وسلم و على أمته» (من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۰۰؛ وسائل الشيعه، ج ۱۰، ص ۲۴۰؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۲۴).

۲- صحیفه سجادیه، دعای ۴۴.

۳- «عن النبي صلى الله عليه و اله وسلم (أنه قال): وقد دنا رمضان لو يعلم العبد ما فی رمضان يود أن يكون رمضان السنه فقال رجل من خزاعه يا رسول الله و ما فيه فقال ص ابن الجنه لترين لرمضان من الحول إلى الحولى فإذا كان أول ليله من رمضان هبت ريح من تحت العرش فصفت ورق الجنه فتتظر حور العين إلى ذلك فيقلن يا رب اجعل لنا من عبادك فى هذا الشهر أزواجاً تقرر أعيننا بهم و تقرر أعينهم بنا فما من عبد صام رمضان إلا- زوجه الله تعالى من الحور فى خيمه من دره مجوفه كما نعمت الله سبحانه و تعالى فى كتابه حور مقصورات فى الخيام على كل واحده منهن سبعون (ألف) حله ليست واحده منهن على لون الأخرى و يعطى سبعين لونا من الطيب بس منها طيب على لون آخر و كل امرأه منهن على سرير من ياقوته حمراء متوسحه من در عليها سبعون فراشا بطائنها من إستبرق و فوق سبعين فراساً سبعون أريكه لكل امرأه منهن سبعون ألف وصيفه لخدمتها و سبعون للقيها زوجها مع كل وصيفه منهن صحفه من ذهب فيها لون من الطعام هذا لكل يوم صام من رمضان سوى ما قيل من حسنات» (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۲۴؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۶).

می کردند کاش ماه رمضان یک سال بود.

ما در تاریخ کسانی را داشتیم که تمام عمر را روزه بودند و حتی از خداوند در خواست داشتند، که وقتی روزه هستند از دنیا بروند، مثلاً: جعفر بن ابیطالب در جنگ موته وقتی که به شهادت رسید روزه دار بود. روزه چهره شیطان را سیاه می کند و دست شیطان را می بندد، خداوند می فرماید: همه عبادات انسان برای خود اوست به غیر از روزه که برای من است. (۱)

سؤال این است که اثرات روزه چیست؟ مثالی بزنم: مانورهایی که ارتش و سپاه می گذارند، در واقع یک جنگ فرضی است که شکل می دهند و افراد را داخل بیابان می برند و غذا هم به آنها نمی دهند، چرا؟ برای این که این اشخاص، برای میدان جنگ آماده شود.

ص: ۳۱

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۹۹؛ وسائل الشیعه، ۱۰، ص ۴۰۰.

۱. تقویت عزم و اراده

اولین اثر روزه تقویت عزم و اراده است. شما که از حلال اجتناب کردید؛ پس می توانید از حرام هم اجتناب کنید. شما که ماه رمضان آب نخوردید پس در غیر ماه رمضان هم می توانید مشروب نخورید. شما که سحر بلند شدید پس می توانید نماز صبح را در وقت خودش بخوانید، به طوری که می تواند خودتان را برای ورود به فضای ترک معصیت و گناه آماده کنید.

۲. تقویت نظم

دومین اثر روزه داری تقویت نظم است.

۳. تقویت بردباری و صبر

سومین اثر روزه داری تقویت بردباری و تحمل است. چندین ساعت برای نخوردن و نیاشامیدن صبر می کنید؛ پس شما می توانید بر ترک وسواس و معصیت ها صبر کنید. شما که قبل از اذان صبح بلند می شوید و سحری می خورید؛ پس غیر از ماه رمضان هم می توانید برای نماز صبح بیدار شوید.

۴. تقویت آشتی با خدا

چهارمین اثر روزه داری تقویت آشتی با خدا است. رابطه هایی که کمرنگ شده است، در ماه رمضان پررنگ می شود. یعنی انسان احساس

می کند یک شارژ باطری قوی ای به خودش گذاشته است: توفیق عبادت توبه، ترک گناه، معرفت و قرآن خواندن پیدا می کند. ماه رمضان یک کارواش کاملی است که پلیدیها و زشتی ها را از بین می برد.

کسب فیض از ماه رمضان برای همه

ممکن است کسی بگوید: همه این چیزهایی که گفته شد برای افراد روزه دار است. تکلیف کسی که نمی تواند روزه بگیرد چیست؟ این سفره ماه رمضان که پهن شده است همه اش برای افراد روزه دار نیست. کسانی که در ماه رمضان روزه نیستند همین که کنار روزه دارها باشند، سحر بلند شوند و کنار خانواده شان بنشینند از این سفره الهی فیض ببرند. کسانی که نمی توانند روزه بگیرند، سعی کنند سحر بلند شوند، دو رکعت نماز شب بخوانند، قرآن بخوانند. این که مختص برای روزه دار نیست.

استادی نقل می کرد که حضرت آیت الله مرعشی به من فرمودند: من در سال سه بار (ماه رجب، شعبان و رمضان) روزه می گرفتم، اما الان گریه می کنم و حسرت میخورم که نمی توانم حتی یک روزه را بگیرم.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (۱۹۵) (۱) همیشه احسان کنید و ماه رمضان هم ماه احسان است. بعضی از افراد در زندگی دائما می خواهند دیگران به آنها احسان کنند. در بعضی نقل ها داریم: افرادی که می خواهند همه در خدمتشان باشند معلون هستند. اما

ص: ۳۳

برعکس کسانی که دوست دارند همیشه خادم باشند، مردم آنها را دوست دارند و اگر اتفاقی برای این افراد بیفتد همه کمک می کنند.

تذکر ۲ نکته

نکته اول: اگر کسانی نمی توانند روزه بگیرند خودشان را در سلک روزه داران قرار بدهند. به این عزیزان توصیه می کنم به هر دلیلی که نمی توانید روزه بگیرید حرمت ماه رمضان را نگه دارید. رمضان اسم خداست و لذا نگوئید رمضان آمد و رفت، بلکه بگوئید ماه مبارک رمضان. خدا هم در قرآن می فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (۱) چون ماهی است که قرآن در آن ماه، نازل شده است.

نکته دوم: ماه مبارک رمضان، یک نوع آمادگی کامل است برای این که خودمان را پیدا کنیم، نه این که با تمام شدن این ماه دوباره به همان شرایط قبل برگردیم. باید سعی کنیم دستاورها را حفظ کنیم. به همین دلیل است که گفته اند نگه داشتن عمل از اصل عمل مشکل تر است. (۲)

ماه رمضان دریای رحمتی است که برای همه افراد گسترده شده است. شما تصور کنید چندین نفر کنار دریا می روند، کسی که شنا بلد نیست،

ص: ۳۴

۱- بقره. ۱۸۵.

۲- عن أبي جعفر عليه السلام: أنه قال: «الإبقاء على العمل أشد من العمل». قال: وما الإبقاء على العمل؟ قال: «يصل الرجل بصله، و ينفق نفقه لله وحده لا شريك له، فكتب له سرا، ثم يذکرها فتمحی، فتكتب له علانیه، ثم يذکرها فتمحی، و تكتب له رياء» (الكافی ج ۲، ص ۲۹۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۵ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۳).

می گوید من دریا رفتم. کسی که هم نیمه حرفه ای است می گوید: من به اندازه چند متر شنا کردم، و آن کسی هم که خیلی مسلط است تا وسط دریا می رود، همه آنها با هم فرق دارند، ولی همه خوشحال هستند که در این آب وارد شدند. من هم به روزه داران می گویم: با هر میزانی که روزه بگیرید همه وارد این رحمت الهی شده اید. بعضی از جوان ها هستند که بعد از سحر و خواندن نماز صبح تا ظهر می خوابند و بعد تا افطار استراحت می کنند، شاید بگویند: این روزه ما فایده ای ندارد، نه این طور نیست. در روایت آمده است که: «نومکم فیه عبادہ» (۱) خواب شما هم

ص: ۳۵

۱- «عن علی علیه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خطبنا ذات يوم قال أيها الناس إنه قد أقبل إليكم شهر الله بالبركة والرحمة والمغفرة شهر هو عند الله أفضل الشهور وأيامه أفضل الأيام ولياليه أفضل الليالي وساعاته أفضل الاساعات هو شهر دعيتم فيه إلى ضيافة الله وجعلتم فيه من أهل كرامه الله أنفاسكم فيه تسبيح ونومكم فيه عبادہ وعملكم فيه مقبول ودعائكم فيه مستجاب فاسألوا الله ربكم بنبات صادق وقلوب طاهرة أن يوفقكم لصيامه وتلاوه كتابه - فإن الشقى من حرم غفران الله في هذا الشهر العظيم واذكروا بجوعكم وعطشكم فيه جوع يوم القيامة وعطسه وصدقوا على فقرائكم ومساكينهم وقرؤا كباركم وارحموا صغاركم وصلوا أرحامكم واحفظوا ألسنتكم وعضوا عما لا يحل النظر إليه أبصاركم وعما لا يحل الاستماع إليه أسماعكم وتحنوا على أيتام الناس يتحن على أيتامكم وتوبوا إلى الله من ذنوبكم وارفعوا إليه أيديكم بالدعاء في أوقات صلاتكم فإنها أفضل الساعات ينظر الله عز وجل فيها بالرحمة إلى عبادہ يجيبهم إذا ناجوه ويليهم إذا نادوه ويعطيهم إذا سألوه ويستجيب لهم إذا دعوه أيها الناس إن أنفسكم مرهونه بأعمالكم ففكوها باستغفاركم وظهوركم ثقبه من أوزاركم فخففوا عنها بطول سجودكم واعلموا أن الله أقسم بعزته أن لا يعذب المصلين والساجدين وأن لا يروعهم بالنار يوم يقوم الناس لرب العالمين أيها الناس من فطر منكم صائما مؤمنا في هذا الشهر كان له بذلك عند الله عتق نسمة ومغفرة لما مضى من ذنوبه قيل يا رسول الله - فليس كلنا يقدر على ذلك فقال صلى الله عليه وآله وسلم اتقوا النار ولو بسبق ثمره اتقوا النار ولو بشمربة من ماء أيها الناس من حسن منكم في هذا الشهر خلقه كان له جواز على الصراط يوم تزل فيه الأقدام ومن خفف في هذا الشهر عما ملكت يمينه خفف الله عليه حسابه ومن كف فيه شره كف الله عنه غضبه يوم يلقاه ومن أكرم فيه يتيما أكرمه الله يوم يلقاه ومن وصل فيه رحمه وصله الله برحمته يوم يلقاه ومن قطع فيه رحمه قطع الله عنه رحمته يوم يلقاه ومن تطوع فيه بصلاة كتب الله له براءة من النار - ومن أذى فيه فرضا كان له ثواب من أدى سبعين فريضة فيما سواه من الشهور ومن أكثر فيه من الصلاة على نفل الله ميزانه يوم تخف الموازين ومن تلا- فيه آية من القرآن - كان له مثل أجر من ختم القرآن في غيره من الشهور أيها الناس إن أبواب الجنان في هذا الشهر مفتحة فاسألوا ربكم أن لا يعلقها عنكم وأبواب النيران مغلقة فاسألوا ربكم أن لا يفتحها عليكم والسباطين مغلوله فاسألوا ربكم أن لا يسلطها عليكم قال أمير المؤمنين عليه السلام فقامت فقلت يا رسول الله - ما أفضل الأعمال في هذا الشهر فقال يا أبا الحسن أفضل الأعمال في هذا الشهر الورع عن محارم الله» (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۱۳؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۷).

عبادت است. این قدر خدا مهربان است که حتی نفس هم بکشید می گوید نفستان تسبیح است و خوابتان هم عبادت است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به جابر فرمودند: اگر کسی این کارها را انجام بدهد روز عید فطر مانند کسی است که از مادر متولد شده است. جابر پرسید: یا رسول الله! چه کاری؟ «یا جابر هذا شهر رمضان من صام نهاره و قام وردا من ليله و عف بطنه و فرجه و كف لسانه خرج من ذنوبه كخروج من الشهر»؛^(۱) این ماه رمضان است هر کسی روزش را روزه بگیرد و قسمتی از شب را بپا خیزد، شکمش را نگاه دارد و حرام نخورد، قوای جنسی و زبانش را کنترل کند، از گناه خارج می شود، مثل روزی که از مادر متولد شده است.

ص: ۳۶

۱- الکافی، ج ۴، ص ۸۷: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۶۲؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۱.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «إذا صمت فليصم سمعك و بصرك» (۱) وقتی روزه می گیرید چشم و گوش و موی شما هم روزه بگیرد. خانم بزرگواری که بیرون از خانه می روی، روزه مو، این است که موی شما را نامحرم نبیند. روزه پوست، این است که پوست شما آرایش کرده در مقابل چشم نامحرم قرار نگیرد. روزه چشم، این است که صحنه ها و فیلم های مبتذل نبیند. روزه گوش، این است که موسیقی حرام گوش ندهی. با ابزار حرام نمی شود انسان رشد کند.

گوشت برادر مرده خوردن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یک روز را تعیین فرمود که همه مسلمانان روزه بگیرند و تا وقتی دستور نداده افطار نکنند. همه تا شام روزه گرفتند، شامگاه مردم یک به یک آمدند و عرض کردند: یا رسول الله! تا کنون روزه داشتیم، اجازه افطار فرمایید. حضرت صلی الله علیه و آله وسلم اجازه می داد. مردی آمد و عرض کرد: دو دختر از خانواده ام روزه گرفته اند، خجالت می کشند خدمت شما برسند. اجازه می فرمایید افطار کنند؟

حضرت از او رو برگردانیدند، در مرتبه دوم نیز مراجعه کرد. باز توجه نفرمودند. در سومین مرتبه فرمودند: از من اجازه افطار می خواهی؟ آن دو روزه نگرفته اند. چگونه روزه دار است کسی که پیوسته از صبح مشغول

ص: ۳۷

۱- «قال الصادق عليه السلام : إذا صمت فليصم سمعك و بصرك و شعرک و جلدك و عدد اساء غیر هذا و قال لا یكون یوم صومك کیوم فطرک » (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۹، الکافی، ج ۴، ص ۸۷، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۶۳).

خوردن گوشت مردم بوده است. برو و بگو اگر روزه دار بوده اند. استفراغ کنند. آن مرد برگشت و فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را رسانید، دختران استفراغ کردند، از دهان هر یک تکه گوشتی خارج شد. آن گاه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برگشت و جریان را بیان کرد، حضرت فرمودند: سوگند به حق آن کسی که جانم در دست او است، اگر در شکم آنها باقی می ماند، آتش جهنم آنان را فرا می گرفت. (۱)

آن کس که لوای غیبت افراشته است

او از تن مردگان غذا ساخته است

غیبت، دروغ، تهمت و ... ثواب روزه را کم می کند.

ص: ۳۸

قال الله تبارك و تعالى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تُكْمُ مَوْعِظَتِهِ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (۱)

مقدمه

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه بارها و بارها به توصیف قرآن پرداخته و کسی نمی تواند بهتر از امیر مؤمنان قرآن را توصیف کند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی» (۲) حضرت علی علیه السلام می فرمایند: هر کجا آیه ای نازل شده، من آنجا حاضر بودم و می دانم برای چه کسی و به چه منظور نازل شده؛ چون حضرت علی علیه السلام اعلم صحابه به قرآن است و ایشان خیلی دقیق به تفسیر آیات پرداخته است.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه چهل و دو ویژگی برای قرآن ذکر کرده است. برخی از این ویژگی ها عبارتند از :

ص: ۳۹

۱- یونس، ۵۷.

۲- مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۱۳۴.

اولین ویژگی قرآن این است که نورش جاویدان است. علی علیه السلام فرمود: «نوراً لا تطفأ مصابیحہ»: قرآن نوری است که هیچ وقت خاموش نمی شود.

اسلام آوردن شخص نصرانی

زکریا بن ابراهیم شخصی نصرانی بود که مسلمان شده بود، در ایام حج خدمت امام صادق علیه السلام آمد، آقا یک سؤالی از او کرد، فرمودند: دلیل اسلام آوردن چیست؟ گفت: من آیه ۵۲ سوره شوری را خواندم، این آیه من را مسلمان کرد: «مَا كُنْتُ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ» (۱) پیامبر! تو از مطالب قرآن چیزی نمی دانستی ما این قرآن را به عنوان نوری بر تو قرار دادیم تا به وسیله آن مردم هدایت شوند.

ایشان گفت: من نزد خودم فکر کردم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یک آدم عادی بوده، این مضامین بلندی که در این سوره ها آمده است را در جایی نخوانده است؛ پس این حرف ها حرف خداست و این شخص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. بعد از مسلمان شدن به آقا عرض کرد: من یک مادر مسیحی دارم آیا از این به بعد هم او را احترام کنم و با او غذا بخورم؟ آقا فرمودند: بیشتر به او احترام بگذار. وقتی به کوفه برگشت بسیار مادرش را احترام کرد. مادر از او پرسید: جریان چیست؟ گفت: من مسلمان شده ام؛ دین اسلام توحیدی است که در کنار توحید می گوید: به والدین خود احترام

ص: ۴۰

کنید. مادر گفت: این دین را به من عرضه کن تا من هم مسلمان شوم. (۱) با رفتار فرزند مسلمان، مادر مسیحی اش نیز مسلمان شد. پیام قرآن بود که این جوان را مسلمان کرد.

۲. پرتوافشانی کردن

دومین ویژگی قرآن این است که پرتوافشانی می کند. علی علیه السلام فرمودند: «وسراجا لا یخبو توقده»؛ چراغی است که زوال ندارد و همیشه تالأو و پرتوافشانی دارد و همیشه به انسان حرارت می دهد.

۳. درک نکردن عمق آن

سومین ویژگی قرآن این است که کسی عمق آن را درک نکرده است. علی علیه السلام می فرمایند: «وبحراً لا یدرک قعره»: این قرآن دریایی است که کسی تا حالا در قعر آن نرفته است.

۴. گمراهی نداشتن

چهارمین ویژگی قرآن این است که اگر کسی در مسیر دستورات قرآن قرار بگیرد گمراه نمی شود. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «و منها جالاً یضل نهجه»؛ این کتاب راه روشنی است که هر کسی به آن راه برود گمراهی ندارد.

شخصی به حقیر گفت: این قرآن خشونت دارد. جزای زن و مرد

ص: ۴۱

زنا کار را شلاق می داند، و می گوید دست سارق را قطع کنید. گفتیم: مثل این می ماند که شما در کل کشور به قوه قضائیه و فقط به دادگاه کیفری بروید یا مثلاً: به اداره پلیس بروید فقط از بخش جریمه ها بازدید کنید و بعد بگویید: این چه قوه قضائیه و پلیسی است که این قدر جریمه می کند. به این شخص باید گفت: این کشور علاوه بر قوه قضائیه و دادگاه وزارت ارشاد هم دارد، اداره پلیس هم دارد. تو در قرآن فقط این آیه را دیدی: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (۱) قرآن می گوید: «خُذِ الْعَفْوَ» (۲) و قرآن ۱۱۴ مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد. این ها را نمی بینند. در آیات باید بازدارندگی باشد. این قرآن ناجی است و هرگز گمراه نمی کند.

۵. کهنه نشدن استدلال هایش

پنجمین ویژگی قرآن این است که استدلال هایش کهنه نمی شود. علی علیه السلام فرمودند: «و فرقاناً لا یخمد برهانه»: قرآن کتابی است که استدلال هایش هیچ وقت کهنه نمی شود. ۱۴۰۰ سال گذشته است و شما هنوز می خواهید برای توحید دلیل بیاورید. این آیه را بیان می کنید. «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (۳) که می خواهید برای خدا دلیل بیاورید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (۴) که برای نبوت می خواهید دلیل بیاورید:

ص: ۴۲

۱- مائده، ۳۸.

۲- أعراف، ۱۹۹.

۳- انبیاء. ۲۲.

۴- غاشیه، ۱۷.

«يس والقرآن الحكيم إنك لمن المرسلين»؛^(۱) پیامبر! تو پیامبر هستی چون قرآن حکیم داری. «والقرآن الحكيم» استدلال بر نبوت است؛ مردم باید این ها را بدانند. قرآن در زندگی ما باید کارآمد باشد و پیاده شود.

تأثیر قرآن کریم

شخصی در مسجد خدمت رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: یا رسول الله! به من قرآن یاد بدهید! آقا فرمودند: یک سوره به تو یاد میدهم: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ... فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». گفت: یا رسول الله حتی ذره ای از کار خوب و زشت برای ما مجسم می شود؟ فرمودند: بله. آن شخص گفت: کافی است، من به همان عمل می کنم. وقتی رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفتند: این فقیه است که می رود.^(۲) قرآن خودش می فرماید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ»^(۳) قرآن باید در زندگی ما پیاده شود.

۶. شفای بیماری های روحی

ششمین ویژگی قرآن این است که شفاست، علی علیه السلام فرمودند: «وشفاء لا تخشى أسقامه»؛ این قرآن شفا است؛ منتها شفایی است که درد جدید ایجاد نمی کند.

ص: ۴۳

۱- یس ۱-۳.

۲- تفسیر روح البیان، ج ۱۰، ص ۴۹۵: نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۵۰.

۳- قمر، ۱۷.

مرحوم شهید دستغیب در کتاب داستان های شگفت می گوید: در شیراز بیماری آنفولانزا آمد که بسیار تلفات داشت. شخصی به نام سید عبدالله حمیری می گوید: نزد امام جماعت مسجد وکیل در شیراز رفتم و گفتم: ما پول و دارو نداریم و نگرانم که فرزندانم به این بیماری مبتلا شوند. ایشان فرمودند: دستت را روی این شقیقه ها بگذار و چند مرتبه این آیه را بخوان:

«وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (۱) تجربیات اشخاص با هم متفاوت هستند.

آیت الله مجتهدی رحمه الله علیه می فرمودند: وقتی مشکل برایم پیش می آید هزار صلوات نذر نرجس خاتون (مادر امام زمان) می کنم، مشکلم حل می شود. ممکن است این تجربه برای ایشان مفید باشد. ولی بنده این کار را بکنم مشکلم حل نشود. باورها و مصادیق فرق می کند. «شفاء ورحمه للمؤمنين»، منظور دردهای جسمی نیست. ممکن است شما هفت بار سوره حمد را بر مریض بخوانید، تب اش پایین بیاید و بهبود پیدا کند ولی منظور از این شفاء، بیماری های درونی است؛ چون حضرت علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید: منظور از بیماری، حرص و نفاق است.

واقعا اگر کسی به قرآن مراجعه کند و آدم بدگمانی باشد باید بدگمانی اش خوب شود. وقتی به آیات نگاه می کند که در همه جا سخن از خوش گمانی دارد. اگر کسی واقعا در زندگی اش لقمه حرام می خورد و وقتی قرآن را باز کند و ببیند که قرآن می فرماید: روز قیامت لقمه حرام در

ص: ۴۴

شکم شما آتش می شود و به صورت آتش مجسم می شوید و این آتش بسر چهره شما گذاخته می شود. دیگر لقمه حرام نمی خورد. اگر کسی در زندگی اش اهل سخن چینی است ببیند وقتی قرآن کریم می فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (۱) وای بر آدم هایی که عیب جو هستند، دیگر سخن چینی نمی کند.

۷. حق بودن

هفتمین ویژگی قرآن این است که حق است. علی علیه السلام فرمودند: «وَحَقًّا لَا تَخْذُلُ أَعْوَانَهُ» (۲) قرآن حق است هر کس یاری اش کند ذلیل نمی شود. به مرحوم شهید بهشتی من گفتند: علیه شما حرف می زنند،

ص: ۴۵

۱- همزه، ۱.

۲- «ثم أنزل عليه الكتاب نورا لا تطفأ مصابيحها و سراجا لا يخبو توقده و بحرا لا يدرک قعره و منهاجا لا يضل نهجه و شفاعا لا يظلم ضوؤه و فرقانا لا يحمد برهانه و تبiana لا تهدم أركانها و سفاء لا تخسى أسقامه و عزا لا تهزم أنصاره و حقا لا تخذل أعوانه فهو معدن الإيمان و بحبوحته و ينابيع العلم و بحوره و رياض العدل و غدرانه و أتافی الإسلام و بنيانه و أوديه الحق و غيطانه و بحر لا ينزفه المستنزفون و عيون لا ينضبها الماتحون و مناهل لا يغيضها الواردون و منازل لا يضل نهجها المسافرون و أعلام لا يعمى عنها السائرون و (اکام) آكام لا يجوز عنها القاصدون جعله الله ريا لعطش العلماء و ربعا لقلوب الفقهاء و محاج لطرق الصلحاء و دواء ليس بعده داء و نورا ليس معه ظلمه و جبلا وثيقا عروته و معقلسا منيعا ذروته و عزا لمن تولاه و سلما لمن دخله و هدى لعن ائتم به و عذرا لمن انتحله و برهانا لمن تكلم به و شاهدا لمن خاصم به و فلجا لمن حاجت به و حاملا لمن حملة و مطيه لمن أعمله و آيه لمن توسم و جنة لمن استلام و علما لمن وعى و حديثا لمن روى و حكما لمن قضى» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۸).

فرمودند: قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (۱) خدا از کسانی که ایمان دارند دفاع می کند و خدا از ایشان با شهادت و مظلومیتش دفاع کرد. شهید مطهری خانه وقتی اندیشه های قرآنی اش را مطرح کرد و شروع به تفسیر قرآن کرد هیچ مجله ای حاضر به چاپ نبود اما الان می بینیم که کتاب های تفسیر قرآن شهید مطهری بارها چاپ شده است. کسی که فقط قرآن را بخواند، بدون این که تفسیرش را بداند، مثل کسی است که به استخر برود ولی فقط دستش را به آب بزند. پس بدون تفسیر نمی توان بهره ای از قرآن برد. اگر کلاس های اخلاق دانشگاه و کلاس های اخلاق حوزه به این سمت و سو برود، مردم با قرآن انس پیدا می کنند و از آن بهره مند می شوند.

دو سخن از غیر مسلمانان درباره قرآن

رالف، نویسنده کتاب سیر تمدن درباره قرآن می گوید: آموزشگاه عالی قرآن راه ترقی و پیشرفت هر فرد را از هر طبقه به هر مقام هموار ساخته، به طور مثال: حتی فرزندی که برده هم می تواند به مقامات عالی برسد.

جان دیون، در کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله وسلم و قرآن جمله زیبایی دارد، می گوید: قرآن به اندازه ای از نقایص مبرا و منزّه است که نیازمند کوچکترین تصحیح و اصلاح نیست. اگر از اول تا آخر آن خوانده شود ملالت نمی آورد.

ص: ۴۶

شهید مطهری می گوید: من یک شعر یا متن را چند بار که می خوانم خسته می شوم، اما هر چه قرآن را می خوانم خسته نمی شوم.

ما سوره حمد را در روز چندین بار می خوانیم اما هر بار که می خوانیم برای ما تازگی دارد؛ طراوت قرآن یک معجزه است.

اقبال لاهوری می گوید:

هر وقت می خواهم خدا با من حرف بزند قرآن می خوانم.

ص: ۴۷

قال الله تبارك و تعالى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱)

مقدمه

قرآن کریم کتاب عمل و زندگی است. قرآن کریم کلام خالق ما است. خدا در قرآن با ما سخن گفته است. ما برای این که به وظیفه مان عمل کنیم اول باید کلام خدا را بفهمیم و در آن تدبر کنیم تا بتوانیم آن را در زندگی مان پیاده کنیم. وقتی شما وسیله ای می خرید، در آن دفترچه راهنمایی است که ما را برای استفاده درست از آن راهنمایی می کند. ما می خواهیم دیندار باشیم، قانون اساسی ما قرآن است؛ البته این حرف به این معنا نیست که فقط قرآن برای دینداری و عمل کافی است؛ چون خود خدا هم در قرآن می فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ» (۲) آنچه که پیامبر صله می گوید، مثل حرف خداست آنها را هم بگیرید.

ص: ۴۹

۱- بقره. ۲۱.

۲- حشر ۷.

خود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: من در بین شما دو چیز می گذارم: یکی قرآن و دیگری عترت. طبعاً قرآن کافی نیست باید احادیث و کلمات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه معصومین علیهم السلام هم در کنار آن باشد. چون بسیاری از جزئیات در قرآن نیامده است ولی به هر حال این کتاب، کتاب اخلاق است و قرآن خودش را این طور معرفی کرده است: «لِيَمَّا فِي الضُّلُومِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» (۱) من موعظه ای از طرف خدا و شفای دردهای درونی شما هستم و هم چنین هدایت و رحمتم.

ما چگونه باید با این کتاب آشنا شویم؟! همه افراد می توانند پای سفره قرآن بنشینند و قرآن برای همه انسان ها نازل شده است. در قرآن بعضی از موارد خطاب به اشخاص است، مثلاً: «یا یحیی» (۲) یا «یا ایها المزمّل» (۳) که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است. بحث ما درباره آیاتی است که اول آن «یا ایها» است و مستقیم با خود مردم و مسلمین است.

عبادت

اولین مورد، سوره بقره، آیه ۲۱ است که می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۴) ای مردم! اولین انتظار من از شما این است که من را عبادت کنید.

چند نکته در این جا وجود دارد:

ص: ۵۰

۱- یونس. ۵۷.

۲- مریم، ۱۲.

۳- مزمّل ۱.

۴- بقره، ۲۱.

۱. چه کسی را عبادت کنیم؟ کسی که ما را خلق کرده و ما را هدایت کرده است.

۲. خدایی که شما را آفریده بپرستید. عزیزان من! عبادت مخصوص خداست.

این که ما خدا را عبادت می کنیم در آیه بعد آمده است: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۱) خدایی که این زمین را برای شما فرش قرار داد و آسمان را قرار داد تا حافظ شما باشد و از آسمان برای شما باران فرستاد و زمین را برای شما روزی قرار داده است.

بعضی ها در صدر اسلام و آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می گفتند: ما قبول داریم خدا خالق ما است ولی قبول نداریم او رب ما باشد. لذا اگر از آنها سؤال می کردید چه کسی شما را آفریده؟ می گفتند: خدا. چه کسی شما را تربیت کرده است؟ می گفتند: بت. بت ها را خالق نمی دانستند بلکه به عنوان مربی می دانستند. این آیه می خواهد بگوید: خالق و رب شما، هر دو خداوند است.

۳. عبادت خدا چه فایده ای دارد یا عبادت برای چیست؟

فوائد عبادت

اشاره

۱. پرهیزکاری

عبادت آثار فراوانی دارد برخی از آنها عبارتند از :

ص: ۵۱

اولین فایده عبادت این است که پرهیزکار می شوید. در آیه ۲۱ سوره بقره می فرماید: اگر خدا را عبادت کنید پرهیزکار می شوید؛ یعنی عبادت و بندگی خدا موجب می شود غرایز در شما خاموش شود و سالم و سازنده شوید، مانند یک جویی که به چشمه وصل می شود به خدا وصل می شوید.

حضرت علیه السلام یک شب جای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خوابید^(۱) و این حرکت عبادت خدا شد. قرآن می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^(۲) در ظاهر خوابیدن است اما در واقع کار بسیار مهمی کرده است.

چرا این کار عبادت شد؟ چون برای رضای خدا بود. کسی برای خدا کار انجام دهد حکم عبادت را دارد.

بالا-ترین تجسم عبادت، نماز است. نماز و روزه نمود عبادت است. دلیل این که از کلمه «لعلکم» استفاده کرده است به معنی امید است که شما این کار را انجام دهید. شاید شما مشمول واقع شوید.

۲. احیا در زنده شدن

دومین فایده عبادت رشد و تعالی پیدا کردن است. خداوند در قرآن می فرماید: «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^(۳) خدا را عبادت کنید تا به رشد و تعالی برسید.

ص: ۵۲

۱- المیزان، ج ۹، ص ۹۹.

۲- بقره، ۲۰۷.

۳- انفال، ۲۴.

سومین فایده عبادت آرامش، شجاعت و عزتی است که انسان در پرتو عبادت پیدا می کند. وقتی شما عبد خدا باشی، از غیر خدا نمی ترسی در نتیجه عزیز هستی، وقتی شما عبد خدا باشی در زندگی احساس یأس نمی کنی پس امیدوار هستی. صریح قرآن است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (۱) و لذا شما ببینید امام حسین علیه السلام یک نفر است ولی در مقابل هزاران دشمن ایستادگی می کند. امام خمینی می فرمود: از غیر خدا نمی ترسم و واقعا هم نترسید.

وقتی انسان به خدا وصل شد خوف و یأس و حزن و خواری از او دور می شود و به دنبال آن شجاعت و عزت و امیدواری می آید.

حقیقت بندگی در سه چیز

شخصی به نام عنوان بصری خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: حقیقت بندگی خدا چیست؟ چه کسی واقعا بنده و عبد خداست؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که سه اندیشه داشته باشد عبد خداست:

۱- «أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدَ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلَكَةٌ يَرُونَ الْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ»: بنده در ذهنش این باشد که من مالک نیستم همه مالکیت ها برای خداست. به راحتی انفاق و ایثار می کند. بسیاری از کسانی که بخل می ورزند و خمس مالشان را نمی دهند

ص: ۵۳

و حریص هستند به خاطر ضعف اعتقاد به مالکیت خدا است.

۲- «و لا يدبر العبد نفسه تدبيرا»: بنده خودش را مدبر نداند؛ یعنی بگوید من برنامه ریزی می کنم ولی برنامه ریز واقعی خدا است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: من خدا را با فسخ عزائم شناختم؛ یعنی هنگامی که آدم همه تصمیم ها را می گیرد ولی یک مرتبه حادثه ای پیش می آید که همه چیز به هم می ریزد. اگر این طور شد: «هانت عليه المصائب الدنيا»؛ (۱) مصائب دنیا بر او آسان می شود. وقتی امام حسین علیه السلام علی اصغرش شهید شد گفت: «الهی هونی الأمر»؛ خدایا این مصیبت آسان است؛ چون تو داری می بینی. اگر انسان خودش را مدبر ندانست، خدا و خالق را مدبر اصلی دانست مصیبت بر او آسان می شود.

۳- «و جمله اشتغاله فیما أمره الله تعالى به ونهاه عنه»: (۲) در تمام کارهایش خدا را در نظر بگیرد ما در زندگی فعالیتی داریم؛ کارهایی که انجام می دهیم دقت کنیم مورد امر خدا باشد و مورد نهی خدا نباشد.

نکته ای که باید در این جا عرض کنم این است که قرآن خودش را تفسیر می کند: «ینطق بعضه ببعض»؛ (۳) یعنی بعضی از قرآن گویای

ص: ۵۴

۱- قال علی علیه السلام من لهی عن الدنيا هانت عليه المصائب» (غرر الحکم، ح ۸۵۷۸).

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵؛ مسکاه الانوار، ص ۳۲۷.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

قسمت دیگر است. این طور نیست که خدای تبارک و تعالی همه مطالب مربوط به یک بحث را در یک آیه آورده باشد. گاهی ممکن است شما قصه حضرت موسی علیه السلام را که بخواهید، ببینید باید کل قرآن را بگردید و آیات آن را استخراج کنید و هم چنین راجع به نماز و روزه و عمل صالح.

راجع به عبادت در مجموعه قرآن آیاتی داریم که در سوره فرقان خدا می فرماید: آن کسی که بنده واقعی ما است بندگی در زندگی اش چه آثاری دارد. می گوید: اگر ما گفتیم مردم پروردگارتان را بندگی کنید حالا می دانید بندگان خدا چه کسانی هستند؟

ویژگی بندگان خدا

۱. تواضع داشتن

خداوند می فرماید: «الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (۱) اولین ویژگی بندگان خدا این است که متکبر نیستند و با تواضع روی زمین راه می روند. مقابل خدا متواضع هستند و مقابل مردم و پدر و مادر متواضع هستند؛ البته در مقابل انسان های متکبر، برخورد متکبرانه داشته باشیم. لذا می گویند: حضرت علی علیه السلام وقتی در جنگ خندق مقابل عمرو بن عبدود بود چنین حالتی داشت؛

ص: ۵۵

وقتی در جنگ خندق مقابل عمرو بن عبدود بود چنین حالتی داشت؛ چون او آدم متکبری بود و تکبر ورزیدن در مقابل متکبر عبادت است. البته آن تکبر نیست در واقع احساس تکبر است.

علی علیه السلام فرمود: هر چیزی زکاتی دارد، زکات خرد شما تحمل افراد جاهل و نادان است. (۱)

۲. سجده کردن

دومین ویژگی بندگان خدا این است که خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» (۲) اهل سجده کردن هستند. بندگی خدا راهی دارد که سجده و قیام در راه خداست؛ البته می توانست بگوید: نماز می خوانند اما گفته است: سجده؛ چون مهم ترین قسمت نماز سجده است. اگر کسی بنده خداست باید در مقابل خدا سجده کند نه در مقابل فرعون، نه در مقابل کسی که می گوید: به من سجده کنید.

۳. به یاد قیامت و جهنم

سومین ویژگی بندگان خدا این است که خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ» (۳) دعا می کنند که عذاب

ص: ۵۶

۱- غرالحکم، ح ۷۳۰۱.

۲- فرقان، ۶۴.

۳- فرقان، ۶۵.

جهنم را از ما دور کن! یکی از صفات بندگان خدا این است که مرتب می گویند: خدایا! جهنم را از ما دور کن و لذا در دعای جوشن بسیار می گوییم: «خلصنا من النار یا رب» (۱) یا در نماز شب «هذا مقام العائذ بك من النار» یا در قنوت «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (۲) که چه اشکالی دارد انسان از آتش جهنم به خدا پناه ببرد. ایک وقتی نزد امام صادق علیه السلام غذایی آوردند که داغ بود ایشان شروع به اشک ریختن کرد و فرمود: به یاد داغی جهنم افتادم.

۴. اهل انفاق کردن

چهارمین ویژگی بندگان خدا این است که خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا» (۳) اهل انفاق هستند و در انفاق اسراف نمی کنند. عبودیت نباید فقط از یک بعد باشد، مثلا: کسی عبد خوبی است ولی انفاق نمی کند یا فقط خوش اخلاق است ولی بار از دوش دیگران بر نمی دارد؛ بلکه عبودیت در همه صحنه ها باید خودنمایی کند.

۵. به فکر خانواده بودن

خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ

ص: ۵۷

۱- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۸۴: البلد الامین، ص ۴۰۲؛ المصباح الکفعمی، ص ۲۴۷.

۲- بقره، ۲۰۱.

۳- فرقان، ۶۷.

أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (۱) پنجمین ویژگی بندگان خدا این است که به فکر فرزند و خانواده شان هستند. دعا می کنند و می گویند: خدایا! خانواده های ما را نور چشم ما قرار بده و از پیشوای متقیان قرار بده؛ یعنی این دوازده ویژگی که در قرآن آمده هم جنبه نماز و عبادت دارد هم جنبه مسئولیت در برابر خانواده داشتن را دارد. آخر این آیه می فرماید: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا» (۲) اگر کسی بنده ما بود ما به آنها بهشت می دهیم.

بحث امروز ما در مورد آیه ۲۱ سوره بقره بود، پیام این آیه این بود که مردم عبد خدا باشید اگر این گونه باشیم آزاد هستیم، آرام و شجاع هستیم. اگر عبد خدا باشیم در زندگی مان عزیز هستیم و رشد می کنیم. چه طور عبد خدا باشیم؟ در قرآن می فرماید: تواضع داشته باشیم، مردم را تحویل بگیریم و ... این مجموعه اگر رعایت شد ما عبد خدا می شویم.

داستان بشر حافی

امام کاظم علیه السلام از جایی عبور می کردند، دیدند صدای موسیقی و غنا می آید از کنیزی که بیرون آمد سؤال کردند این جا خانه چه کسی

ص: ۵۸

۱- فرقان، ۷۴.

۲- فرقان، ۷۵.

است؟ گفت: فلانی. پرسیدند: عید است یا آزاد؟ فکر کرد منظورش این است که برده است یا ارباب؟ گفت: آزاد و ارباب است. آقا فرمودند: اگر عید می بود این کارها را نمی کرد! امام معنای دیگری را ارائه کرد که وقتی به بشر گفت. او یک تکانی خورد و دنبال امام کاظم علیه السلام دوید و عوض شد. (۱)

ص: ۵۹

۱- داستان راستان. ج ۱، ص ۱۷۱.

قال الله تبارك و تعالى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (۱)

مقدمه

بحث ما بحث قرآنی و انتظارات خدا از ما است. برای پاسخ گویی به این سؤال از مواردی که در قرآن با «یا ایها» آمده است بحث می کنیم.

بحث امروز آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره بقره است. در این دو آیه خدای تبارک و تعالی می فرماید: «یا ایها الناس» باز خطاب به مردم است و لذا مفسرین می گویند: این جا خطاب به تمام انسان هاست. حتی غیر مسلمانان؛ «یا ایها الناس کلوا مما فی الأرض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات الشیطان إنه لكم عدو مبین»؛ ای مردم! لقمه حلال و پاکیزه بخورید و از گام و قدم های شیطان پیروی نکنید.

دلایل پیروی نکردن از شیطان

چرا از قدم های شیطان پیروی نکنیم؟ چون شیطان سه کار را به شما

ص: ۶۱

فرمان می دهد: «يَأْمُرُكُمْ بِالشُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۱) ۱- بدی به مردم، ۲- کارهای زشت و ارتباطات زشت و نگاه به نامحرم، ۳- نسبت به خدا بدهید که نمی دانید، مثلاً: حلال خدا را حرام کنید و حرام خدا را حلال کنید.

عزیزان من! لقمه حلال و پاکیزه و پرهیز از حرام یکی از کلیدی ترین مباحث قرآنی و تربیتی است. خدا در قرآن بیش از پانزده بار این بحث را خطاب قرار داده است. روایات فراوانی هم در این رابطه داریم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: من از دو چیز بعد از خودم برای امتم نگران هستم: «إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافَ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ» (۲) بیشترین چیزی که من از امتم می ترسم این دو چیز است: ۱- کسب های حرام، ۲- شهوت مخفی.

حرمت یک لقمه دو نوع است: ۱- حرمت ذاتی، ۲- حرمت عرضی.

بعضی از چیزها ذاتاً حرام است؛ یعنی اگر کسی این کار را انجام دهد آن لقمه حرام است.

کسب های حرام در کلام شهید مطهری

مرحوم شهید مطهری در یکی از کتاب هایشان این بحث را دارند، مثلاً:

۱. خرید و فروش صلیب در اسلام حرام است؛ چون صلیب تبلیغ مسیحیت است و تبلیغ دینی است که ما آن را منسوخ می دانیم.

ص: ۶۲

۱- بقره، ۱۶۹.

۲- الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴: مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۱.

۲. خرید و فروش بت در اسلام حرام است یا خرید و فروش کتب ضاله؛ چون انحراف ایجاد می کند.

۳. آنچه که باعث منحرف شدن جوانان می شود، مثلا مواد مخدر و کارهای لغوی مثل موسیقی، سحر و ...

۴. مردی که انگشتر طلا دست می کند.

بخش دوم حرام عرضی است؛ یعنی آن چیزی که فی نفسه و به خودی خود حرام نیست، مثلا: خرید نان و گوشت حرام نیست بلکه کم فروشی حرام است یا ربا و یا رشوه در معامله حرام است.

لقمه حرام مانع قبول شدن واجبات و مستحبات

روایات فراوانی در این باره نقل شده است، مثلا: در بحار الانوار جلد ۱۰۰ بیش از هشتاد روایت راجع به لقمه حرام آمده است، برای مثال: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ مُلْكَا يَنَادِي عَلَى بَيْتِ الْمَقْدَسِ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْ أَكْلِ حَرَامٍ مَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا وَالْعَدْلُ الْفَرِيضَةُ»؛ (۱) یک فرشته ای هر شب ندا می دهد هر کس لقمه حرام بخورد؛ واجبات و مستحباتش قبول نیست.

ریشه های حرام خواری

۱. جهل

چرا علیرغم فراوانی لقمه حلال برخی حرام می خورند؟!

ص: ۶۳

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶: عده الداعی. ص ۱۵۳؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام. ص ۶۶۰.

اولین دلیل استفاده کردن مردم از حرام جهل است؛ واقعا بعضی ها نمی دانند این حلال است یا حرام است؛ یعنی حرام مصرف می کند و اطلاع از حرمت ندارند.

داستان

صفوان یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود. ایشان چند شتر داشت و شترها را برای حج به هارون الرشید کرایه می داد. یک سال امام کاظم علیه السلام ایشان را بازخواست کرد که چرا این کار را می کنی؟ گفت: من این کار را برای مکه و حج انجام می دهم. آقا فرمودند: تو دلت می خواهد هارون سالم برگردد و پولت را بدهد؟ عرض کرد: بله. فرمودند: همین کمک به ظلم است و این حرام است. (۱) قرآن می فرماید: «ویل للمطففین»: وای بر کم فروشان.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «الناقصین لخمسک یا محمد»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: مطففین کسانی هستند که در خمسشان نقص ایجاد می کنند. باز در روایات آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: سه گروه دزد هستند: ۱- مانع زکات. ۲- کسی که مهر زنش را بر خود حلال بداند، ۳- کسی که قرض بگیرد و قصد عدم پرداخت آن را داشته باشد. (۲)

ص: ۶۴

-
- ۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۷۶؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۶، ص ۵۳۶.
 - ۲- «قال أبو عبد الله عليه السلام السراق ثلاثة مانع الزكاة و مستحل مهوور النساء و كذلك من اسندان و لم ينو قضاءه» (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۶۸؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۲: الخصال، ج ۱، ص ۱۵۳).

دومین دلیل استفاده مردم از حرام حرص است. حرص مانع رشد و ترقی است. حریص همیشه محروم است و احساس کمبود می کند.

داستان ثعلبه

ابوبصیر از حضرت امام باقر علیه السلام روایت می کند که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مؤمن فقیری به نام «سعد» از اهالی «صفه» (۱) زندگی می کرد، که سخت مستمند بود. او بسیاری از اوقات را در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به سر می برد و در تمام نمازهای جماعت خدمت حضرت حاضر می شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به سعد بسیار ترحم می کردند و نیازمندی و غربت او را که می دیدند به او می فرمودند: ای سعد! اگر چیزی به دستم می رسید تو را بی نیاز می کردم؛ بنابراین رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیشتر برای سعد غصه می خوردند.

لذا جبرئیل بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد در حالی که همراه خود دو درهم داشت. و به حضرت گفت: یا محمد! خداوند می داند که به خاطر سعد. چقدر اندوهگین هستی. آیا دوست داری که او را بی نیاز کنی؟

حضرت فرمودند: آری. دوست دارم که او را بی نیاز سازم. جبرئیل گفت: پس این دو درهم را بگیر و به سعد بده که با آنها تجارت کند.

ص: ۶۵

۱- صفه: سایبانی که کنار مسجد مدینه بود و آن را برای کسانی که مسکن و خانه ای نداشتند درست کرده بودند و آنها از مهاجرینی بودند که از مکه به مدینه هجرت کردند و به آنان اصحاب صفه می گفتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن دو درهم را گرفته و برای نماز ظهر به سوی مسجد روانه شدند. در میان راه سعد را دید و به او فرمودند: ای سعد! آیا می توانی خوب تجارت کنی؟

اسعد گفت: یا رسول الله! به خدا سوگند، امروز صبح چیزی نداشتم که با آن تجارت کنم. حضرت آن دو درهم را به او داد و فرمودند: با آن تجارت کن و از این طریق رزق و روزی خداوند را به دست آور. سعد آن دو درهم را گرفت و همراه حضرت رفت و نماز ظهر و عصر را با ایشان خواند. پس از نماز حضرت به او فرمودند: برخیز و در پی روزی برو که من خیلی برایت غمگین بودم.

سعد رفت و آن دو درهم را سرمایه خود قرار داد و شروع به تجارت کرد. به این طریق که جنسی را به دو درهم مسی خرید و به چهار درهم می فروخت. بدین ترتیب دنیا به سعد روی آورد و کالا- و مال التجاره اش زیاد شد. او جلوی مسجد، محلی برای خود درست کرده بود و در آنجا می نشست و اموال تجارتی از هر سو برایش می آمد. هر گاه که بلال برای نماز اذان می گفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیرون می آمدند، می دیدند که سعد مشغول امور دنیاست و هنوز وضو نگرفته و آن گونه که روزهای پیش از تجارتش برای نماز آماده می شد هنوز مهیا نشده است. تا این که یک روز حضرت به او فرمودند: ای سعد! کار دنیا تو را از نماز بازداشته است؟

سعد گفت: چه کنم؟ آیا می شود مالم را ضایع کنم و از بین ببرم؟ سپس با اشاره به اشخاصی که در اطرافش بودند ادامه داد: این مردی است

که به او جنس فروخته ام و می خواهم پول آن را از او بگیرم و این دیگری مردی است که جنسی از او خریده ام و می خواهم پولش را تحویل بدهم.

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: این بار، اندوهی سخت تر از اندوه فقیر بودن سعد به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم دست داد. جبرئیل بر حضرت نازل شد و گفت: یا محمد! خدا از اندوه تو درباره سعد آگاه است. حال بفرما که کدام حالت او به نظرت بهتر است؟ حالت اول یا حالت کنونی اش؟! آری. حب دنیا و ثروت آن فتنه است و انسان را از کار آخرت باز می دارد. به سعد بگو آن دو در همی را که به او داده ای باز پس دهد تا وضعش مثل سابق شود. حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بیرون آمدند و وقتی سعد را دیدند به او فرمودند: ای سعد! آیا نمی خواهی آن دو در همی را که به تو داده ایم پس دهی؟

سعد گفت: آری، به جای دو درهم، دویست درهم به شما پس می دهم!

حضرت فرمودند: به غیر از همان دو در هم چیز دیگری از تو نمی خواهم.

سعد دو درهم را به حضرت داد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: با پس گرفتن این دو درهم دنیا به سعد پشت کرد. به طوری که هر چه جمع کرده بود از دستش رفت و وضعش به همان حالتی که اول داشت

برگشت. (۱)

ص: ۶۷

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۶؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۰: جامع احادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۲۷۴.

۳. جاذبه حرام

سومین دلیل استفاده مردم از حرام جاذبه حرام است. لقمه حرام برخی را جذب می کند؛ زیرا به دست آوردنش راحت است، حجم آن بیشتر است و شیطان هم زیبا جلوه می دهد اما برعکس کسب حلال را سخت جلوه می دهد و فقر را بزرگ نشان می دهد.

۴. سوء ظن به خداوند

چهارمین دلیل استفاده مردم از حرام سوء ظن و بدگمانی به خداوند است. بعضی ها ممکن است به خدا بدگمان باشند و بگویند روزی حلال انسان را به جایی نمی رساند. سوء ظن به خدا نوعی شرک است.

۵. توجیه کردن حرام

پنجمین دلیل استفاده از حرام توجیه کردم حرام است. بعضی از افراد با این استدلال که توبه می کنیم و یا اتفاقی نمی افتد حرام خواری را توجیه می کنند. امام باقر علیه السلام فرمودند: شهیدان تمام گناهانشان به غیر از حق الناس بخشیده می شود. (۱)

سؤال: ما جایی دعوت می شویم، اگر کسی برای ما چیزی می آورد، آیا برای تشخیص حرام یا حلال بودن آن نیازی به تفحص است؟ وظیفه اهل

ص: ۶۸

۱- «عن أبي جعفر عليه السلام قال : كل ذنب يكفره القتل في سبيل الله عز و جل إلا الدين لا كفاره له إلا أدأؤه أو يقضى صاحبه أو يعفو الذي له الحق» (الكافي، ج ۵، ص ۹۴: من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۷۸ تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۱۸۴).

خانه چیست، فرزند در مورد نان آوردن پدر باید نگران باشد یا خیر؟

درباره بخش اول سؤال ما وظیفه تفحص نداریم. من خدمت یکی از علما رفتم و گفتم: شخصی ما را دعوت می کند و ما دعوت او را می پذیریم ولی من می دانم او اهل خمس نیست ولی چون آشنا است برای یک نهار مهمان ایشان می شویم. ایشان فرمودند: آیا یقین دارید که این نهار از در آمد سال قبل است یا احتمال می دهید؟! اگر این نهاری که تهیه کرده است از حقوق این ماهش باشد به آن خمس تعلق نمی گیرد! گفتم: نه به این یقین ندارم. فرمودند: اشکال ندارد ولی اگر دغدغه دارید صدقه ای بدهید.

درباره بخش دوم سؤال نمی توانیم مطلق صحبت کنیم؛ چون این سؤال ها فراوان است. این طور موارد اولاً: باید به پدر و مادر تذکر داده شود و ثانیاً: به حداقل ها اکتفا کرد و زیاده روی نکرد. تا آنجایی که یقین داریم که این پول را از راه حرام به دست آورده است اگر می توانیم با پول دیگری زندگی کنیم این کار را بکنیم؛ چون بعضی از خانم ها و جوان ها درآمدهای خودشان را دارند اگر غیر از این باشد بر اهل خانه تکلیفی نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «كاد الفقر أن يكون كفراً»^(۱) فقر می تواند زمینه ساز کفر شود. ممکن است طرف را به بی دینی بکشاند. در حدیث داریم اگر نان نبود مردم نماز نمی خواندند و روزه نمی گرفتند. ولذا از نان در بعضی

ص: ۶۹

۱- قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم كاد الفقر أن يكون كفراً وكاد الحسد أن يغلب القدر «(الكافي، ج ۲، ص ۳۰۷ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۰۵: وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۶).

از روایات به عنوان تقوا تعبیر شده است، مال، یکی از کمک ها بر تقوا و دینداری است که البته همین مال هم می تواند انسان را به زمین بزند.

فقر مجوز حرام خواری نیست

عزیزان من! فقر مجوز حرام خواری نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سه سال در شعب ابی طالب از گرسنگی سختی کشید. حضرت علی علیه السلام خود و خاندانش گاهی در شب یا سه شب گرسنه می خوابیدند.

قوام دین به چهار امر

در روایت آمده است قوام دین به چهار چیز است: اگر عالم به علمش عمل کند، جاهل علم یاد بگیرد، غنی انفاق کند و فقیر صبر کند جامعه درست می شود. (۱)

عوامل روزی فراوان داشتن

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: کسی چهار ویژگی داشته باشد: «من ألهم الصدق فی کلامه و الإنصاف من نفسه و بر والدیه و وصل رحمه أنسی له فی أجله و

ص: ۷۰

۱- «و قال علیه السلام لجابر بن عبد الله الأنصاری یا جابر قوام الدین و الدنیا بأربعة عالم ویستعمل مستعمل علمه و جاهل لا یستنکف أن یتعلم و جواد لا یبخل بمعروفه و فقیر لا یبیع آخرته بدنیه فإذا ضیع العالم علمه استنکف الجاهل أن یتعلم و إذا بخل الغنی بمعروفه باع ألفقیر آخرته بدنیه یا جابر من کثرت (نعمه) نعم الله علیه کثرت حوائج الناس إلیه فمن قام (بما یجب لله عرض نعمه الله لدوامها و من ضیع ما یجب لله فیها عرض نعمته لزوالها) لله فیها بما یجب فیها عرضها للدوام و البقاء و من لم یقم فیها بما یجب عرضها للزوال و الفناء» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۲).

وسع عليه في رزقه وقت مساء لته»؛^(۱) راستگو باشد، منصف باشد و به والدینش اهمیت بدهد؛ صله رحم داشته باشد رزقش زیاد می شود و اجلش به تأخیر می افتد و موقع جان دادن هم مؤمن از دنیا می رود.

گام های شیطان

اشاره

قرآن کریم در چند جا میفرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ»^(۲) و از گام های شیطان پیروی نکنید. شیطان از شش روزه برای منحرف کردن افراد استفاده می کند.

۱. کفر و شرک

اولین گام شیطان کفر و شرک است. اگر کسی کافر یا مشرک شد همه چیز را باخته است مانند خود شیطان می شود او هم کافر شد، امر خدا را اطاعت نکرد و به خدا اعتراض کرد.

۲. بدعت

دومین گام شیطان بدعت است. قوم حضرت موسی علیه السلام نمی گفتند خدا را نمی پرستیم بلکه می گفتند: خدای ما گوساله است. زمان حضرت علی علیه السلام دو نفر نماز می خواندند و یک بت هم جلوی ایشان گذاشته بودند. آقا فرمودند: این چه کاری است؟ گفتند: نماز برای خداست و بت نماد خداست. آقا فرمودند: این بدعت است و جلوی آنها را گرفت.

ص: ۷۱

۱- أعلام الدین، ص ۲۶۵.

۲- بقره. ۲۰۸.

۳. گناهان کبیره

سومین گام شیطان کبائر است، مانند دروغ، غیبت، زنا، ربا و ... گناهان کبیره انسان را از خدا دور و فاسق می کند.

۴. صفایر

چهارمین گام شیطان گناه های کوچک است، مانند حرف لغو و بیهوده که نسبت به دروغ گناه صغیره است. گناهان صغیره دروازه ورود به گناهان کبیره است.

۵. مشغول شدن به مستحبات

پنجمین گام شیطان اشتغال به مستحبات به جای واجبات است، مثلاً صدقه می دهد اما خمس نمی دهد روزه می گیرد اما نماز نمی خواند.

۶. سبک شمردن عبادات

ششمین گام شیطان سبک شمردن عبادات است، نماز اول وقت در مسجد با اذان و اقامه، ولی می گوید: نماز در خانه آخر وقت بدون اذان و اقامه.

عزیزان من! شیطان تدریجی عمل می کند. بعضی مواقع شیطان از عبادات پست شروع می کند تا به تدریج انسان را به شرک و کفر مبتلا می کند. بدانیم همان طور که شیطان گام به گام جلو می آید ما هم باید گام به گام جلو برویم تا به حربه های شیطان غلبه کنیم.

ص: ۷۲

قال الله تبارك و تعالیٰ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (۱)

مقدمه

برای این جلسه آیه ۲۵۴ سوره بقره را انتخاب کردم که قبل از آیه الکرسی است. در این آیه شریفه که شبیه آن در قرآن مکرر آمده است، خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (۲) ای مؤمنان! و ای کسانی که خداوند را باور دارید، از آن چه که خدا به شما داده است انفاق کنید.

موارد برتری دنیا بر آخرت

خداوند برای این که مردم را به انفاق تحریک کند، می فرماید: روز

ص: ۷۳

۱- بقره. ۲۵۴.

۲- بقره. ۲۵۴.

قیامت روزی است سه چیز که در این دنیا به درد می خورد آن جا به درد نمی خورد: ۱- تجارت و بیع؛ وقتی کسی ورشکسته شود می گوید: می روم کاسبی می کنم یا می روم کار می کنم جییم پر پول می شود اما در قیامت تجارتی نیست. ۲- دوستی؛ در این دنیا اگر کسی به زندان افتاد دوستانش کمک می کنند و او را از زندان بیرون می آورند. ۳- شفاعت؛ یعنی کسی بیاید واسطه شود؛ البته این آیه نفی نمی کند آیاتی که برای شفاعت است. این آیه می خواهد بگوید شفاعت برای کسی است که نماز خوانده، روزه گرفته و کارهایش را انجام داده اما یک نواقصی هم دارد، مثل این که بگوییم در دبیرستان با دانشگاه نمره به کسی نمی دهند و کسی را قبول نمی کنند ولی کسی که یازده و نیم است تبصره به آن تعلق می گیرد.

در رابطه با این آیه شریفه می خواهیم در سه محور بحث کنیم:

محور اول: بحث مبانی انفاق و خدمت رسانی است. خدمت رسانی عبادت بسیار بزرگی است و در بعضی از روایات داریم که: چیزی به اندازه خدمت رسانی خدا را شاد نمی کند و خدا به آن عبادت نمی شود. (۱) آن هم اقسامی دارد. در این جا انفاق به معنی کمک است. انفاق چهار قسم است: ۱- واجب، ۲- مستحب: واجب مثل زکات و مستحب مثل صدقه و قرض. ۳- انفاق مادی، ۴- معنوی؛ یک وقت شما به کسی آموزش می دهید، یک وقتی کسی را هدایت می کنید تا به گناه کشیده نشود این

ص: ۷۴

انفاق معنوی است. علی علیه السلام فرمودند: «زکاه العلم نشره»؛ (۱) زکات علم نشر آن است. یک وقت هم به کسی پول می دهید که این انفاق مادی می شود.

مبانی انفاق

اشاره

مبانی انفاق پنج چیز است: منظور از مبانی این است هر کاری که ما انجام می دهیم یک پشتوانه ای باید داشته باشد، مثلاً: ما نماز می خوانیم؛ چون مسلمان هستیم، چون همه عبادات ما منوط به نماز است، اگر نماز پذیرفته نشود بقیه پذیرفته نیست. مبانی انفاق عبارتند از:

۱. ایمان به خدا و غیب

اولین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند ایمان به خدا و غیب است. خداوند می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛ (۲) آنهایی که ایمان به غیب و فرشتگان و قیامت دارند از آن چیزهایی که رزق آنها قرار دادیم انفاق می کنند؛ پس انفاق به خاطر ایمان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم عرض کرد: خدا فرموده است: «ما آمن

ص: ۷۵

۱- «عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: زكاه العلم نشره زكاه الجاه بذله زكاه الحلم الاحتمال زكاه المال الإفضال زكاه القدره الإنصاف زكاه الجمال العفاف زكاه الظفر الإحسان زكاه البدن الجهاد و الصيام زكاه أليسا بر الجيران و صله الأرحام زكاه الصحة السعي في طاعة الله زكاه الشجاعه الجهاد في سبيل الله زكاه السلطان إغاثة الملهوف زكاه النعم اصطناع المعروف زكاه العلم بذله لمستحقه و اجهاد النفس في العمل به». (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶).

۲- بقره ۳.

بی من بات شعبان و أخوه المسلم طاو»؛^(۱) ایمان به من نیاورده است کسی که سیر بخوابد. کسی که اعتقاد و باور به خدا دارد انفاق می کند.

۲. عقل

دومین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند عقل است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «رأس العقل بعد الايمان التودد إلى الناس و اصطناع الخير إلى کل بر و فاجر»^(۲) در رأس عقل بعد از ایمان دوست داشتن و خیررسانی و خدمت به مردم است چه انسان های خوبی باشند یا نباشند. عقل می گوید: خودگرا نباش، او هم انسان است. به طور طبیعی بعضی از افراد در جامعه با به خاطر مدرک یا شغلشان از نظر مالی پایین واقع می شوند. بالاخره در جامعه درآمدهای ۴۰۰ هزار تومان داریم و درآمدهای چهار میلیون هم داریم؛ پزشکی که در ماه چندین میلیون در آمدش است نمی تواند بگوید فقرا و نیاز مندان به من ربطی ندارد من خودم زحمت کشیدم و درست خواندم، اتفاقا معنای «و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^(۳) که این است که انفاق کند؛ چون خدا به او توان داد تا درس بخواند.

۳. عبادت

سومین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند عبادت و بندگی خداوند است. امام صادق

علیه السلام فرمودند: «اما مصائده فصد عن بر الإخوان»:

ص: ۷۶

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۴. ص ۳۲۶: مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۵: ثواب الاعمال، ص ۲۵۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۹۵، مستدرک الوسائل، ج ۸ ص ۳۵۳: بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۹۲.

۳- بقره، ۳.

شیطان یک مصائدی دارد، یکی از مصائد شیطان مانع شدن از کمک به دیگران است. امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث فرمودند: «ما یعبد الله بمثل نقل الأقدام إلى بر الإخوان» (۱) خدا به هیچ چیزی به اندازه این که آدم قدم بردارد و به مردم کمک کند عبادت نشده است؛ یعنی بالاترین عبادت عبارت از خدمت به دیگران است.

۴. ایمان به معاد

چهارمین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند ایمان به معاد و روز قیامت است. آیات متعددی در قرآن دارد می گوید: هر کسی معاد را قبول دارد انفاق هم می کند. یک موردش این است می گوید: وقتی جهنمی هما را به طرف جهنم می برند، سؤال می شود، «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ» (۲) چه چیزی شما را جهنمی کرد؟ یکی از دلایلش را می گویند: ما به فقرا کمک نمی کردیم. قرآن کریم می فرماید: آن خاندان عصمت و طهارت - حضرت زهرا و خاندانش علیهم السلام - «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِيئًا وَبِئْسَ مَا لَهَا مَرْثًا» (۳) به مسکین و یتیم و اسیر انفاق کردند بعد می فرماید: چرا این انفاق را

ص: ۷۷

۱- «یا ابن جندب إن للشيطان مصائد يصطاد بها فتحاموا شباكه و مصائده قلت یا ابن رسول الله وما هی قال أما مصائده فصد عن بر الإخوان و أما شباكه فتوم عن قضاء الصلوات التي فرضها الله أما به ما یعبد الله بمثل نقل الأقدام إلى بر الإخوان فی زیارتهم ویل للساهین عن الصلوات النائمین فی الخلوات المستهزئین بالله و آیاته فی الفترات أولئك الذین لا خلاق لهم فی الآخرة ولا یكلمهم الله ولا ینظر الیهم یوم القیامه ولا یزکیهم ولهم عذاب ألیم» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۸۱، تحف العقول، ص ۳۰۱).

۲- مدثر ۴۲.

۳- انسان، ۸.

کردند؟ گفتند: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمْطَرِيرًا» (۱) چون ما به یاد معاد و قیامت هستیم.

۵. دریافت پاداش از خداوند

پنجمین عاملی که باعث می شود انسان انفاق کند دریافت جایزه و پاداش از خداوند است. در قرآن سوره سجده آیه ۱۶ خدا دو چیز را کنار هم گذاشته، می فرماید: این ها را انجام بدهید و بعد هم می فرماید: جایزه اش را ما معین نمی کنیم: «تجافی جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا وطمعاً ومما رزقناهم ينفقون»؛ یکی نماز شب است. قرآن می فرماید: کسانی که خودشان را از رختخواب جدا می کنند و نماز می خوانند، و دیگری انفاق است. بعد می فرماید: اگر کسی این دو چیز را داشت نمی داند که ما چه جایزه ای به او خواهیم داد.

خدمت رسانی ملاعباس تربتی

می گویند ملاعباس دو چیز در زندگی اش خیلی برجسته بود: یکی نماز و دعا و دیگری خدمت به مردم. می گویند: به این زاغه ها می رفت و فقرا را شناسایی می کرد. تمام زندگی این مرد وقف خدا بود. پسر او مرحوم آقای واشد است که کتابی به نام فضیلت های فراموش شده نوشته است و منظور او از فضیلت های فراموش شده این است که فضیلت هایی در زندگی مردم کمرنگ است، مثلاً: قرض، صله رحم، عیادت مریض،

ص: ۷۸

اصلا فرهنگ قرض تقریبا خیلی جاها تعطیل شده است و توجیه نشده که چرا ما قرض بدهیم. در صورتی که ما توجه نداریم قرض دادن یک نوع هزینه کردن برای دین است. مگر شما عمره و حج واجب نمی روید؟ مگر دهه محرم برای امام حسین علیه السلام روزه نمی گیرید؟ چرا آن را حساب نمی کنید؟

مرحوم ملاعباس تربتی یک سفری به کربلا رفت و حدود هشت ماه این سفر طول کشید وقتی برگشت در این مدت فقرا دیگر محروم شدند. نوشته اند یک خانم فقیری به استقبال او آمد، تا ملاعباس وارد کوچه شمسد گفت: دین، اسلام، قرآن، نور و رحمت آمد. گفت: شما که رفتید ما نور و ایمان و برکت از زندگی مان رفت. از بس ایشان نسبت به دیگران ویژگی خبررسانی را داشت. (۱)

خدمت رسانی، سیره معصومین علیهم السلام

سیره معصومین ما نشان می دهد بحث خدمت رسانی در سیره همه آنها بوده است. انبان به دوش کشیدن مخصوص حضرت علی علیه السلام نیست؛ بلکه امام صادق و امام حسین علیه السلام هم دارند. وقتی بدن مبارک امام حسین علیه السلام را آماده دفن می کردند هنوز آثار آن انبان ها بر روی بدن ایشان بود. شما چند آیه ابتدایی قرآن را که نگاه کنید درباره انفاق است، از

ص: ۷۹

جمله: «یا ایها الذین آمنوا أنفقوا» أمر به انفاق است. گرچه بعضی از مفسرین نوشته اند: «انفقوا» امر است و امر وجوب را می رساند، ولی مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید: این انفاق عام است واجب و مستحب، مادی و معنوی را شامل می شود.

یک مقدار بیشتر همدیگر را دریابیم. ماه رمضان است بعضی از خانواده ها نیازمند هستند و برای بعضی ها روزه گرفتن با این مواد غذایی اندک ممکن است بسیار سخت باشد.

مصادیق انفاق و خدمت رسانی

اشاره

انفاق و رسیدگی به مردم یک سری مصادیقی است:

۱. انفاق فکری و فرهنگی

اولین مصداق انفاق، انفاق فکری و فرهنگی است. امروز در جامعه این مورد خیلی مهم و کاربردی است. همه مردم هم نیازمند مالی نیستند. خیلی از صاحبان ثروت و کسانی که دغدغه مالی ندارند، مثلاً می گویند فرزندم نماز خوان نیست، دوست ناباب دارد، نسبت به پدر و مادرش بی ادبی می کند. یکی از موارد مهم انفاق، انفاق فکری است؛ کسانی که توان دارند، وارد زندگی این طور خانواده ها بشوند و شبهات را از ذهن این جوان ها دور کنند و این ها را با معارف دین آشنا کنند.

داستان

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم معاذ را به یمن فرستاد و وقتی که به یمن

ص: ۸۰

- می رفت فرمودند: قرآن را میان مردم یمن گسترش بده و یک جمله ای فرمود که: معلمین را تکریم کن و بعد فرمودند: معاذ! مردم را نترسان و به آنها سخت نگیر و نفرت از دین ایجاد نکن. (۱)

عزیزانی که توان دارید روحانی، معلم، کسانی که آگاهی دارید خیلی مهم است ما بتوانیم مردم را با دین آشنا کنیم و دین را محبوب کنیم. یک کسی مثل علامه امینی قلمش را در خدمت اسلام گذاشت. مرحوم حاج شیخ عباس قمی وقت و قلمش را در خدمت اسلام گذاشت. مرحوم شهید مطهری هم همین طور و ...

۲. انفاق اجتماعی

دومین مصداق انفاق، انفاق اجتماعی است؛ منظور این است که روابط اجتماعی را در جامعه گسترش دهیم، مثلاً: دو نفر با هم قهر هستند شما وارد شوید و این ها را با هم صلح بدهید. عروس و دامادی است با هم اختلاف پیدا کردند شما وارد خانه اش شوید و این ها را با هم صلح بدهید. یک کسی است که وسواس در زندگی اش است شما وارد شوید و او را به آرامش برسانید. این ها انفاق اجتماعی می شود. یعنی اتفاقی که موجب می شود روابط اجتماعی تحکیم یابد.

۳. انفاق مالی

سومین مصداق انفاق، انفاق مالی است. یک مصادیقی راجع به انفاق مائی فهرست وار عرض می کنم: یکی از مصایق آن صدقات مستحبی است.

ص: ۸۱

دیگری اطعام مخصوصا در ماه مبارک رمضان است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: افطاری بدهد ولو یک دانه خرما. چقدر خوب است در فامیل ها این سفره های افطاری بیفتد و فقرای فامیل هم دعوت شوند یا این که خانواده هایی هستند که متمکن هستند، چه اشکال دارد چندین غذا تهیه کنند و در خانه های فقرا بدهند یا اول ماه رمضان برای سلامتی خود و خانواده ایشان و در رأس همه برای سلامتی امام زمان (عج) یک گوسفند ذبح کنند و به همسایه ها بدهند.

اگر در هر محله ای دو سه تا قربانی شود تمام شهر تحت پوشش قربانی قرار می گیرد و فرهنگ می شود. قربانی کردن خیلی برای چشم زخم و رفع بلا مؤثر است. من کسانی را می شناسم که ماهی یک بار یا ماهی دو بار این کار را می کنند. یکی از معیارهای انفاق، زیبا اتفاق کردن است. یکی از مصادیق انفاق مالی قرض الحسنه است، مثلا آزاد کردن زندانی هایی که به خاطر دیه با بدهی گرفتار هستند. یک وقت نقل کردند یکی از آقایان برایش مشکلی پیش آمده بود و نزد عالمی رفت. ایشان هم به یکی از صاحبان ثروت رو انداخت که مشکل این آقا را حل کند و چند مورد دیگر را هم به ایشان گفت. آن آقای که صاحب ثروت بود به این عالم پیغام داد که: هر کسی که مشکل پیدا می کند شما به من ارجاع می دهید بالاخره افراد دیگری هم در این شهر هستند. ایشان فرمودند: من می خواهم به تو ثواب برسد.

صاحبان ثروت خدا را شکر کنید که زمینه این کمک را به شما داده است. بعضی ها می گویند ما باید همه کمک ها را پوشش بدهیم یا مگر ما

باید غصه مردم را بخوریم؟! خداوند تبارک و تعالی می فرماید: پیامبر! ما اگر می خواستیم همه مردم را هدایت می کردیم که هیچ نیازی به پیامبر هم نباشد، مثل فرشتگان که گناه نمی کنند.

عزیزان! خداوند شما را واسطه قرار داده است خواسته شما به یک جایی برسید. این درست مثل پدری می ماند که خودش می تواند همه کارها را انجام بدهد ولی گاهی به بچه اش می گوید تو برو نان بخر یا تو این پول را به فقیر بده، می خواهد این بچه راه بیفتد و روابط اجتماعی اش قوی شود. خداوند هم اگر می خواست طبیعتاً این کار را خودش انجام می داد و الان هم خودش انجام می دهد: «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (۱) تیر را در میدان بدر شما می زنید ولی چه کسی این دست را داده است؟ لذا قرآن هم نمی گوید از مال خودتان بدهید؛ بلکه می فرماید: «مما رزقناکم»، از آن که ما دادیم انفاق کنید. مال خداست منتها شما را واسطه قرار داده است.

۴. انفاق آبرویی

چهارمین مصداق انفاق. انفاق آبرویی است؛ یعنی بعضی ها می توانند با واسطه قرار دادن آبرویشان باعث کار راه اندازی مردم شوند.

کار راه اندازی امام کاظم علیه السلام

شخصی خدمت امام کاظم علیه السلام آمد، عرض کرد: فرماندار ری برای من مالیات سنگینی نوشته است که توان پرداخت آن را ندارم؛ شما یک نامه ای

ص: ۸۳

بنویسید که به خاطر نامه شما مالیات را بر من ببخشید یا کم کند. امام هم این کار را کرد. (۱۱) این کار را انفاق ابرویی می گویند. خانمی قهر کرده، شما که انسان محترمی هستی اگر واسطه شوی آشتی می کنند، اگر این کار را بکنی، انفاق ابرویی کرده ای.

سفارش به خدمت رسانی

در این قسمت، خطابم به مسئولین است که تا آنجایی که در توانشان هست به مردم خدمت کنند؛ انفاق کنند، مثلاً: مسئولی قرار است پروانه ای صادر کند می داند این خانم وامی گرفته، زمین مختصری خریده، می خواهد این خانه را تعمیر کند می شود بندهایش را یک مقدار کم کرد؛ یعنی در دایره قانون که به آن ها اجازه می دهد کار مردم را از نظر اداری تسهیل کنند. نوبت شما برای وام پنج ماه دیگر است ولی می شود دو ماه جلو انداخت اتفاقی نمی افتد و حق کسی هم ضایع نمی شود. بزرگان، علما و عرفای ما که در عالم رؤیا از آن ها سؤال می کنند چه چیزی در عالم برزخ کار شما را تسهیل می کند می گویند: خدمت رسانی

تذکر دو نکته

نکته اول: این است که اعتدال در همه امور خوب است. یک وقتی شخصی با من تماس گرفته بود، گفت: همسر من می گوید هر چه ما درآمد داریم باید انفاق کنیم و خودمان یک حداقلی استفاده می کنیم و یک ریال هم پس انداز نداریم، می گوید: مال اندوختن؛ یعنی زراندوزی و قرآن

ص: ۸۴

و روایت هم این را مذمت کرده است، این سوره را هم می خواند «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (۱) من به ایشان گفتم: شما بگویید سوره فرقان را نگاه کنید، قرآن می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا» (۲) حتی در انفاق هم اسراف نکنید.

گاهی افرادی خدمت ائمه معصومین علیهم السلام می رسیدند و آنها هم کمک می کردند و برای بعضی ها هم دعا می کردند و می فرمودند: ان شاء الله خداوند در زندگی ات گشایشی ایجاد کند؛ یعنی زمینه کمک فراهم نبود. این را میگویم برای این که پس انداز هم داشته باشید و خانواده های خودتان را تأمین کنید. خانمی می گفت: شوهر من اصلاً به ما نمی رسد فقط کمک را برای مردم گذاشته است در صورتی که در اولویت بندی همسر، پدر و مادر، خویشاوندان و همسایگان اولویت دارند. در همه امور اعتدال خوب است واقعا اگر انسان آنقدر به مردم رسیدگی کرد که خانواده اش دچار استیصال بشوند خوب نیست.

نکته دوم: این است که این انفاق ها و کمک ها با یک چیزی باطل می شود و آن منت و اذیت است؛ لذا قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (۳) صدقاتتان را با منت و اذیت باطل نکنید؛ یعنی چه؟ بعضی ها این طور هستند تا زمانی که عمر دارد، می گوید: من این کار را برایش کردم این منت می شود. اذیت هم غیر از منت است

ص: ۸۵

۱- تکاثر، ۱ و ۲.

۲- فرقان، ۶۷.

۳- بقره، ۲۶۴.

و این که طرف را بسیار اذیت کنید تا یک انفاقی بخواهید بکنید.

تشکر کردن انفاق گیرنده

من وظیفه انفاق دهنده را گفتم اتفاقاً انفاق شده هم موظف است که حداقل، تشکر کند. امام رضا علیه السلام فرمودند: «من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عزوجل»؛^(۱) اگر کسی شکر واسطه نعمت را به جا نیاورد شکر من را به جا نیاورده است. همان خدایی که در قرآن می گوید شکر من را بکنید می گوید شکر پدر و مادر را هم انجام بدهید. در روایت است فردای قیامت به پرونده بعضی ها که نگاه می کنند شکر نیست. اعتراض می کنند و می گویند: خدایا ما تشکر کردیم. می گویند: تشکر واسطه نعمت را به جا نیاوردید. حس تقدیر از مردم یک ضرورت است.

تشکر کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از خدیجه کبری علیها السلام

خدیجه کبری علیها السلام وقتی اموالش را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم داد، منت نگذاشت ولی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مکرر می فرمود: خدیجه خدیجه، شما چه می دانید خدیجه با من چه کرد؟ روزی به من ایمان آورد که هیچ کسی ایمان نیاورده بود، روزی به من مال داد که کسی این کار را نمی کرد؛^(۲) یعنی مکرر از خدمات خدیجه کبری علیها السلام یاد می کرد. حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از کفار و مشرکینی که گاهی خدمتی به ایشان کرده بودند یاد می کرد.

ص: ۸۶

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۳؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۴؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۴.

۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸ کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۰۸.

قال الله تبارك و تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (۱)

مقدمه

خداوند در آیه مذکور می فرماید: ای مردم تقوا داشته باشید آن هم نهایت تقوا و سعی کنید مسلمان از دنیا بروید.

علامه طباطبائی رحمه الله علیه می فرماید: هر کجا تعبیر حق آمده، مثلاً: «حق جهاده» (۲) یعنی نهایت و اوج. عاقبت به خیری، پیام این آیه است؛ یعنی این که ما سعی کنیم مسلمان و با ایمان از دنیا برویم، این خیلی دعای مهمی است.

قرآن می فرماید: یکی از درخواست های حضرت یوسف علیه السلام این بود «توفنی مسلماً»: (۳) خدایا! مرا مسلمان بمیران. باز در قرآن دعایی داریم:

ص: ۸۷

۱- آل عمران، ۱۰۲.

۲- حج، ۷۸.

۳- یوسف، ۱۰۱.

«و توفنا مع الابرار»^(۱) خدایا ما را با نیکان بمیران.

اگر انسان خوب شروع کند هنر است اما خوب به پایان رساندنش هنری بالاتر و برتر است، به همین دلیل وقتی از بزرگان سؤال شده از خدا چه چیزی می خواهید، می گویند: دعا می کنیم عاقبت به خیر شویم و فرجام و پایان کارمان نیک باشد. چون ما زیاد دیده و شنیده ایم کسانی که به مراتب بالایی رسیدند، اما یک جایی سقوط کرده اند.

ذکر چند مثال

۱. احمد بن هلال از یاران امام عسکری علیه السلام بود، پنجاه سفر حج رفته که بیست و پنج سفرش پیاده بوده است ولی در آخر عمر منحرف شد و آقا امام زمان (عج) او را لعنت کرد و فرمود: احمد بن هلال از ما نیست.

۲. علی بن ابی حمزه بطائی وکیل امام کاظم علیه السلام بود؛ یعنی تمام پول های آن حضرت نزد ایشان بود. چون امام موسی کاظم علیه السلام بخشی از عمرش را در زندان بود و مردم وجوهاتشان را به ایشان می دادند؛ هزاران در هم پول پیش او جمع شده بود، امام موسی بن جعفر علیه السلام که از دنیا رفت، علی بن ابی حمزه منکر امامت امام رضا علیه السلام شد و فرمود: هفت امام بیشتر نداریم و فرقه واقفی تشکیل داد و منحرف شد.^(۲)

۳. محمد بن علی شلمغانی که با یک واسطه وکیل امام زمان (عج) بود؛ یعنی اگر شما یک نامه ای به ایشان می دادید، ایشان به حسین بن

ص: ۸۸

۱- آل عمران، ۱۹۳.

۲- شاگردان مکتب ائمه، ج ۳، ص ۵۴۶.

روح می داد و او هم به امام زمان (عج) می داد. خودش هم مکتوباتی از امام زمان (عج) دارد فکر می کرد امام زمان (عج) ایشان را جزو وکلای خاصش می گذارد ولی امام به دلایلی صلاح ندید و شخص دیگری را وکیل خود گذاشتند. در نتیجه حسادت در او شعله ور شد و از کسانی شد که ادعای امام زمانی می کرد و امام زمان او را لعنت کرد و فرمودند: شلمغانی از ما نیست، از او دوری کنید. (۱) منشاء این انحرافات گاهی غرور و حسادت است و گاهی در حرکت نکردن مسیر امام است. آقای ابوترابی از علمای یزد، نویسنده کتابی به نام اسرار حسن عاقبت است که کتاب خوبی است؛ البته در قرآن و روایات شواهد زیادی داریم، داستان بلعم باعورا یا برصیصای عابد نمونه آدم بدعاقبت است.

راه های عاقبت به خیری

اشاره

سو عاقبت یکی از چیزهایی است که انسان باید دائما نگرانش باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «لا یزال المؤمن خائفا من سوء العاقبه»؛ (۲) مؤمن دائما باید از پایان کارش بترسد.

۱. نعمت های خدا را در معصیت خرج نکردن

امام صادق علیه السلام برای یکی از دوستانش نوشتند - بخشی از فرمایشات

ص: ۸۹

۱- شاگردان مکتب ائمه، ج ۳، ص ۵۳۰.

۲- «قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم لا یزال المؤمن خائفا من سوء العاقبه. لا یتیقن الوصول إلى رضوان الله - حتی یکون وقت نزع روحه و ظهور ملک الموت له» (بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳؛ التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ص ۳۳۹: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۸).

ائمه گفتاری است و بخشی دیگر نوشتاری است - «إن أردت أن يختم بخير عملك حتى تقيض و أنت في أفضل الأعمال فعظم لله حقه ان»؛ اگر می خواهی عاقبت به خیر شوی سه کار را باید انجام بدهی: نعمت های خدا را در معصیت خدا خرج نکن. خدا به ما نعمت هایی داده است و می گوید: این نعمت ها را در معصیت صرف نکن.

مرحوم فیض کاشانی علیه الرحمه کتابی به نام محجه البيضاء نوشته است؛ البته غزالی از علمای اهل سنت در قرن پنجم و ششم یک کتابی به نام إحياء العلوم نوشت که یک کتاب اخلاقی است منتها چون این کتاب نیاز به اصلاح و بازسازی داشت، مرحوم فیض کاشانی که از علمای شیعه است این کتاب را اصلاح کرد و نامش را محجه البيضاء فی تهذیب الاحیاء گذاشت. یکی از بخش های این کتاب بحث گناهان زبان است که خیلی زیبا وارد شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: بسیاری از انسان ها به خاطر زبانشان جهنمی می شوند. زبان یک نعمت است: «علمه البيان»^(۱) «ولسانا وشفقتین»^(۲).

۲. مغرور به حلم خدا نشدن

«و أن تغتر بحلمه عنك»؛ دومین چیزی که باعث می شود عاقب به خیر شوی مغرور به حلم خدا نشدن است. خدا حلیم است، در شب های قدر

ص: ۹۰

۱- رحمن، ۴.

۲- بلد، ۹.

می خوانیم: «حلیم لا- یعجل»: ای خدایی که حلم داری و عجله نمی کنی. «یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح». در دعای کمیل می خوانیم: «کم من قبیح سترته»؛ چه بسیار زشتی ها را پوشاندی!

۳. دوست داشتن مادحین اهل بیت علیهم السلام

«و أكرم كل من وجدته يذكركنا أو يتحل مودتنا ثم ليس عليك صادقا كان أو كاذبا إنما لك نيتك و عليه كذبه»؛ (۱) هر کسی که ما را دوست دارد یا به ما وصل است یا یک طوری محبت ما را دارد مثلا درباره ما یک کتاب نوشته است یا مداح و سخنران ما است: کسی که درباره ما فیلم می سازد کسی که ما اهل بیت علیهم السلام را یاد می کند دوستش داشته باش.

۴. خدمت کردن به امام

اشاره

چهارمین مورد که عامل عاقبت به خیری می شود احسان به مردم است. علی علیه السلام فرمود: «من أحسن إلى الناس حسنت عواقبه»؛ (۲) کسی که به مردم نیکی و احسان کند عاقبتش ختم به خیر می شود.

ص: ۹۱

۱- «عن أبي محمد العسكري عن آبائه عليه السلام قال: كتب الصادق عليه السلام إلى بعض الناس إن أردت أن يختم بخير عملك حتى تقبض و أنت في أفضل الأعمال فعظم الله حقه أن [لا] تبذل نعماءه في معاصيه و أن تغتر بحلمه عنك و أكرم كل من وجدته يذكركنا أو يتجل مودتنا ثم ليس عليك صادقا كان أو كاذبا إنما عليك نيتك و عليه كذبه» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۹: بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۹۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴).

۲- تصنیف غررالحکم، ح ۸۸۳۴.

در تاریخ خوانده ایم افرادی که حتی مسلمان نبوده اند، به خاطر خدمت به یک تیم یا حتی خدمت به یک حیوانی، آن نگاهی که آن حیوان کرده با آن دعایی که شخص درمانده کرده، پایان کارش ختم به خیر شده و به جاهای خیلی خوبی رسیده است.

امام کاظم علیه السلام و خدمت رسانی

زمانی که امام کاظم علیه السلام در مکه بودند، شخصی خدمت ایشان آمد و گفت: یابن رسول الله! یک فرمانداری در ری داریم و از شیعیان و دوستان و علاقه مندان به شما است او مالیات سنگینی برای من نوشته است که توان پرداخت آن را ندارم؛ می شود شما لطفی کنید و به او نامه ای بنویسید تا مالیات را بر من ببخشد، آقا نامه ای نوشتند و در نامه نه اسمی از او بردند و نه مشکل را ذکر کردند، فقط نوشتند: «أن لله تحت عرشه ظلا سروا و هذا اخوك»؛ خدا یک سایه رحمتی دارد و این را روی سر کسی می اندازد که یک غمی از دل مردم بردارد و دلی را شاد کند.

وقتی فرماندار نامه را دید، خیلی استقبال کرد و مالیات را به آن شخص بخشید. سال بعد که خدمت امام کاظم علیه السلام رفت گفت: ایشان نامه شما را اجابت کرد. آقا فرمودند: فقط تو را خوشحال نکرد «و الله لقد سرنی و سر أمير المؤمنين و الله لقد سر جدی رسول الله ولقد سر الله تعالی»؛ (۱) من را هم خوشحال کرد و خدا را هم خوشحال کرد.

ص: ۹۲

۱- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۷۴؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۲۱، ص ۴۲۶.

من از مسئولین خواهش‌مندم که اگر نامه ای از امام جماعت یا یک مرجع و عالمی می آید التفات کنید - بعضی از محترمین هستند که مردم به آنها مراجعه می کنند که آنها واسطه شوند- واقعا احترام کنید و تا آنجا که می شود کار را راه بیندازید، با احسان عمل کنید، قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^(۱) همانا خداوند امر به عدل و احسان می کند.

بحث امروز ما راجع به عاقبت به خیری است. همه دعا کنیم تا عاقبت به خیر شویم، همیشه باید از خدا بخواهیم، که با ایمان از دنیا برویم. «وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»^(۲) این آیه در سوره بقره هم ذکر شده است، منتها در آنجا از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام است که ایشان فرزندانش را جمع کرد و فرمودند: فرزندان من! یعقوب، اسحاق، اسماعیل «ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون»، سعی کنید مسلمان از دنیا بروید، و فرجامتان نیک باشد.

۵. محبت امیرمؤمنان علیه السلام

اشاره

پنجمین مورد که در روایات ما تأکید شده است که موجب می شود انسان عاقبتش ختم به خیر شود، حدیثی داریم که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم دست امیرمؤمنان علیه السلام را گرفتند و فرمودند: «یا علی أنت أخی و وصیی من مات و هو یحبک ختم الله له بالأمن و الإیمان»^(۳) ای علی تو وصی

ص: ۹۳

۱- نحل، ۹۰.

۲- آل عمران، ۱۰۲.

۳- «قال سمعت أبا ذر جندب بن جنادة يقول رأيت النبي (صلى الله عليه و آله وسلم) أخذ بيد علي بن أبي طالب فقال له يا علي أنت أخی و وصی و وزیری و امینی مکانک منی فی حیاتی و بعد موتی کماکان هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی من مات و هو یحبک ختم الله له بالأمن و الإیمان و من مات و هو یبغضک لم یکن له فی الإسلام نصیب» (بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۶۹؛ الامالی الطوسی، ص ۵۴۵: مجموعه ورام، ج ۲، ص ۷۰).

و برادر و جانشین من هستی، هر کسی بمیرد در حالی که محبت تو را دارد، خدا او را با امنیت و ایمان از دنیا می برد.

مرحوم آیت الله سید احمد خوانساری علیه الرحمه بسیار مرد بزرگی بود به حدی که امام برایشان احترام قائل بود و در حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن است. روزهای آخر عمر گریه می کرد و می گفت: دستم خالی است و بعد می فرمود: البته به یک چیز امید دارم و آن توسلاتی است که به اهل بیت علیهم السلام داشتم و روضه هایی که برای امام حسین علیه السلام شرکت کردم.

محبت اهل بیت علیهم السلام کارگشا است. یک وقت جنازه ای را در مدینه تشیع می کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در تشیع جنازه شرکت کرد و بدن را با دست مبارک خودش میان قبر گذاشت و سنگ لحد چید. اصحاب خیلی تعجب کردند و گفتند: این چه کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در تشیع آمده و در قبرش رفته و این گونه از او تکریم کرده است؟

حضرت وقتی از قبر بیرون آمدند رو به امیر مؤمنان علیه السلام کردند و فرمودند: کارهایی که برای او انجام دادم به خاطر این بود که ایشان محب تو بود، «لا ینال أحد بذلک الا بحبک»؛ کسی به این مقام نمی رسد مگر تو را دوست داشته باشد.

شخصی به نام حارث بن عبدالله همدانی که خیلی حضرت علی علیه السلام را دوست داشت و آقا هم او را دوست داشت، آقا را مهمان کرد. آقا فرمودند: به شرطی می آیم که به اهل خانه ات زحمت ندهی و دیگر این که از بیرون چیزی تهیه نکنی و هر چه در خانه داری برای من بیاوری و دریغ نکنی. وقتی حضرت علیه السلام آمدند، سفره انداختند، نان خشک آورد ولی خودش ناراحت بود. آقا فرمودند: چرا این قدر ناراحت هستی؟

گفت: به خدا من پول دارم ولی چون شما شرط کردی که چیزی از بیرون تهیه نکن ناراحت هستم؛ آقا فرمودند: این پول در خانه بود؟ گفت: بله. حضرت علیه السلام فرمودند: این پول جزو خانه حساب می شود برو یک چیزی با آن تهیه کن! حارث بسیار خوشحال شد. (۱) ایشان خیلی به آقا علاقه داشت و استاندار حضرت هم بوده است و حضرت علی علیه السلام نامه ای برای او نوشته است.

حارث، مرتب به دیدن حضرت علیه السلام می آمد و می گفت: من شما را دوست دارم. آقا به او فرمودند: ای حارث! اگر من را دوست داری پس چند کار بکن: «فلا تخاصمني و لا تلاعبنی و لا تمازحنی»؛ (۲) ما را بازیچه و

ص: ۹۵

۱- الکافی، ج ۶، ص ۲۷۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۷۷؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۶۰.

۲- «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال الحارث الأعور لأمير المؤمنين عليه السلام يا أمير المؤمنين أنا والله أحبك فقال له يا حارث أما إذا أحببتني فلا- تخاصمني و لا- تلاعبنی و لا- تجاریني و لا تمازحني و لا- تواضعی و نا ترافعنی، (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۵۴؛ الخصال، ج ۱، ص ۳۳۴).

من خدمت یکی از مراجع، حضرت آیت الله العظمی شبیری رسیدم و به ایشان عرض کردم این روایت معنایش چیست؟ ایشان فرمودند: حضرت میخواهد بگوید یک چیزهایی مقدس است، مرز مقدسات را نشکنید. قرآن و اهل بیت علیهم السلام مقدس هستند.

چند دعا در قرآن در مورد عاقبت به خیری داریم:

۱- «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ» (۱) این آیه از جادوگرانی نقل شده که می خواستند حضرت موسی علیه السلام را افشا کنند تا فرعون را بالا ببرند. مرحوم طبرسی علیه الرحمه در مجمع البیان فرمودند: «فكانوا أول النهار كفارا سحرة و آخر النهار شهداء برره»؛ (۲) اول صبح کافر و ساحر بودند و در آخر شب جزو مؤمنین و نیکان قرار گرفتند.

۲- «رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا» (۳) خود پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وقتی مکه را فتح کرد این آیه را در ورود به مسجد الحرام خواندند. در این دعا ما چند چیز از خدا می خواهیم: خدایا! ورود ما به کارها صادقانه باشد و مهم تر خروج ما هم صادقانه باشد. خیلی ها صادقانه وارد می شوند، ولی صادقانه خارج نمی شوند؛ مثلاً: افرادی که با امیرمؤمنان علیه السلام در صفین آمدند اما سر از

ص: ۹۶

۱- اعراف، ۱۲۶.

۲- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۸۰.

۳- اسراء، ۸۰.

نهروان در آوردند یا کنار امام حسین علیه السلام آمدند ولی در آخر از سپاه عمر بن سعد سر در آوردند.

۶. مواظبت بر اوقات نماز

ششمین عاملی که باعث می شود انسان عاقبت به خیر شود مواظبت بر اوقات نماز است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: اگر کسی مواظبت بر اوقات نماز داشته باشد خداوند تبارک و تعالی به او نظر می کند و به ابلیس (شیطان) می گوید: از او دور شو و هنگام مرگ سراغ او نرو تا با ایمان بمیرد. (۱)

عزیزان من! اگر به وقت نماز توجه نکنید عادت می کنید و این بی توجهی و غفلت خوب نیست. در روایت داریم: بعضی ها وقتی نماز می خوانند نماز آنها را نفرین می کند. (۲) سعی کنید بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها دعایی برای عاقبت به خیری بخوانید.

۷. با ادب بودن

اشاره

هفتمین عاملی که باعث می شود انسان عاقبت به خیر شود ادب در

ص: ۹۷

۱- «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما من عبد اهتم بمواقيت الصلاه و مواضع الشمس إلا ضمنت له الروح عند الموت و انقطاع الهموم والأحزان و النجاه من النار كذا مره رعاہ الإبل فصرنا اليوم رعاہ الشمس» (بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۹: مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۸؛ الأمالی للمفيد، ص ۱۳۶).

۲- «و قال عليه السلام إن العبد إذا صلى الصلاه في وقتها و حافظ عليها ارتفعت بيضاء تقيه - تقول حفظتني حفظك الله و إذا لم يصلها لوقتها و لم يحافظ عليها ارتفعت سوداء مظلمه تقول ضيعتني ضيعك الله» (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۹، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۵؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۹)

مقابل مردم است. در روایات و تاریخ تأکید شده است که در مقابل مردم ادب داشته باشید. ادب انسان را عاقبت به خیر می کند.

ادب حر عامل عاقبت به خیری

خیلی از بزرگان می گویند: ادب حر بن یزید ریاحی باعث شد تا عاقبت به خیر شود.

وقتی که مقابل لشکر امام حسین علیه السلام قرار گرفت به اباعبدالله علیه السلام سلام کرد. ظهر شد امام حسین علیه السلام برای نماز ایستاد، حر به لشکرش گفت: همه بروید به امام حسین علیه السلام اقتدا کنید؛ یعنی نگفت من هم یک فرمانده هستم و خودم تشکیل نماز جماعت می دهم. نام امام حسین علیه السلام را با احترام برد و همین ادب نجاتش داد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر به شما بگویند دو روز از عمرت باقی مانده است یک روزش را بگذار تا ادب یاد بگیری و روز دیگر به آن عمل کنی. این نشان دهنده اهمیت ادب است.

الان ماه رمضان است، همه نمی توانند روزه بگیرند. ماه رمضان ادب خاصی دارد، شما که نمی توانید روزه بگیرید یا مسافر هستی در گوشه خیابان سفره پهن نکن تا حرمت این ماه شکسته شود.

بالاخره ادب موجب می شود که انسان عاقبتش به خیر شود که این ادب شامل: ادب در مقابل پدر و مادر، خدا، ائمه و قرآن، افراد مسن در جامعه و...

همین قدر که شما در ماشین هستید، شخص پیری وارد می شود به

احترام اور بلند می شوید و جایتان را به او می دهید، و ادای ادب می کنید خدا به شما عنایت و لطف می کند. در روایت داریم: به پیرمردها احترام

کنید.

۸. خواندن سوره زلزال در نماز و دعای عدیله

هشتمین عامل عاقبت به خیری خواندن سوره زلزال در نمازهای واجب و خواندن دعای عدیله در زمان حیات است.

در روایت آمده است که سوره زلزال را در نمازهای واجب بخوانید تا عاقبت به خیر شوید. و هم چنین دعای عدیله بسیار سفارش شده است، و غالباً کسی که در حال احتضار است برای او می خوانند ولی چه بهتر که انسان خودش این دعا را بخواند.

ص: ۹۹

قال الله تبارك و تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۱)

مقدمه

مرحوم علامه طباطبائی علیه الرحمه ذیل این آیه خیلی زیبا بحث کرده است؛ پانزده مطلب مهم در مورد این آیه آورده است که تعبیر ایشان این است که این آیه، خلاصه ای از تعالیم اسلامی است.

توصیه به صبر

اولین موردش صبر فردی است. امام حسن مجتبی علیه السلام مظهر صبر است؛ او شخصیتی است که وقتی به او توهین کردند و او در جواب گفت: چه مشکلی داری بگو تا حل کنم.

حضرت می دانست همسرش قصد جان ایشان را دارد، با این حال هیچ اقدامی نکردند. ایشان با وجود این که می دانند بعد از شهادتشان به بدن

ص: ۱۰۱

مبارکشان جسارت می شود، ولی باز هم می گویند: راضی نیستم دعوا و نزاعی شود. اگر در زندگی ما صبر و حلم امام حسن مجتبی علیه السلام وجود داشته باشد چقدر خوب است.

«وصابروا» باب مفاعله است؛ یعنی یکدیگر را به صبر توصیه کنید و همان «و تواصوا بالصبر» است؛ یعنی هنگامی که به شما جسارت می شود، تحمل می کنید. وقتی دو نفر با ماشین در خیابان با هم تصادف می کند، عصبانی می شوند و به هم ناسزا می گویند، شما باید آنها را به صبر دعوت کنید.

واقعا اگر همه مردم یکدیگر را به صبر توصیه کنند، چقدر عالی می شود. متأسفانه در خیلی از موارد برعکس عمل می شود.

«ورابطوا» به معانی مختلفی دارد، ولی یک معنی اش این است که مرزها را حفظ کنید. به کسانی که مرزبان هستند مربوط می گویند. حریم ها را حفظ کنید و حد و حدود را نگه دارید. تعبیر دیگر این است، اهل پیوند با یکدیگر باشید؛ به اصطلاح، اختلاف ایجاد نکنید.

توصیه به تقوا

در نهایت می فرماید: «واتقوا الله»؛ تقوا داشته باشید، در بیشتر آیات قرآن وقتی توصیه ای می شود به دنبالش تقوایی هم هست.

ما تقوای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داریم. این تقوا هم تقوایی است که در کنار صفات اخلاقی آمده است. در واقع قرآن می خواهد بفرماید: اساس صبر و بردباری، تقوا و خویشتن داری است. شخصی که

خویشتن دار است، صبور، بردبار و حلیم هم است.

حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: کسی که به این سه شکل بتواند به مردم کمک کند، روز قیامت با انبیا و شهدا و صالحین محشور می شود. ما در نمازمان حداقل روزی ده مرتبه می گوییم:

«اهدنا الصراط المستقیم»: خدایا ما را به راه مستقیم هدایت کن و بعد می گوییم: «صراط الذین أنعمت علیهم» یعنی چه؟

در سوره نساء آیه ۶۹ خداوند می فرماید (۱): «صراط الذین أنعمت علیهم راه چهار گروه است: «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (۲) ۱- راه انبیا، ۲- جانشینان انبیا مانند علی بن ابی طالب علیه السلام، ۳- راه شهدا، (گرچه در قرآن شهید به معنای گواه است ولی در این جا خیلی از مفسرین گفته اند به معنای شهید در جبهه است و اولیای خدا، مثلا: تبیین رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، صدیقین امیر مؤمنان، شهیدانی مثل میثم و عمار، افراد صالح مثل سلمان و ابی ذر، راه این ها درست «انعم الله علیهم» است. چه کسی دوست ندارد روز قیامت با این اشخاص محشور شود؟ مسلما هیچ کس. اگر روز قیامت با این چهار گروه محشور شویم مسلما بهشتی هستیم.

ص: ۱۰۳

۱- «عن الامام الحسن العسكري عليه السلام في قول الله عز وجل صراط الذين أنعمت عليهم أي قولوا اهدنا صراط الذين أنعمت عليهم بالتوفيق لدينك وطاعتك وهم الذين قال الله عز وجل - ومن يطع الله والرسول فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقا » (معاني الأخبار، ص ۳۶؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۹۸: بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۰).

۲- نساء، ۶۹.

امام حسن علیه السلام می گویند: «من واسا اخاه بمال أو جاه او كلمه الطيبه حشر يوم القيامة» اگر کسی سه کار انجام دهد با این افراد محشور می شود «مع النبين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقا»، این سه کار چیست؟

۱. کمک کردن به مردم با اموال

«من واسا أخاه بمال»؛ اولین عامل محشور شدن با انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین این است که انسان با اموالش به مردم خدمت کند، اگر کسی توانایی دارد با پولش به مردم خدمت کند، نباید کوتاهی کند.

امام حسن مجتبی علیه السلام سوار قاطر بود، کسی نزد ایشان آمد و گفت: آقا عجب مرکبی دارید! آقا فرمودند: شما مگر مرکب ندارید؟ آن شخص گفت: نه، آقا پیاده شد و افسار قاطر را به او داد.

شخصی به مسجد آمده و دیه بر گردنش بود، فردی مقداری پول به او داد، ایشان گفت: من فقیر نیستم دیه بر گردنم آمده توان پرداخت ندارم، آن آقا گفت: گوشه مسجد را نگاه کن. آن سه نفر که آن جا نشسته اند از خاندان کرامت هستند، اگر پول می خواهی نزد آن ها برو، آن شخص جلو رفت و دید امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و دامادشان عبدالله بن جعفر نشسته اند. سلام کرد و مشکش را به آنها گفت.

امام حسن علیه السلام پانصد درهم به آن شخص دادند. امام حسین علیه السلام،

چهارصد و نود درهم دادند. عبدالله بن جعفر چهارصد و هشتاد درهم داد. آن شخص پس از گرفتن پول ها نزد همان آقا آمد و گفت: شما راست میگفتید؟ آن شخص هم گفت: بله مادر آنها حضرت زهرا علیها السلام است. (۱)

واقعا هم همین طور است که سه شب گرسنه می خوابد و با آب افطار می کند و بعد هجده آیه سوره هل اتی نازل شد. سوره هل اتی با سوره دهر یا انسان که هجده آیه دارد در شأن این بزرگواران نازل شده است.

۲. کمک کردن به مردم با آبرو

«او الجاه»؛ آبرو. دومین عامل محشور شدن با انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین کمک کردن به مردم با آبرو است.

امام حسن علیه السلام در حال طواف کردن بودند و چون معتکف بودند، نمی توانستند از مسجد خارج شوند، آقایی آمد و گفت: یابن رسول الله! من بدهی و قرض دارم و طلبکار هم، پولش را می خواهد؛ شما بیایید و از او بخواهید تا به من فرصت بدهد، فا دنبال او رفت و کار او را انجام داد. وقتی برگشت، ابن عباس عرض کرد: آقا جان! شما معتکف بودید، امام فرمودند: می دانم، ولی از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم اگر مشکل کسی را حل کنی گویا ۹ هزار سال خدا را عبادت کرده که روزها را روزه گرفته و شب ها را به نماز ایستاده است. (۲)

ص: ۱۰۵

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۷: بحار الانوار ف ج ۴۳، ص ۳۳۲: الخصال، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۰: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۵۰؛ لئالی الأخبار. ص ۲۵۰.

امیر مؤمنان علیه السلام متوجه خانمی شدند که همسرش او را از خانه بیرون کرده بود، در خانه اش را زد و سفارش او را به شوهرش کرد و به داخل خانه فرستاد. (۱) این خرج کردن ابرو است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر چیزی زکاتی دارد و زکات آبرو، شفاعت است. (۲)

۳. کمک کردن با سخن زیبا

«او کلمه الطیبه»؛ با سخن پاکیزه. سومین عامل محشور شدن با انبیاء صدیقین، شهدا و صالحین کمک کردن به مردم با سخن نیک است. گاهی شما با یک سخن زیبا به مردم کمک میکنید؛ یعنی شخص نماز نمی خواند، بدحجاب است، اهل شراب است و شما با یک سخن زیبا و به جاء ایشان را از گناه دور می کنید و شما چون کار انبیا را انجام دادید با آنها محشور خواهید شد.

علائم جوان مردی

بارها گفته شده که در اسلام مزاح جایز است. امام صادق علیه السلام فرمودند: در سفر چند چیز نشانه مروت و جوانمردی است: ۱ «فیذل المزاد»؛ از

ص: ۱۰۶

۱- بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۱۲؛ الاختصاص، ص ۱۵۷.

۲- «قال الصادق علیه السلام المعروف زكاه النعم و الشفاعه زكاه الجاه و العلل زكاه الأبدان و العفو زكاه الظفر و ما أدبت زكاته فهو مأمون السلب» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۸۶؛ تحف العقول، ص ۳۸۱؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۲۰، ص ۸۲۵).

چیزهایی که دارید به دیگران هم بدهید، ۲- «المزاح فی غیر ما یسخط الله»؛ مزاح به گونه ای که غضب خدا را برانگیزد، ۳- «ترک الروایه علیهم إذا أنت فارقتهم»؛ (۱) وقتی سفر تمام شد پشت سر هم بد گویی نکنید. آینه و سفره و سفر عیب نماست

سنگ محک جمله مردان سوداست

مذمت کردن شوخی های نابه جا

امام حسن علیه السلام از جایی عبور می کردند، دیدند چند جوان شوخی های زشت می کنند. آقا جلو رفتند و به آنها سلام کردند و فرمودند: شما قرآن بلد هستید؟ آن جوانان گفتند: بله، فرمودند: این آیه را شنیده اید که می گوید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» (۲) همه مردم جهنم می روند، مؤمن و کافر منتها مؤمن از جهنم عبور می کند، حرارت هم به او نمی رسد ولی کافر می ماند، بالاخره راه بهشت از جهنم می گذرد، کما این که اگر می خواهیم در این دنیا عقلمان بارور شود، باید از هوای نفس بگذریم.

جوانان گفتند: بله آقا شنیده ایم، امام فرمودند: ادامه اش را هم شنیده اید؟ می فرماید: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا» (۳) کسانی را نجات می دهیم که

ص: ۱۰۷

۱- «عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام قال: المروه مروتان مروه الحضر و مروه السفر فأما مروه الحضر فتلاوه القرآن و حضور المساجد و صحبه أهل الخير و النظر فی الفقه و أما مروه السفر فبذل الزاد و المزاح فی غیر ما یسخط الله و قله الخلاف علی من تصحیه و ترک الروایه علیهم إذا أنت فارقتهم» مستدرک الوسائل، ج ۸ ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۳، تحف العقول، ص ۳۴۷.

۲- مریم، ۷۱.

۳- مریم، ۷۲.

اهل تقوا باشند، شما مطمئن هستید که اگر جزو ورودی های جهنم باشید جزء کسانی که از آن خارج می شوند هم هستید و به بهشت می روید؟ جوان ها به گریه افتادند و لغو و بیهودگی را کنار گذاشتند.

در روز عید فطر، امام حسن علیه السلام با جوان هایی مواجه شدند که در حال انجام کارهای ناپسند بودند، امام فرمودند: امروز روزی است که خدا جایزه می دهد شما چرا به جای ذکر و دعا، حرف های ناپسند و کارهای ناشایست انجام می دهید. (۱)

توجه به قیامت یکی از راه های اصلاح مردم است، یاد قیامت، انسان را بسیار از گناه دور می کند. خدا در قرآن می فرماید: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ» (۲) گمان نمی کنید قیامت هم هست؟

دوری از منت و آزار در انفاق کردن

خداوند می فرماید: «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ» (۳) انفاق کنید یا اگر نمی توانید انفاق کنید، مردم را اذیت نکنید و زخم زبان نزنید و منت هم نگذارید.

ص: ۱۰۸

۱- «و مر عليه السلام في يوم فطر بقوم يلعبون ويضحكون فوقف على روسهم فقال إن الله جعل شهر رمضان مضمرا لخلقه فيستبقون فيه بطاعته إلى مرضاته فسبق قوم ففازوا وقصر آخرون فخابوا فالعجب كل فالعجب من ضاحك لالعاب في اليوم الذي يتاب فيه المحسنون ويخسر فيه المبطلون و ايم الله لو كتب الغطاء لعلموا أن المحسن مشغول بإحسانه و المسى مشغول بإساءته ثم مضى» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۰؛ الكافي، ج ۴، ص ۱۸۱: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۷۴).

۲- مطففين، ۴.

۳- بقره، ۲۶۳.

فقیری می آید، مثلاً شما می گوید: من نمی توانم به شما کمک کنم، خدا ان شاء الله به شما وسعت بدهد این «قول معروف و مغفره» می شود. خداوند می گوید این بهتر از این است که اتفاق کنید ولی اذیت و آزار هم بکنید.

در روایت آمده است: لقمان به پسرش فرمود: دو چیز را فراموش کن ۱- احسانت به دیگران، ۲- بدی دیگران در حق خودت. (۱) اگر این طور باشد بسیاری از مسائل حل می شود متأسفانه در بسیاری از موارد غالباً برعکس است.

قرآن کریم، در بحث انفاق با صراحت می گوید: آن کسی که رزقش کم است انفاق کنند؛ یعنی بحث انفاق مخصوص افراد ثروتمند نیست، اصلاً معنای ایثار چیست؟ «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (۲) قرآن می گوید: بعضی ها با این که ندارند ولی ایثار می کنند و برای آن مثال هم آورده است.

انفاق فقط به کمک مالی نیست، کلمه طیبه (آبرو) حتی تبسم به دیگران را هم شامل می شود که یک نوع صدقه است. بعضی افراد برای فرار از انفاق، از معصومین علیهم السلام فاصله می گیرند و می گویند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ما فرق دارد.

پیامبر برای ما الگو است، خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فبهدهم

ص: ۱۰۹

۱- گنج حکمت یا احادیث منظوم، ص ۵۶.

۲- حشر، ۹.

اقتده» (۱) که تو انبیا را الگو قرار بده و بعد هم به ما می گوید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (۲) اگر الگو قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محال بود خداوند به ما امر نمی کرد. پس خلق و خوی نبوی پیدا کردن، ممکن است و خدا هم در قرآن امر کرده است، می فرماید: هر چه قدر خدا را دوست دارید از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت کنید: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (۳). امیر مؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام انفاق و عبادت داشتند، ما هم باید سعی کنیم مقداری از آن ویژگی ها و خصوصیات را داشته باشیم. شاعر گفت:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

آیه صریح قرآن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۴) ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا داشته باشید و با صادقین (انبیا و اهل بیت علیهم السلام) باشید.

ص: ۱۱۰

۱- انعام، ۹۰.

۲- احزاب، ۲۱.

۳- آل عمران، ۳۱.

۴- توبه، ۱۱۹.

قال الله تبارك و تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَأْكُلُوا أَمْوَالُكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛ (۱)

مقدمه

خداوند در آیه مذکور می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید سعی کنید مال خودتان را به باطل مصرف نکنید و خودتان را به هلاکت نیاندازید. یکی از مهم ترین نکات در زندگی ما، این است مالی را که مصرف می کنیم حلال باشد؛ به دلیل این که کانال ورودی روح و قلب ما اعضای ما است. می گویند: «الجوارح جواسیس القلوب»؛ جوارح، جاسوس قلب و کانال روح انسان است، درست مثل یک منبعی که آب واردش می کنید، اگر آب کثیف باشد، منبع هم کثیف می شود، ورودی بدن ما هم این گونه است.

ص: ۱۱۱

علمای اخلاق می گویند: پنج ورودی برای قلب ما است که پنج راه برای کنترل آن وجود دارد:

۱. چشم؛ نگاه ها اثر دارد، نمی شود گفت که نگاه به درون ما اثر نمی گذارد. روایت داریم: نگاه به عالم، پدر و مادر، عبادت است. (۱)

۲. گوش؛ حرف هایی که ما می شنویم اثر دارد. علی علیه السلام فرمودند: «مستمع الغیبه کقائلها»؛ (۲) شنونده غیبت؛ مثل گوینده است. لذا، گوش کردن به چیزهای حرام هم روی انسان اثر می گذارد. خدا در قرآن می فرماید: وقتی به لغو برخورد می کنید از آن عبور کنید، و جلسه گناه را ترک کنید.

۳. زبان؛

۴. شکم؛

۵. قوای جنسی.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «ما عبد الله بشيء أفضل من عفه بطن وفرج»؛ (۳) عبادتی بالاتر از کنترل شکم و قوای جنسی نیست.

در این باره احادیث فراوانی داریم. شکم نسبت به قوای جنسی، از اولویت بالاتری برخوردار است؛ چون لقمه حرام است که به ما اجازه نگاه

ص: ۱۱۲

۱- «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم النظر إلى العالم عبادة النظر إلى الإمام المسقط عبادة والنظر إلى الوالدین برأفة و رحمه عبادة و النظر إلى الأخ تودة في الله عز وجل عبادة» (بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶؛ عده الداعی، ص ۱۸۹؛ مجموعه ورام. ج ۲، ص ۱۷۵).

۲- غررالحکم، ح ۴۴۴۷.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۸.

حرام می دهد، ما را قسی بار می آورد و به هر چیزی نگاه می کنیم. لقمه حرام است باعث می شود تا در صحبت کردن هیچ حد و حدودی برای خود قائل نباشم.

داستان

شخصی، خدمت امام باقر علیه السلام آمد و گفت: یابن رسول الله! «إني ضعيف العمل قليل الصيام و لكنني أرجو أن لا آكل إلا- حلالا»؛ من آدم کم عملی هستم ولی دو ویژگی دارم: فقط حلال می خورم و فقط هم از راه حلال قوای جنسی ام را ارضاء می کنم. من چه طور آدمی هستم؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: «ای الاجتهاد أفضل من عفه بطن و فرج»؛ (۱) تو آدم بسیار خوبی هستی و بزرگ ترین عبادت را انجام می دهی.

اثرات لقمه حلال

در قرآن کریم چند بار این آیه: «و كلوا... حلالا طيبا» (۲) تکرار شده است و چند چیز را بر این مترتب کرده است، مثلاً: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (۳) معلوم می شود منشاء شکر، لقمه حلال است. در جای دیگر می فرماید: حلال بخورید و عمل صالح انجام دهید. معلوم می شود منشاء عمل صالح لقمه حلال است و در جای دیگر می فرماید: مال حلال

ص: ۱۱۳

۱- الکافی، ج ۲، ص ۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۰؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۹.

۲- بقره، ۱۶۸: مائده، ۸۸، انفال، ۶۹؛ یونس، ۵۹؛ نحل، ۱۱۴.

۳- نحل، ۱۱۴.

بخورید. اما «لا تتبعوا خطوات الشيطان»^(۱) دنبال شیطان نروید، مشخص است پرهیز از شیطان با لقمه حلال است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «العباده مع أكل الحرام كالبناء على الرمل و قيل على الماء»^(۲) عبادت با لقمه حرام مانند ساختن خانه روی شن روان است و گفته شده بر روی آب.

مصادیق اکل مال به باطل

چرا این آیه می گوید: مالتان را به باطل نخورید؟ می گویند: این آیه منفعت انسان را مدنظر قرار داده است؛ چون انسان غالباً می خورد. در این آیه نگفته است که باطل یعنی چه؟ ولی در روایات، ائمه بزرگوار ما علیهم السلام ذیل این آیه چند مصداق تعیین کردند.

۱. امام صادق علیه السلام، فرمودند: مقصود از آیه، این است که کسی از دیگری قرض بگیرد ولی قصدش عدم پرداخت آن باشد. امروزه این مسئله بسیار رواج پیدا کرده است که مردم از همدیگر قرض می گیرند ولی پس نمی دهند.

در روایت دیگر آمده است: کسی که قرضی بگیرد و موعدهش فرا برسد و با این که توان پرداخت را داشته باشد ولی این کار را نکند مالش حرام می شود.

۲. مصداق دیگر آیه ربا است.

ص: ۱۱۴

۱- بقره، ۱۶۸.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱ ص ۲۵۸؛ عده الداعی، ص ۱۵۳: الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۴، ص ۶۶۰.

۳. مصداق دیگر آیه، کم فروشی است.

۴. مصداق دیگر آیه قمار است.

۵. مصداق دیگر آیه ظلم است.

۶. مصداق دیگر آیه حق الناس است.

گرانی و تنگ دستی، مجوز حرام خوردن نیست. اسلام اجازه حرام خواری به ما نمی دهد.

توجه به حق الناس حتی در روز عاشورا

در حرم امام حسین علیه السلام، به زائران گفتم: شما به زیارت شخصی آمدید که صبح عاشورا رو به لشکرش کرد و فرمودند: هر کسی حق مردم بر گردنش است، برگردد: «ناد أن لا یقاتلن علیه دین»^(۱) این نکته خیلی مهمی است. گاهی در تاریخ با مواردی برخورد می کنیم که در جایی ثواب عظیمی کسب شده است، اما به خاطر لقمه حرام و یا حق الناس ثواب آن به طرف نرسیده است.

لباس غضبی عامل عذاب

در جنگ خیبر شخصی، به نام مدعم، شهید شد و روی زمین افتاد. اصحاب دور او جمع شدند و گفتند: شهادت بر تو گوارا باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تا اصحاب را دیدند فرمودند: درست است که شهید شده اما الان بدنش را آتش گرفته است! اصحاب گفتند: چرا؟ فرمودند: چون

ص: ۱۱۵

بها دادن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به حق الناس

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، در آخرین منبری که در مسجد برای وداع با مردم آمدند، فرمودند: اگر کسی چیزی بر گردنش است بلند شود و بگوید! شخصی بلند شد و گفت: یا رسول الله! روزی فقیری به شما مراجعه کرد و شما سه درهم از من گرفتید و به او دادید و من هم پیگیری نکردم، اکنون که خود شما می فرمایید. این سه درهم را به من بدهکار هستید. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خیلی خوشحال شد و به فضل بن عباس گفتند: این سه درهم را به او بده.

این ها اهمیت این مطلب را می رساند که انسان مؤمن باید به این مسائل توجه داشته باشد.

شخصی از امام سجاد علیه السلام سؤال کرد: دین چیست؟ «أخبرنی بجمع شرائع الدین»؛ خلاصه دین را به من بگویید! امام سجاد فرمودند: دین در سه کلمه است: «قول الحق و الحکم بالعدل و الوفاء بالعهد»؛ (۲) حرف حق بزنید، حکم به عدل کنید و به عهدتان وفادار باشید.

تذکر یک نکته

نکته مهمی که مطرح است این است که حق الناس غیر از بحث مالی

ص: ۱۱۶

۱- اسدالغابه، ج ۴، ص ۳۴۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۲؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۱۳.

است؛ یعنی حق الناس چنین نیست که شما فکر کنید که حتما باید قیمت و ارزش داشته باشد. شما ممکن است بدون اجازه بنده، نخی از پرده خانه من بکشید، و ممکن است این پرده در نظر شما هم ارزشی نداشته باشد ولی من می توانم در روز قیامت از شما در مورد این نخ سؤال کنم و شما مسئول هستید.

در نظر گرفتن رضایت در تجارت

خداوند در ادامه آیه می فرماید: «إلا أن تكون تجاره عن تراض»: مگر تجارت از روی رضایت باشد.

امام خمینی علیه الرحمه در تحریر الوسيله در بحث کتاب بیعشان می فرماید: معامله ای که در آن کلاه شرعی باشد درست نیست؛ چون در معامله خدعه (نیرنگ) کرده است.

مصادیق این خدعه اگر بین مردم رواج پیدا کند، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی شود و بازار قابل اعتماد نیست. و لذا در روایات داریم صادقانه صحبت کنید و آیه ۸۰ سوره اسراء را بسیار بخوانید: «وقل رب أدخلني مدخل صدق وأخرجني مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا»: خدایا! ورود و خروجمان صادقانه باشد. خداوند برکتی در حلال قرار می دهد که در حرام نیست.

سفارش به رعایت انصاف

شخصی، نزد آقا سید احمد خوانساری آمد و گفت: من یک جنسی را

ص: ۱۱۷

صد تومان می خرم و چون بازار کشش دارد، آن را دوست تومان می فروشم، اشکال دارد؟ ایشان فرمود: نه، ولی بی انصافی است. آن شخص گفت: عیبی ندارد، حرام نباشد؛ بی انصافی طوری نیست. ایشان دید این شخص منظور حرفش را متوجه نشده است، به او گفت: بی انصافی یعنی آن کاری که شمر با امام حسین علیه السلام کرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «أشد الأعمال ثلاثة»؛ عمل کردن به سه چیز بسیار مشکل است: «إنصاف الناس من نفسك حتى لا ترضى لهم منها بشيء إلا رضيت لهم بمثله ومواساتك الأخ في المال و ذكر الله على كل حال و ليس سبحان الله و الحمد لله ولا إله إلا الله فقط و لكن إذا ورد عليك شيء من أمر الله أخذت به و إذا ورد عليك شيء نهى الله عز و جل عن تركته»؛ (۱) ذکر خدا در همه حال، مواسات با خودت و انصاف با مردم.

مذمت کردن بی انصافی

امام صادق علیه السلام به یک عده ای پول دادند تا به تجارت بروند. آن افراد بعد از برگشت از تجارت، به امام صادق گفتند: این اصل پول و این هم سودش. امام نگاه کردند دیدند صد در صد پول برگشته است! گفتند: چرا این قدر زیاد؟ گفتند: دیدیم در آن شهر این کالا- کمیاب است ما هم جنس را نگه داشتیم تا بازار رونق بگیرد، و دو برابر قیمت در بازار به مردم فروختیم و مردم هم خریدند و دعایمان کردند. امام فرمودند: من این

ص: ۱۱۸

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۵، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۰۹، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۸۱.

پول ها را مصرف نمی کنم و بعد فرمودند: کسب حلال از شمشیر زدن در راه خدا مشکل تر است. (۱)

منع خودکشی در قرآن

در ادامه آیه خداوند می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»: خودتان را نکشید.

آن طور که مفسرین گفته اند: از این آیه، سه نکته برداشت می شود:

۱. حرمت خود کشی؛ آیه می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» چرا خودتان را می کشید؟ شما امانت هستید و این بدن هم امانت است و شما باید زندگی کنید. ما اجازه نداریم خودمان را بکشیم. بعضی ها می گویند: زندگی مشکلات دارد؛ هنر این است که در این سختی ها خودمان را نشان بدهیم. قرار نیست با خوشی زندگی مان را ادامه بدهیم.

بعضی ها این سؤال را می کنند که چرا اسلام به انسان اجازه نمی دهد خودش را از بین ببرد؟ این، خلاصی نیست؛ بلکه ناشکری و کفران نعمت خداست. مثل این می ماند شما در ماشین نشسته اید و رانندگی بلد نیستید، یا این که ماشین مشکل دارد بعد بالای دره بیاید ماشین را خلاص کنید و آن را به ته دره بیاندازید. آیا این هنر است؟ خودکشی کردن حرام است. قرآن می فرماید: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَْ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا» (۲) هر کسی این کار را انجام دهد جهنم می رود.

ص: ۱۱۹

۱- الکافی، ج ۵، ص ۱۶۱؛ التهذیب، ج ۷، ص ۱۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۱.

۲- نساء، ۳۰.

آیا اباعبدالله علیه السلام با این همه مشکلات در روز عاشورا، امیدش را از دست داد؟ بالاخره جهان روی یک پایه نمی چرخد و فراز و نشیب دارد. قرآن می فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (۱) بعد از هر سختی، آسانی است. گاهی روزنه هایی در زندگی انسان باز می شود، انسان که نباید خودکشی کند.

شخصی می گفت: خدا به ما فرزندی داد که فلج بود و من خیلی ناراحت شدم و گفتم: ای کاش از دنیا برود! تا این که این فرزند آرام آرام تحصیل کرد و استاد دانشگاه شد و موفق شد. آن شخص می گفت: بچه های دیگر ما را رها کردند و همین فرزند فلجم الان خرج زندگی ما را می دهد و الان بسیار خوشحالم و خدا را شاکرم. واقعا ما مصلحت امور را نمی دانیم

داستان

شخص نابینایی به نام ابوبصیر خدمت امام باقر علیه السلام آمد، و امام فرمودند: می خواهی دعا کنم تا چشمانت خوب شود؟ گفت: بله. خیلی دوست دارم. امام باقر علیه السلام فرمودند: یک اجر و ثمره ویژه ای به خاطر این نابینایی داری اگر من این کار را کنم، این امتیاز از بین می رود. شخص نابینا کمی فکر کرد و گفت: نه، نابینا می مانم ولی آن ثواب عظیم را می گیرم. (۲)

ص: ۱۲۰

۱- شرح، ۵.

۲- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۱؛ المناقب، ج ۴، ص ۱۸۴؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۹، ص ۸۴.

همیشه نباید وضعیت موجود را نگاه کرد یک وقت می بینید، همین آدم در آینده به یک مراتب عالی می رسد. مادر موسی علیه السلام وقتی موسی را به دنیا آورد، با سختی و مشکلات زیادی رو به رو بود، آیا خوب بود از خداوند متعال آرزوی مرگش را بکند؟ امام علیه الرحمه در نجف با مشکلاتی روبه رو بودند، ببینید که به چه عظمت و جایگاهی رسیدند.

۲. علامه طباطبائی می فرماید: این آیه خطاب به مردم جامعه هم است، که همدیگر را نکشید. انسان ها ادیان و گرایش های مختلف دارند، باید کنار هم زندگی کنند. بعضی از افراد نادان، فتوای قتل انسان های دیگر را صادر می کنند، اما در مورد سلمان رشدی که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم توهین کرده در آن موقع حکمش قتل بود و بحثش جدا است. ولی بمب گذاری و ترور در اسلام و کشتن افراد بدون دلیل و محاکمه ممنوع است.

۳. خودتان را تدریجا نکشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ذیل این آیه فرمودند: مثلاً کسی آب سرد برایش ضرر دارد. اگر با آب سرد وضو بگیرد مصداق «ولا تقتلوا أنفسکم» است.

به عبارت دیگر خطاب این قسمت آیه به افراد وسواسی است که خودشان را تدریجی می کشند. در آخر آیه می فرماید: خدا به شما رحیم و مهربان است؛ یعنی مال حرام نخورید و خودتان و دیگران را هم نکشید؛ ان شاء الله خدا کمک می کند و لطفش شامل حال شما می شود.

قال الله تبارك و تعالی: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (۱)

مقدمه

بحث امروز ما درباره اولین آیه سوره نساء است که همه مردم را خطاب قرار داده است. در این آیه کلمه (اتقوا) دوبار تکرار شده است و روی دو چیز تأکید شده است: ۱- تکریم و تعظیم خدای تبارک و تعالی ۲- ارحام و فامیل

خداوند می فرماید: ای مردم نسبت به خدا تقوا داشته باشید. خدایی که شما را از یک نفر (آدم) آفرید و حوا را هم از آدم آفرید. تمام زنان و مردانی که در عالم هستند از یک پدر و مادر هستند. تقوا داشته باشید به آن خدایی که خودتان هم بر او قائل هستید. خداوند تبارک و تعالی کنار

ص: ۱۲۳

تقوای الهی سفارش به صله رحم و فامیل کرده است.

در واقع مفسرین معتقدند که خداوند می گوید: چون همه شما را از نسل آدم قرار دادیم با هم ارتباط داشته باشید.

اثرات صله رحم

در باب صله رحم احادیث بسیار است. امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کسی صله رحم کند پنج اثر دارد: «صله الأرحام تحسن الخلق و تسمح الکف و تطیب النفس و تزيد فی الرزق و تنسیئ فی الأجل»؛ (۱) - انسان را خوش اخلاق می کند، ۲- انسان را با جود و سخاوت بار می آورد و به انسان دست دهنده می دهد، ۳- نفس انسان را پاکیزه می کند، ۴- رزق و روزی انسان زیاد می شود، ۵- مرگ انسان به تأخیر می افتد.

مذمت کردن قطع صله رحم

امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه مشغول سخنرانی بودند و دعا کردند: أعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء؛ خدایا! به تو پناه می برم از گناهانی که اجل ما را جلو می اندازد. شخصی گفت: کدام گناه مرگ ما را جلو می اندازد؟ امام فرمودند: «قطیعه الرحم» (۲) قطع رابطه با فامیل.

ص: ۱۲۴

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲: وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۳۵: روضه المتقین، ج ۹، ص ۴۱۳.

۲- «قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبته أعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء فقام إليه عبد الله بن الكواه الشكري ۲ فقال يا أمير المؤمنين أ و تكون ذنوب تعجل الفناء فقال نعم ويلك قطيعة الرحم إن أهل البيت ليجمعون و يتواسون و هم فجرة فيرزقهم الله و إن أهل البيت ليتفرقون و يقطع بعضهم بعضا فيحرمهم الله و هم أتقياء» (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۷، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۸).

فامیل چند دسته هستند: یک دسته از آنها خوب و متدین و مذهبی هستند. پس دلیلی ندارد که با آنها قطع رابطه کنیم. حتما باید صله رحم و رفت و آمد باشد. دلایلی که برای قطع ارتباط داریم باید منطقی باشد.

بعضی ها می گویند: ما خواهر و برادری داریم که در اثر رفت و آمد با آنها، بین ما درگیری و تنش به وجود می آید یا این که مال آنها حرام است یا این که اهل شرب خمر و فساد هستند، تکلیف صله رحم چه می شود؟ صله رحم یک معنای عام دارد و حتما رفت و آمد نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «صلوا أرحامكم ولو بالسلام»؛^(۱) با فامیلان ارتباط داشته باشید ولو به سلام کردن. قطع رحم؛ یعنی این که ما کاملاً قطع ارتباط کنیم. صله رحم را باید مدیریت کرد. فامیلی که مذهبی است و اهل گناه نیست با او رفت و آمد کنید اما اگر کسی باشد که این طور نباشد، اگر آن فرد بیمار شد به عبادتش بروید یا اگر از دنیا رفت به تشییع جنازه اش بروید.

ما در روایات داریم دو نفر با هم قدم می زدند. امام کاظم علیه السلام فرمودند: شما چرا با این شخص قدم می زنید عقیده این فرد فاسد است، گفت: دایی ام است. فرمودند: دایی ات باشد! امام می خواهد بگوید: با این قطع رابطه نکن ولی صمیمی هم نباش. ^(۲) در روایات داریم با ارحام ارتباط پیدا

ص: ۱۲۵

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰، تحف العقول، ص ۵۷؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۶۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۴۹.

کنید ولو با یک لیوان آب باشد.

به امام صادق علیه السلام گفتند: بهترین نوع صله رحم چیست؟ فرمودند: «كف الأذى»^(۱) بهترین نوع صله رحم این است که شما دیگران را آزار ندهید. اگر شما فامیل را آزار ندادی و غیبت نکردی و تهمت نزدی و تمسخر نکردی این بهترین نوع صله رحم است.

عزیزان من! در ماه رمضان یا ماه محرم و صفر یا در طول سال در بین فامیل برنامه روضه و دعای توسلی با زیارتی بگذارید و بگویید: شب های پنجشنبه هر هفته منزل یک کسی باشد تا ارتباط ها بیشتر شود.

یکی از علمای بزرگ فرموده بود: روضه های خانگی باعث برکت خانه است. نگویید: در مسجد روضه میگیرم مسجد برای خودش برکت دارد، در خانه تان روضه بگیرید بگذارید «السلام علیک یا ابا عبد الله» در خانه شما گفته شود و زیارت اهل بیت علیه السلام خوانده شود.

من یکی از بهترین راه های صله رحم را گسترش این جلسات روضه و زیارت و قرائت قرآن می دانم.

مؤمن نباید خودش را خوار کند جایی که او را تحقیر می کند نباید برود. جایی که گفته اند: نرو اگر برود با ناراحتی بیرون می آید نباید برود ولی صله رحم عام است.

ص: ۱۲۶

۱- «قال أبو عبد الله عليه السلام صل رحمك و لو بشربه من ماء و افضل ما توصل به الرحم كف الأذى عنها وصله الرحم منأه في الأجل محبيه في الأهل، (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۱: وسائل الشیعه، ج ۲۱ ص ۵۳۹، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۱۷).

اشاره

قال الله تبارك و تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۱)

مقدمه

آیه مذکور خطاب به مؤمنان و دارندگان ایمان است، می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید اول از خدا اطاعت کنید. همه اطاعت ها به اطاعت از خدا بر می گردد. قرآن می فرماید: اگر ما می گوئیم پیامبر را هم اطاعت کنید؛ چون در واقع اطاعت از پیامبر، اطاعت از خداست و اگر می گوئیم از ائمه علیهم السلام اطاعت کنید، در واقع می گوئیم از خدا اطاعت کنید. در روایات داریم به وسیله اهل بیت علیهم السلام خدا را اطاعت کنید. در زیارت امام رضا علیه السلام می خوانیم که: «اللهم إليك توجهت و إليك قصدت»؛ (۲) خدایا! من به خاطر تو خانواده ام را ترک کردم.

ص: ۱۲۷

۱- نساء، ۵۹.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۲: تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۸۶ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۷.

اگر زمانی اطاعت از شخصی در مقابل اطاعت خدا باشد آن اطاعت منتفی است و نباید انسان انجام بدهد. در ادامه آیه قرآن می فرماید: «وَأَطِيعُوا الرِّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ»؛ از پیامبر و اولی الامر اطاعت کنید.

در ارتباط با این فراز «وَأَطِيعُوا الرِّسُولَ»، قرآن کریم می فرماید: «مَنْ يَطْلُعِ الرِّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛ هر کس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است.

معرفی شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

ابتدا به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اشاره می کنیم. ده ها آیه در قرآن به معرفی شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پرداخته است و آنقدر خدا در قرآن برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم احترام قائل شده است که در هیچ کجا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به نام صدا نزده است. ما در قرآن محمد، یا احمد نداریم؛ البته نام پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم در قرآن آمده اما خطاب نیامده است.

آنقدر خدا در قرآن سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را کرده که در یک جمله می فرماید: شما چقدر خدا را دوست دارید؟ هر چقدر خدا را دوست دارید نشانه اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. خدا می فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (۱) پیامبر! به مردم بگو: اگر خدا را دوست دارید من را تبعیت کنید آن وقت خدا شما را دوست خواهد داشت. به حدی خدا مقام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را در قرآن بالا برده که هر وقت می خواهد سفارش

ص: ۱۲۸

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را چه ایجابی و چه سلبی بکند، اول اسم خودش را می آورد، مثلاً: «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (۱) از خدا و پیامبر جلو نiftید، «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» (۲) به خدا و رسول خیانت نکنید. شما در قرآن مکرراً این موارد را می بینید.

به مردم می فرماید: اگر با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیوندی را حفظ کنید، گویا با خدا حفظ کردید و لذا به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: آن هایی که با تو بیعت می کنند، گویا با خدا بیعت می کنند و آن هایی که به تو خیانت می کنند گویا به خدا خیانت می کنند. وقتی که می خواهد بگوید: پیامبر را اذیت نکنید می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (۳) هر کسی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را اذیت کند خدا او را در دنیا و آخرت لعنت کند و عذاب الیم در انتظار اوست.

در سوره مبارکه احزاب می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» (۴) خدا و فرشتگان دائماً بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درود می فرستند. این ها نکته های بسیار دقیقی است.

یکی از مفسرین می گوید: خدا برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم احترام و جایگاه بسیار ویژه ای قائل است، مثلاً: به خانه پیامبر مهمانی می رفتند و دیر از خانه ایشان بیرون می رفتند؛ و چون حضرت خیلی مأخوذ به حیا بود، آیه نازل شد وقتی غذایتان را می خورید بلند شوید این زیاد نشستن شما،

ص: ۱۲۹

۱- حجرات، ۱.

۲- انفال، ۲۷.

۳- احزاب، ۵۷.

۴- احزاب، ۵۶.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را اذیت می کند یا در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فریاد می زدند و ایشان هم صحبتی نمی کرد آیه نازل شد: «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» (۱) و این آیه عجیب است می فرماید: آن هایی که صدایشان را از صدای پیامبر بالا می برند اعمالشان حبط می شود چون نسبت به ایشان بی ادبی می کنند.

احترام گذاشتن امام صادق به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

ابوهارون مکفوف می گوید: هر گاه نام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برده می شد امام صادق علیه السلام، به احترام نام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تعظیم می کرد و می فرمودند: «بابی و اُمی و قومی و عشیرتی»؛ (۲) ای رسول خدا! پدر و مادر و اولاد و اقوامم به قربانت. این ها احترامی است که ائمه علیهم السلام برای رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم قائل بودند.

بودند.

احترام گذاشتن به حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

در زمان حضرت زهر سلام الله علیها حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مکتوب شده بود که حضرت آن را در خواست کرد، گفتند: آن حدیث گم شده است. حضرت فرمودند: آن حدیث نزد من به اندازه حسنین علیهما السلام ارزش دارد، چرا آن را گم کردید؟ (۳)

ص: ۱۳۰

۱- حجات. ۲.

۲- الکافی، ج ۸، ص ۲۶۶؛ الوافی، ج ۲، ص ۲۳۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۸.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۶: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۱ دلائل الامامه. ص ۶۶؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۹۰۸.

وقتی آیه نازل شد که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به اسم صدا نزنید؛ بلکه با القابی مثل رسول الله، یا نبی الله، یا حجه الله صدا نزنید. حضرت زهرا علیها السلام همیشه صدا می زدند یا ابتاه! پدرجان. آن دفعه صدا زدند یا رسول الله! پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نگاهی کرد و گفت: فاطمه جان! چه شده است؟ عرض کرد: آیه نازل شده پیامبر را به نام صدا نزنید! فرمودند: فاطمه جان! تو استثناء هستی و پاره تن من هستی. (۱)

آیت الله سبحانی کتابی به نام فروغ ابدیت نوشته است، توصیه می کنم آن را مطالعه کنید، ذکر کرده است که چه آزار و اذیت هایی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ایستاده بودند، عده ای آمدند شکمه گوسفند را روی ایشان ریختند. عده ای به ایشان سنگ زدند و او را با نام های مختلف صدا می زدند و او را تمسخر می کردند. خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: پیامبر صبر کن! نوح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را تمسخر کردند ولی او نهصد و پنجاه سال صبر کرد و عده انگشت شماری به ایشان ایمان آوردند. حضرت صالح را می خواستند ترور کنند. بدن بعضی از انبیا علیهم السلام را اره کردند و بدنشان را تکه تکه کردند، در یک روز هفتاد پیامبر را در بنی اسرائیل کشتند. بعضی ها در مذمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شعر می گفتند و بعضی دیگر می گفتند: این قرآن را در سفر به شام یاد گرفته است.

ص: ۱۳۱

قرآن کریم در سوره مدثر دو مرتبه از مرگ گفته است، می فرماید: «قتل»؛ ولید کشته باد! چرا؟ چون ولید گفته بود: پیامبر ساحر است. خدا مرگ گفته است به کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را ساحر خوانده است، بنابراین افرادی که مغرضانه سخنان زشت و ناپسند را نسبت به ساحت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می گویند این ها مستحق مرگ هستند.

ما در این جا مسامحه نداریم. در زیارت نامه همه ائمه: اول سلام بر پیامبر است «السلام علیک یا رسول الله» یا امامی را که می خواهید خطاب کنید: «السلام علیک یا بن رسول الله» همه جا نام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم مطرح است.

تذکر یک نکته

نکته ای در این جا عرض کنم ممکن است بعضی ها در این زمینه شبهاتی برایشان پیش بیاید گرچه کسی که توان فهم و پاسخ گویی ندارد، خواندن این نوع کتاب ها و دیدن فیلم ها حرام است.

متأسفانه بعضی از منابع تاریخی ما که مسلمانان نوشته اند دچار این نوع روایات ضعیف شده است؛ یعنی اسرائیلیات وارد آن شده است. روایاتی که بنیان گذارش یهودی ها هستند؛ یعنی وقتی کسی تاریخ طبری را می خواند نمی تواند به همه آن اعتماد کند؛ چون بعدا افرادی آمدند یک سری روایات جعلی به اسم انبیا علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد منابع ما کرده اند.

در کتابی به نام نقش اسرائیلیات در داستان های انبیا چه قدر نسبت های

دروغ به حضرت سلیمان و حضرت یوسف و داوود علیهم السلام داده اند.

مذمت کردن نسبت های دروغ

شخصی خدمت امام رضا علیه السلام بود، آقا فرمودند: مردم قصه حضرت داوود علیه السلام را چه طور نقل می کنند؟ آن شخص سخنان مردم را برای ایشان نقل کرد، گفتند: مردم این طور می گویند! رنگ امام رضا علیه السلام تغییر کرد و سه مرتبه روی پیشانی شان زدند و فرمودند: «سبحان الله سبحان الله سبحان الله» مردم اینها را به پیامبر خدا نسبت می دهند؟ دروغ است؛ چون پیامبران معصوم بوده اند.

به حضرت آدم أبو البشر علیه السلام و به حضرت ایوب علیه السلام چیزهایی را نسبت داده اند که انسان شرمنده می شود. غرض آنها رسیدن به اهداف خودشان بوده و می خواستند چهره انبیا علم را خراب کنند.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کسی قصه حضرت داوود علیه السلام را آنطور که معروف و نقل شده است، نقل کند صد و شصت ضربه شلاق به او می زنم، یعنی به شدت حضرت برخورد کردند. امام صادق علیه السلام و ائمه علیهم السلام با اشخاصی که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت های دروغین می دادند، برخورد می کردند.

شما اگر می خواهید تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را بخوانید کتاب فروغ ابدیت را بخوانید که یک مرجع تقلید (حضرت آیت الله سبحانی) نوشته است یا کتاب حاج شیخ عباس قمی را در ارتباط با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بخوانید یا کتاب پیامبر اعظم آقای دکتر آیتی را بخوانید.

کتابی به نام پیامبر شناسی و پاسخ شبهات که توسط محققى به نام على اکبر رضوانى نوشته شده است که البته این کتاب برای سطح عموم توصیه نمی شود. در این کتاب شبهاتی که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت داده اند، پاسخ داده شده است.

ویژگی های ده گانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

اشاره

یکی از جامع ترین آیات درباره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آیه ۱۵۷ سوره اعراف است که در این آیه ده ویژگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده و چهار تا وظیفه برای مردم گوشزد کرده است.

مرحوم آقای سیدرضا صدر کتابی به نام پیامبر در قرآن دارد که این کتاب عربی است. ایشان آیاتی را که راجع به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در قرآن آمده است، جمع آوری کرده اند.

قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْمُرْسَلَ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱)

۱. رسول

اولین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسول است؛ یعنی فرستاده خدا.

ص: ۱۳۴

دومین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نبی است؛ یعنی (کسی که وحی دریافت می کند). معنای رسول از نبی بالاتر است؛ چون ممکن است کسی رسول باشد ولی نبی نباشد.

سومین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امی است؛ یعنی درس ناخوانده است و نیازی به آموزش نداشته؛ چون معلم او خداست. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا آخر عمرش هم خط ننوشت. سوال: چرا خدا ایشان را به گونه ای قرار داد که ننویسد؟ چون بعدها نگویند: قرآن را خودش نوشته است.

چهارمین ویژگی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم این است که ویژگی هایش هم در تورات و هم در انجیل آمده است؛ یعنی دنیای مسیحیت و یهودیت بدانند اهانت به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم اهانت به حضرت عیسی و موسی علیهم السلام است: به خاطر این که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خاتم انبیا است.

ما اعتقادمان این است اگر کسی به حضرت عیسی علیه السلام توهین کند، همان طور که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حساسیت نشان می دهیم، نسبت به ایشان هم حساسیت نشان می دادیم. اگر چنانچه در دبیرستانی به دبیر کلاس دوازدهم توهین شد دبیر کلاس اول هم باید عکس العمل نشان بدهد. انبیا پله پله هستند و بالا می آید در رأس خاتم الانبیا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است. توهین به

پیامبر توهین به انبیای دیگر است.

۵. دعوت به معروف

پنجمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این است که مردم را به معروف دعوت می کرد، می فرمایند: دروغ نگوئید، احسان کنید و ... پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به مردم از خودشان دلسوزتر است.

۶. نهی از منکر

ششمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این است که مردم را نهی از منکر می کرد، می فرمود: شراب نخورید، فحشا و خیانت نکنید و ...

۷. حلال کردن طیبات

هفتمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این بود که: چیزهای پاکیزه را برای شما حلال کرد. بعضی ها گوشه گیر بودند و به غار پناه می بردند، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: این کار را نکنید، وارد جامعه شوید، پاکیزه باشید و زن را بر خودتان حرام نکنید و فرزندان بشوید و از نعمت ها استفاده کنید.

۸. حرام کردن خبائث

هشتمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این بود که: خبائث را برای شما حرام کرد، اگر فرمودند: میته نخورید؛ چون خبیث است. اگر فرمودند: گوشت خوک نخورید؛ چون آثار منفی دارد. اگر فرمودند: با سگ ارتباط برقرار نکنید؛ چون آن را نجس اعلام کرد و یا این که نسبت به حیوانات

ص: ۱۳۶

احترام بگذارید!

ائمه بزرگوار ما تأکید فراوان کرده اند که حیوانات را آزار ندهید؛ بلکه به آنها غذا بدهید حتی کسی با غذا دادن به حیوان ممکن است بهشتی شود اما این غیر از این است که در خانه و زندگی خودمان حیوانی را قرار بدهیم. هر چیزی جایگاه و محلی دارد.

۹. برداشتن سختی ها

نهمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این است که: از گردن شما عسر و سختی ها را برداشتند.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کودک بودند که حلیمه سعدیه یک گردنبند مهره ای را به او داد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: این چیست؟ عرض کرد: برای این که چشم نخوری، حضرت به شدت ناراحت شدند و آن را پاره کردند و فرمودند: «إن معی ربی»؛ خدایی با من است که من را حفظ می کند. (۱)

شخصی کودکی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آورد که گلو و گردنش درد می کرد و مهره هایی به او آویزان کرده بود، حضرت فرمودند: این ها شرک است. این مهره گلوی او را خوب نمی کند و با این خرافات مبارزه کردند. خرافاتی که سر تا پای جامعه جاهلی را پوشانده بود.

۱۰. برداشتن غل و زنجیر

دهمین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این است که: غل و زنجیر را از شما

ص: ۱۳۷

برداشت. چرا از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اطاعت کنیم؟ این درست مثل این می ماند که بنده به شما بگویم: از آقای که باسواد و ادیب است اطاعت کنید و شما بگویید چرا؟ خوب واضح است، به خاطر علمش.

وظایف مردم نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

۱. به او ایمان بیاورید و منکر او نشوید؛

۲. او را گرامی بدارید؛ در مورد گرامی داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در قرآن آیات فراوانی داریم.

۳. او را با وقار و عظمت باد کنید و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را یاری کنید.

یاری کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سه نوع است: ۱- با زبان، ۲- با قلب، ۳- با عمل. کما این که امام صادق علیه السلام در مورد هشام فرمودند: «هذا ناصرنا بقلیه و لسانه و یده»^(۱) این جوان با دل و دست و زبان یاور ماست.

یاری کردن با زبان این است که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دفاع کنیم، مثلاً: وقتی نام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برده می شود صلوات بفرستیم و به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سلام بدهیم. اگر جایی توهین می شود ما در آنجا موضع بگیریم.

یاری کردن قلبی این است که محبتشان در قلب ما باشد و یاری کردن عملی هم این است که به زیارتشان برویم و خمس مالمان را پردازیم و اگر جایی لازم است مجلسی برای آنها برپا کنیم و عمل کردمان را طوری قرار بدهیم که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم راضی باشد.

ص: ۱۳۸

۴. خداوند می فرماید: «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱) از نوری که با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرستاده شده است تبعیت کنید؛ آن نور قرآن است.

خدا در بعضی آیات قرآن می فرماید: اگر این کار را انجام بدهید «لعلکم تفلحون»؛ شاید رستگار شوید؛ اگر این چهار وظیفه را انجام بدهید قطعاً رستگار خواهید شد.

تفسیر اولی الامر

خداوند در قرآن می فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۲) راجع به «وَأُولَى الْأَمْرِ» بحث های زیادی است. بعضی از مفسرین شیعه گفته اند: «وَأُولَى الْأَمْرِ»، والیان امر هستند؛ یعنی هر کسی قدرت در دست گرفت والی امر می شود اما بعضی ها گفته اند: «وَأُولَى الْأَمْرِ»؛ یعنی کسی که مدیریت جامعه را به عهده بگیرد و عادل هم باشد. برخی دیگر گفته اند: «وَأُولَى الْأَمْرِ» منظور قاضیان و رزمندگان اسلام هستند.

عزیزان من! وقتی خدا اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را مثل اطاعت خودش دانسته، «وَأُولَى الْأَمْرِ»؛ یعنی کسانی که معصوم هستند؛ چون حتی حاکم خوب هم ممکن است جایی خطا کند. بدون تردید «وَأُولَى الْأَمْرِ» در این آیه باید معصوم باشد. وقتی باید معصوم باشد طبیعتاً ما به روایات مراجعه

هستند.

ص: ۱۳۹

۱- اعراف، ۱۵۷.

۲- نساء، ۵۹.

می کنیم. ده ها حدیث از نبی مکرم صلی الله علیه و آله وسلم داریم که فرمودند: اولی الامر علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان او هستند و این نکته بسیار دقیقی است.

فخر رازی در تفسیرش می گوید: منظور از اولی الامر معصومان هستند؛ چون خدا تبعیت محض را از این ها لازم دانسته است. البته اعتقاد ما این است «و أولی الأمر» در ائمه معصومین علیهم السلام منحصر است. در زمان غیبت همین ائمه معصومین علیهم السلام کسانی را معرفی کردند که مردم را به «و أولی الأمر» هدایت می کنند که آن ها علما و دانشمندان و فقها هستند. فقها رابط و وسیله هستند. برای این که مردم حرف های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را متوجه شوند.

ص: ۱۴۰

قال الله تبارك و تعالى: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (۱)

مقدمه

شب قدر نقطه اوج ماه رمضان است. به عبارت دیگر شب های ماه رمضان شب های نسیم رحمت است؛ اما شب قدر، شب طوفان رحمت است. خداوند تبارک و تعالی گاهی در جمادات، انسان ها و سایر موجودات یک برجستگی هایی را قرار داده است. مثلاً در کره زمین که همه هستی برای خداست؛ خانه خودش را استثنا کرده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در میان انسان ها گل سر سبز موجودات است یا در انواع سنگ ها فقط یکی از سنگ ها در شده است؛ اگر قرار بود همه سنگ ها در باشند دیگر کسی قدر در را نمی شناخت. اگر قرار بود همه انسان ها برگزیده باشند انسان برگزیده شناخته نمی شوند. در میان ماه ها

ص: ۱۴۱

هم، ماه رمضان را برگزیده و در میان این شب ها شب قدر را برگزیده است و این شب را نامعلوم گذاشته است.

خواص مخفی بودن شب قدر

خود همین نامعلومی و مخفی بودن چند خاصیت دارد، خاصیت اول: جذابیت آن است؛ انسان. چیزهای مجهول برایش جذاب تر است، مثل بحث مهدویت یا بحث وقوع قیامت که زمانش معلوم نیست. خاصیت دوم: شکوه و عظمت می آورد انسان سعی می کند چیزی که باشکوه و عظمت است را آرام آرام بگوید و یک دفعه در اختیار دیگران قرار ندهد.

درباره شب قدر در قرآن کریم دو بحث است: یکی درباره اهمیت این شب قرآن کریم درباره اهمیت این شب فرمود: «لیله القدر خیر من ألف شهر»؛ «وما أدراک ما لیله القدر» این خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. این نوع آیات در قرآن کم است و خدا بیشتر راجع به مطالب مهم این گونه صحبت می کند.

و دیگری درباره صفات شب قدر و هم چنین حوادثی که در این شب اتفاق می افتد. یکی از نکاتی که باید در شب قدر و شب های احیاء به آن توجه شود، اولویتی است که در کارهایمان است. کتاب های خیلی از علمای ما در شب قدر به اتمام رسیده است؛ یعنی در آن شب یکی از ویژگی های خوب را کسب علم دانسته اند.

یکی از مهم ترین کارها در این شب ها تقویت عزم و اراده و تصمیم گیری است. خیلی از افراد در این مسئله مشکل دارند؛ اکثر ما می دانیم که گناه بد است و احترام به پدر و مادر خوب است. غالب مردم مشکلشان عزم و اراده است. چرا حضرت آدم به حرف خدا گوش نکرد و از بهشت رانده شد؟ چون «وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (۱) البته آدم گناه نکرد ولی عزمش در انجام امر خدا ضعیف بود و لذا در دعای کمیل می خوانیم: «و اشدد علی العزیمه جوانحی»؛ (۲) خدایا! در درون و قلب ما عزم لازم را قرار بده. «قو علی خدمتک جوارحی»؛ جوارح یعنی أعضاء؛ چه زمانی اعضای من خدمت خدا می کند؟ زمانی که عزم من قوی باشد.

عزم ملوکانه عامل ترک عمل زشت

هارون الرشید عادت داشت گل بخورد که کار بسیار زشتی بود. هر چه به او می گفتند: بد است این کار را انجام نده! هارون می گفت: عادت کردم. بزرگی ایشان را دید و به او گفت: عزم ملوکانه کجاست؟ تو که نمی توانی گل خوردن را کنار بگذاری، چگونه می خواهی کشور را اداره کنی؟ هارون الرشید ناراحت شد و این کار را ترک کرد. این همان عزم ملوکانه است.

ص: ۱۴۳

۱- طه، ۱۱۵.

۲- مصباح الکفعمی، ص ۵۵۹: جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، ص ۵۵۱.

این عزم بود که باعث شد وقتی صبح عاشورا حر به خیمه اباعبدالله علیه السلام نگاه کند و بگوید: «تَلَحُّقُ بِالْحُسَيْنِ لَنَا نَفُوزٌ بِالسَّعَادَةِ»؛ برویم به پسر زهرا سلام الله علیها بیوندیم و سعادت‌مند شویم.

عمر سعد این عزم را نداشت و با این که در ایام محرم چندین ملاقات با امام حسین علیه السلام و أصحاب ایشان داشت، ولی در آخر ضعف عزمش، مانع شد تا به امام حسین علیه السلام بیوندد.

خدا در قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می گوید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»؛ (۱) پس صبر کن آن گونه که پیامبران الوالعزم صبر کردند.

داستان های تقویت عزم و اراده

ما داستان زیادی در قرآن از تقویت عزم و اراده داریم که چند مورد را اشاره می کنیم:

۱. حدیث داریم: «فكانوا أول النهار كفارا سحره و آخر النهار مومن البرره شهداء برره»؛ (۲) ساحرانی که پیش فرعون آمدند اول صبح کافر و ساحر بودند، و آخر شب مؤمن و نیکو.

چطور این اتفاق افتاد با این که فرعون آنها را تهدید کرد! ولی آن ها در جواب گفتند: «آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» (۳) ایمان به خدای هارون و موسی آوردیم.

ص: ۱۴۴

۱- احقاف، ۳۵.

۲- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۸۰.

۳- طه، ۷۰.

۲. آسیه شخصی است که اراده اش تحسین برانگیز است، آسیه در خانه کسی بوده که می گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» (۱) من خدای شما هستم. آسیه در این خانه موحد بود و به پای حضرت موسی علیه السلام ایستاد.

۳. درباره جوانان کهف، قرآن می فرماید: «فَتِيَّةً آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (۲) عزمشان قوی بود و لذا محیط ظلم را ترک کردند و با عزم قوی از دین و آئینشان دفاع کردند.

عزیزان من! اگر دینداری می خواهیم، ترک وسواس می خواهیم، اگر توبه می خواهیم، باید عزم و اراده قوی داشته باشیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «ضادوا التواني بالعزم» (۳) با عزم و اراده، با سستی تان مبارزه کنید.

همه کارها عزم و اراده می خواهد، اگر وهن و سستی در ما باشد نمی توانیم در کارهایمان موفق باشیم. چه طور در ماه رمضان اراده می کنیم که روزه بگیریم و حتی از خوردن حلال هم اجتناب می کنیم، یا آدمی که تصمیم می گیرد در تابستان گرم به مکه برود و در زمانی که محرم هست تصمیم می گیرد که حتی به یک مورچه هم آزار نرساند، یا در آینه نگاه نکند.

بهترین کار در شب قدر، تقویت عزم و اراده است. در این شب بیدار باشید و احیا بگیرید، چون شب قدر، شب تمسک به نقلین است نگویید.

ص: ۱۴۵

۱- نازعات، ۲۴.

۲- کهف، ۱۳.

۳- غرر الحکم، ح ۱۰۹۰۸.

قرآن را متوجه نمی شویم برای فهم قرآن، فقط خواندن آن کافی نیست باید سراغ اهل بیت علیهم السلام نیز برویم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيته و إنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا» (۱) ما در این شب باید اراده مان را تقویت کنیم.

راه های تقویت عزم و اراده

۱. دوراندیشی

امیر مؤمنان فرمودند: «لا خير في عزم بلا حزم»؛ (۲) اولین راه تقویت عزم و اراده دوراندیشی است. اگر می خواهید عزم شما تقویت شود باید دوراندیشی تان را تقویت کنید. علی علیه السلام فرمودند: «من قل حزمه ضعف عزمه»؛ (۳) هر کسی حزمش کم است عزمش هم کم است. حزم؛ یعنی دوراندیشی، اگر کسی می خواهد عزمش قوی شود باید حزمش هم قوی شود.

فرض کنید کسی مرتکب گناه شود، اگر آثار این گناه را بداند و متوجه عاقبتش شود دچار گناه نمی شود. شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و عرض کرد: من را نصیحت کنید! حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هر کاری که می کنی آخرش را بسنج

ص: ۱۴۶

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۵۵؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۴؛ حلیه الابرا، ج ۶، ص ۲۲.

۲- غرر الحکم، ح ۱۰۸۶۰.

۳- غرر الحکم، ح ۱۰۸۵۸.

قیس تاجر، شراب خوار بود. نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نگاهی به او کرد و فرمودند: قیس! «إِنَّ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتًا»؛ همین قدر بدان که بعد از حیات مرگ است (۱) و بعد هم داخل قبر شدن است و آنجا هم همراه می خواهی، آن همراه اگر بد باشد تو را آزار می دهند. مواظب باش با خودت همراه خوب ببری، و قیس توبه کرد.

۲. صبر و تقوا

دومین راه تقویت عزم صبر و تقوا است. خداوند در قرآن فرموده است: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۲) اگر من بردباری کنم و ترک گناه را تحمل کنم، بردباری خودش عزم می آورد.

هر چه انسان تمرین به صبر کند عزمش بیشتر می شود، مثلاً: یک کسی که بداخلاق است، می تواند با تمرین بر صبر، عزم خود را قوی کند و بر بداخلاقی و بددهانی اش فائق بیاید. همان طور که می دانید گناه جاذبه دارد و این کار مشکل است ولی محال نیست و راهش این است: اگر انسان توبه شکست باز برگردد و این مسیر را ادامه بدهد.

۳. کنترل عوامل گناه

اشاره

سومین راه تقویت عزم، کنترل عوامل گناه است؛ یعنی چه چیزی باعث گناه می شود، مثلاً: چه چیزی باعث می شود من فحاشی کنم؟ آن حس عصبانیت و غریزه غضب است. چه چیزی باعث می شود روابط

ص: ۱۴۷

۱- بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۲۸، الخصال، ج ۱، ص ۱۱۴؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲- آل عمران، ۱۸۶.

جنسی نامشروع صورت بگیرد؟ غریزه شهوت. چه چیزی باعث قدرت طلبی می شود؟ غریزه ریاست طلبی. ما باید بر منشأ غلبه کنیم؛ یعنی بتوانیم منشأ آن گناه را کنترل کنیم؛ یعنی عصبانی نشویم تا فحاشی نکنیم. به عبارت دیگر نباید بگذاریم این سد بشکند و آب جاری شود و همه چیز را ببرد. لذا در قرآن و روایات داریم که عفت بورزید؛ نگاه نکنید که از منشأ جلوگیری می کند.

دوری از گناه عامل سعادت مند شدن

مرحوم شیخ طوسی در امالی نقل کرده است. وقتی حضرت یوسف علیه السلام به قدرت رسید و زلیخا پیر شد. به زلیخا گفتند: یوسف دارد می آید، حضرت یوسف علیه السلام سوار مرکب و با امکانات و محافظ بود. زلیخا تا مقابل حضرت یوسف علیه السلام رسید، این جمله را گفت: «إن الحرص و الشهوة صیر الملوک عبیدا و إن الصبر و التقوی صیر العبید ملوکاً» (۱) حرص و شهوت پادشاهان را خوار می کند، تقوا و صبر، بردگان را پادشاه می کند «الحمد لله الذی جعل العبید مملوکاً بطاعته، و جعل الملوک عبیداً بمعصيته» (۲) شکر خدایی که شاهان را به خاطر گناه زمین زد.

در انقلاب مشاهده کردیم که امام این گونه اوج پیدا کرد و شاه هم با خواری از دنیا رفت.

موسی بن عمران وقتی به دریا رسید، فرعون را پشت سر خود دید، و

ص: ۱۴۸

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۹۷.

۲- بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۶۹؛ الأمالی للطوسی، ص ۴۵۶، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۷۲.

دریا را رو به روی خودش، خدا به موسی بن عمران گفت: نترس. این نترس برای آن زمانی است که موسی را داخل صندوق گذاشت و مادرش او را به دریا انداخت و خدا به مادرش گفت: نترس. ما این بچه را به تو برمی گردانیم و برگشتش به این صورت بود که حضرت موسی علیه السلام حاکم شد و فرعون هم در رود نیل غرق شد.

۴. نشست و برخاست با افراد صاحب عزم

چهارمین راه تقویت عزم، نشست و برخاست با افراد صاحب عزم و مطالعه تاریخ انسان های اولوالعزم است. در روایت داریم: با بخیل، ترسو و دروغگو دوست نشوید؛^(۱) چون بر انسان تأثیر می گذارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: وقتی به عیادت بیمار می روید به او امید بدهید حتی اگر امید شما هم، اثری نداشته باشد.

ص: ۱۴۹

۱- «عن أبيه عليه السلام قال لى على بن الحسين صلى الله عليه وآله وسلم يا بنى انظر خمسه فلا تصاحبهم ولا تحادثهم و تا ترافقهم فى طريق فقلت يا أبة من هم قال إياك و مصاحبه الكذاب فإنه بمنزله السراب يقرب لك اليعبد و يبعد لك القريب و إياك و مصاحبه الفاسق فإنه باعثك بأكله أو أقل من ذلك و إياك و مصاحبه البخیل فإنه يخذلك فى ماله أحوج ما تكون إليه و إياك و مصاحبه الأحمق فإنه يريد أن ينفعك فيضرک و إياك و مصاحبه القاطع لرحمه فإنى وجدته ملعونا فى كتاب الله عزوجل فى ثلاثه مواضع قال الله عز و جل - فهل عسيتم إن توليتم أن تفسدوا فى الأرض و تقطعوا أرحامكم أولئك الذين لعنهم الله فأصمهم و أعمى أبصارهم وقال الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه و يقطعون ما أمر الله به أن يوصل و يفسدون فى الأرض أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار و قال فى البقره الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه و يقطعون ما أمر الله به أن يوصل و يفسدون فى الأرض أولئك هم الخاسرون» (الكافى ج ۲، ص ۳۷۶؛ وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۲۸؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۰۵).

عزم شیخ طوسی را ببیند که کتابخانه اش را در بغداد آتش زدند، به نجف آمد و دوباره تأسیس حوزه و کتابخانه کرد. زمانی که به امام اجازه ورود به کشور را نمی دادند امام می گوید: از این فرودگاه به فرودگاه دیگر می روم، ولی هیچ گاه با ظلم سازش نمی کنم بنابراین نشست و برخاست با انسان های صاحب عزم که در روایت هم آمده است، بسیار مؤثر است.

یکی از عوامل افسردگی در جامعه هم نشینی های غلط است. یک وقت می گفتند: طلبه ای در نجف اشرف وضع مالی اش به هم ریخته بود، خدمت میرزا علی قاضی طباطبائی رفت و دید مرحوم قاضی روی گلیمی نشسته است و در گرمای نجف با یک بادبزن خود را خنک می کند، پسر آقای قاضی هم آمد و گفت: پدر نفت چراغ تمام شده است. فرمودند: پسر! پول نیست برو. طلبه تعجب کرد که این آدم با این که پول ندارد تا تفت برای چراغ خانه اش تهیه کند ولی بشاش و سرحال است.

۵. تلاش و کوشش

راه پنجم تقویت عزم، تلاش و کوشش است. علی علیه السلام فرمودند: «فعلیکم بالجد والاجتهاد»؛^(۱) بر شما باد به تلاش و کوشش. در قرآن هم می فرماید: «لیس للإنسان إلا ما سعی»؛ برای انسان چیزی نیست جز سعی و تلاش.^(۲)

شب قدر، شب تقویت تصمیم و اراده است. مرحوم خواجه نصیر

ص: ۱۵۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰.

۲- نجم. ۳۹.

طوسی صاحب کتاب اوصاف الاشراف گام هایی را برای رشد و تعالی و سیر و سلوک در این کتاب نام می برد که اولین مورد آن تقویت اراده است. تا ما نخواهیم هیچ اتفاقی نمی افتد. خدا در قرآن می فرماید: «إِنَّا هِدَيْنَاكَ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (۱) پیامبر! اگر نخواهند به زور نمی توانی کسی را به دین دعوت کنی باید خودشان بخواهند.

ص: ۱۵۱

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «يا جابر هذا آخر جمعه من شهر رمضان فودعه و قل اللهم لا تجعله آخر العهد من صيامنا إياه فإن جعلته فاجعلني مرحوم ولا تجعلني محروما»^(۱)

مقدمه

ماه رمضان امسال سپری شد، نمی دانیم سال آینده ما هستیم و ماه رمضان را درک می کنیم یا نیستیم. دعای مذکور را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به جابر یاد داده که در واقع مفهومی این است: ای جابر! بگو اولین حاجتم این است من در سال آینده زنده باشم و روزه بگیرم، اگر به هر دلیلی سال آینده را درک نکردم، خدایا! من را مورد رحمت خودت قرار بده و هر کسی این دعا را بخواند به هر کدام که برسد نیکو است، اگر ماه رمضان سال آینده را درک کرد یک بخشی از دعا مستجاب شده و اگر از دنیا رفت یک بخش دیگرش مستجاب شده است.

انسانها دو دسته هستند: مرحوم و محروم، مثلا: ابولهب، ابوسفیان و

ص: ۱۵۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۶۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۸۰؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۷۲.

ابوجهل محروم بودند و اباذر و سلمان مرحوم بودند.

محروم به کسی می گویند که از رحمت خدا بهره مند نیست و از برکات و خیرات و لطف الهی بهره مند نیست؛ لذا ما باید کاری کنیم که محروم نشویم.

عوامل محرومیت

گناه عامل محرومیت است و کسی که دروغ می گوید محروم از اعتماد مردم است. کسی که حریص است از لذت، محروم است و اصلاً از نعمت ها لذت نمی برد؛ چون دائماً نسبت به دنیا حرص دارد، یا انسانی که نگاه به حرام می کند و نگاهش شهوت آمیز است از روابط با مردم محروم است. انسانی که لقمه اش حرام است از اجابت دعا محروم است؛ لذا هر گناهی یک محرومیتی دارد.

خدا در قرآن کریم می فرماید: «فأصلحوا بين أخويكم»: اگر بین مردم را اصلاح کنید، خدا به شما رحم می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «ارحموا ترحموا واغفروا يغفر لكم»؛ [\(۱\)](#) به هم رحم کنید تا خدا هم به شما رحم کند.

مراقبت از دستاوردهای ماه مبارک رمضان

هر کاری اگر سخت باشد، سخت تر از آن حفظش است: امام باقر علیه السلام فرمودند: «الإبقاء على العمل أشد من العمل»؛ [\(۲\)](#) طرف صدقه می دهد ولی با منت

ص: ۱۵۴

۱- نهج الفصاحه، ح ۲۶۳.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۲۹۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۵: بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۳۳.

و آزار آن را از بین می برد و نمی تواند حفظ کند لذا در قرآن می فرماید: «لا تبطلوا صدقاتکم بالأمن والأذى»: صدقاتتان را با منت و اذیت باطل نکنید.

ماه رمضان تمام شد و هر که از این ماه یک بهره ای برد، مواظب باشیم غبار گناه بر دل ما ننشیند و دستاوردهای ماه رمضان را از بین نبرد. در ماه رمضان سحرها بیدار می شدیم سعی کنیم در ماه های دیگر هم هر چند کوتاه بیدار باشیم و استغفار کنیم. ماه رمضان به نماز جماعت اهمیت می دادیم. بعد از اتمام ماه هم به نماز جماعت اهمیت بدهیم.

به طور کلی دستاوردهایی که از ماه رمضان به دست آمده باید بتوانیم حفظ کنیم، در غیر این صورت مثل کسانی می شویم که گاهی مکه می روند و بر می گردند و هیچ تغییری در آنها حاصل نمی شود. اگر در ماه رمضان تغییری در خود ایجاد نکنیم به تعبیر حضرت علی علیه السلام فقط گرسنگی و تشنگی را احساس کردیم.

برکات عید سعید فطر

در روایات توصیه هایی در مورد عید سعید فطر به ما شده است. مخصوصاً شب عید، غسل سفارش شده است، در آستانه غروب انسان غسل کند و هم چنین یک نمازی است که اگر کسی این نماز را بخواند، هر چه از خدا بخواهد خدا به او می دهد.

از امام باقر علیه السلام روایت داریم. وقتی خدا به حضرت موسی علیه السلام گفت: دعای تو و برادرت مستجاب شد و فرعون نابود می شود، چهل سال طول

کشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: اگر کسی این نماز را بخواند «لم یسئل الله تعالی الا اعطاه»؛ چیزی را از خدا نمی خواهد مگر اینکه خدا آن را به او می دهد و نماز به این صورت است که دو رکعت که در رکعت اول یک حمد و هزار قل هو الله و در رکعت دوم یک حمد و یک قل هو الله است.

توصیه به احیای شب قدر

نکته دیگری که کمتر به آن توجه شده است بحث احیای شب عید است. چند نمونه در چندین روایت داریم که اگر کسی در شب عید احیا بگیرد قلبش نمی میرد؛ یعنی زنده دل است و با نشاط است. پیامبر

صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «من أحیا ليله العید لم یمت قلبه یوم تموت القلوب»؛ (۱) کسی در شب عید، شب زنده داری کند روزی که قلب ها می میرد، قلبش نمی میرد.

زیارت امام حسین علیه السلام در شب عید

از جمله مستحبات شب عید، زیارت قبر آقا اباعبدالله علیه السلام است؛ البته اگر کسی نتوانست به زیارت برود همان توصیه آقا امام صادق علیه السلام که فرمودند: بایستید و سه مرتبه بگویید: «صلی الله علیک یا ابا عبد الله» جزو زائران قبر آقا اباعبدالله علیه السلام خواهید بود.

در روایات تأکید فراوانی بر نماز عید و خروج از خانه شده است خاندان ائمه ما برای نماز عید فطر از خانه بیرون می رفتند و تأکید زیادی

ص: ۱۵۶

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۷۸؛ بحار الانوار، ج ۸۸ ص ۱۳۲؛ ثواب الاعمال، ص ۷۶.

برای تکبیر های روز عید فطر و پرداخت زکات فطریه شده است و انجام بعضی از سنت های عید در این روزهای مبارک بسیار خوشایند است: از جمله عیدی دادن، مخصوصا به بچه هایی که تازه روزه گرفتند یا این که تکریم کردند و هم چنین صله رحم و دید و بازدید و عیادت از بیماران.

جایزه دادن توسط خداوند در روز عید فطر

در روز عید سعید فطر چند جوان شوخی های زنده می کردند، امام حسن مجتبی علیه السلام آنها را دیدند، فرمودند: این چه کاری است؟ امروز روزی است که خدا جایزه می دهد و باید منتظر دریافت جایزه از خدا باشید و به آنها تذکر دادند. (۱)

عفو کردن گناهان دیگران در شب عید

امام سجاد علیه السلام از اول ماه رمضان خطاهای اهل خانه را یادداشت می کردند. ایشان در خانه غلام و کنیز بسیار داشتند که شاگردان ایشان بودند. یکی از غلام ها در مکه سر به سجده گذاشت و گفت: خدایا بر مردم باران ببار! دعایش مستجاب شد؛ اینها مستجاب الدعوه بودند. امام سجاد علیه السلام و ائمه ما گاهی امکان برگزاری برنامه های عمومی در بین مردم را نداشتند؛ به همین خاطر غلام ها را می خریدند و به منزل می آوردند و بعد از آموزش آنها را آزاد می کردند. امام سجاد علیه السلام در ماه رمضان هر شب چند نفر از این غلامان را آزاد می کرد.

ص: ۱۵۷

امام سجاد علیه السلام از اول ماه رمضان خطای این غلامان را می نوشت و شب عید فطر که می شد به غلام هایش اشتباهاتشان را نشان می داد و می گفت: من از همه شما گزاشتم و همه شما را بخشیدم و شما هم با هم بگویید: ای خدا! علی بن الحسین علیه السلام از ما گزشت تو هم از او بگذر و در نهایت این افراد را آزاد می کرد.^(۱)

عزیزان من! امشب از همه کسانی که به هر دلیلی کدورت دارید بگذرید و بگویید: خدایا! من از آن ها گزاشتم شما هم از ما بگذر.

ص: ۱۵۸

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۳؛ الاقبال، ص ۲۶۱.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

